

شرق باستان 1

گاهنامه انجمن علمی باستان شناسی دانشگاه هنر اصفهان پاییز ۱۴۰۲ شماره ۱



صاحب امتیاز انجمن علمی باستان شناسی دانشگاه هنر اصفهان
مدیر مسئول مهنز صادقی پور
سر دبیر امیر امیری نژاد
آغاز انتشار ۱۴۰۲
نوع اعتبار علمی-دانشجویی
توالی انتشار گاهنامه
نوع دسترسی رایگان
مشاورین علمی دکتر بهرام عنانی
دکتر محسن محمدی آچاچلویی
دکتر علیرضا واعظ
دکتر علی صادقی
دکتر نورالدین مهدی قائم پناه

ارتباط با گاهنامه و دریافت مقاله

sharghebastan.aui@gmail.com

گاهنامه شرق باستان، نشریه‌ای علمی-دانشجویی است که تلاش دارد تا مقالاتی را با ایده های نو و ترجمه آثار برجسته اندیشمندان باستان شناسی با محتوی علمی به چاپ برساند.

مباحث مورد نظر گاهنامه شرق باستان از دوران پارینه سنگی تا دوره اسلامی، مطالعات باستان گیاه‌شناسی، باستان جانور شناسی، باستان زمین شناسی، باستان قوم شناسی، انسان شناسی جسمانی و سایر حوزه‌های مرتبط در ایران و شرق باستان است. هدف از انتشار این مجله انعکاس پژوهشهای باستان شناسی در سطح ملی و بین‌المللی و ترجمه مقالات چاپ شده است.

مقالات علمی و پژوهش با ساختار پژوهش محور در حوزه ای زیر مورد توجه این گاهنامه است؛

باستان شناسی ایران و جهان

باستان شناسی در دوره پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی

مطالعات تاریخ هنر شرق باستان

مطالعات باستان گیاه‌شناسی

باستان جانور شناسی

باستان زمین شناسی

باستان قوم شناسی

انسان شناسی جسمانی

ترجمه مقالات برجسته بین المللی و نقد و بررسی کتابهای ارزشمند در حوزه باستان شناسی

کلیه مراحل دریافت، داوری، بازنگری، پذیرش و یا رد و در نهایت انتشار مقالات از طریق ایمیل گاهنامه صورت می‌پذیرد. همچنین گواهی پذیرش مقاله به‌صورت دستی امکان ندارد.

سخن مدیرمسئول

مهناز صادقی پور

خداوند علیم را سپاسگزاریم که توفیق انتشار اولین شماره نشریه شرق باستان را به ما عنایت فرمود. نهال نشریه شرق باستان با همت والا و عزم راسخ اعضا تلاشگر انجمن علمی باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان و همکاری نویسندگان محترم، داوران فرهیخته و متولیان محترم نشریات دانشگاهی برای شکوفایی تحقیقات و آثار علمی در زمینه باستان‌شناسی نشانده شد. این نشریه علاوه بر بسط مقالات پژوهشی، بستری برای جمع‌آوری نظرات رشته‌های مرتبط را نیز فراهم می‌کند و امید می‌رود مورد توجه مخاطبان گرامی قرار گیرد. نشریه شرق باستان بدون دریافت نظرات و پیشنهادات سازنده‌ی شما مخاطبان ارجمند نمی‌تواند راه کمال را به سلامت بپیماید، پس منتظر ارتباط متقابل و مشارکت شما می‌مانیم و به این ارتباط افتخار می‌کنیم. و در کلام آخر از لطف هیأت محترم تحریریه، زحمات داوران گرانقدر، تلاش بی‌وقفه سردبیر محترم که بدون همت صبورانه‌ی ایشان شاید این همه توفیق میسر نبود و از پیگیری‌های مجدانه کارشناسان محترم در ساماندهی گردش کار نشریه و سایت؛ مخلصانه قدردانی می‌کنم.



فهرست

- ۱-۸ مطالعه رسوم و ارزش‌های هخامنشیان در متون تاریخی یونانی و ارزیابی آنها بر اساس داده‌های باستان‌شناسی و زبان‌شناسی
- ۹-۱۹ تصاویر بهشت: تبلیغ توریسم ابرشهر اِدو
- ۱۷-۲۶ منابع اسیدین در قفقاز
- ۲۷-۳۵ سرهای بریده شده در آتشکده آناهیتا اصطخر از واقعیت تا افسانه
- ۳۶ معرفی نشریات علمی پژوهشی داخلی ۱۴۰۲ (باستان‌شناسی)



سخن سردبیر

امیر امیری نژاد

خوش سعادتی است که سردبیری نشریه باستان شناسی دانشگاه هنر اصفهان از طرف دانشجویان و اساتید عزیز باستان شناسی به اینجانب محول شده است؛ در این نشریه تلاش داریم که محفل و منبعی برای انتشار فعالیت های علمی-پژوهشی ایجاد نماییم تا نقشی سازنده در پیشبرد دانش باستان شناسی ایفاء نماییم، در این راستا مقالات علمی-پژوهشی، مقالات مروری و ترجمه های مرتبط با باستان شناسی از اساتید فرهیخته، دانشجویان و پژوهشگران رشته های باستان شناسی، تاریخ، مرمت، معمار، عکاسی، پژوهش هنر و تاریخ هنر ایران و جهان با تمرکز بر شرق باستان منتشر خواهد شد.

باعث خرسندی است که به عنوان سردبیر نشریه از اساتید، دانشجویان و پژوهشگران دعوت نمایم تا در یک همکاری پایدار، به غنای هرچه بیشتر نشریه کمک نموده و پل ارتباطی سازنده بین پژوهشگران رشته های مختلف باشیم.

مقالات منتشر شده در سایت معاونت فرهنگی دانشگاه هنر اصفهان به صورت آنلاین و رایگان در اختیار پژوهشگران قرار خواهد گرفت و امید داریم پذیرای مقالات پژوهشی و مروری شما عزیزان در شماره های آتی نشریه باشیم.

مقدمه

اصولاً در بازسازی گذشته می‌توان از دو نوع مدرک سود جست. یکی متون و دیگری مطالعه آیین و رسوم هخامنشیان به طور سنتی مبتنی بر منابع داده‌های باستانی. مکتوب کلاسیک بوده است. منابع مکتوب گرچه از جمله تکیه‌گاه‌هایی است که به آسانی در دسترسند لیکن مشکلاتی در پی دارند که به ماهیت خاص این اسناد باز می‌گردد. با وجود آن که کمبود منابع مکتوب در مسئله‌ای خاص را نمی‌توان با افزودن اطلاعات باستان‌شناختی جبران کرد ولی داده‌های باستان‌شناسی و زبان‌شناسی همگام با این نوشته‌ها نقش مهمی در درک این گزارشات دارد.

رفتارهای آیینی، نوعی خاص از رفتار و تعلیمات اخلاقی هستند که توسط جامعه پذیرفته شده‌اند و به گونه‌ای ارتباط افراد آن جامعه را با یکدیگر و با پدیده‌های فرامادی به دلیل قدمت زیادی برقرار می‌کنند و باعث شکل‌گیری الگوی زندگی آنها می‌گردند که دارند در بیشتر موارد با سنت و تاریخ مردمان یک منطقه پیوند خورده‌اند و جزئی از فرهنگ روزانه و انکارناپذیر مردم شده‌اند. لازم به ذکر است که بخش عمده‌ای از مطالب مورخان یونانی با یکدیگر هماهنگی دارد و اگر چه دلیلی در دست نیست تا برساند رسم‌ها و ارزش‌هایی که زودتر شرح داده شده هم چنان در دوران‌های بعد نیز رایج بودند لیکن شواهدی وجود دارند که نشانگر این است که این ارزش‌ها در واقع مجموعه‌ای از عقاید باستانی و باورهای دیرین بودند که حفظ شده‌اند و از نویسندگانی به نویسندگانی دیگر منتقل می‌شدند. نکته قابل ذکر دیگر این است که واژه آیین به معنای آداب و رسوم است لیکن غالباً به معنای رسوم مذهبی به کار گرفته می‌شود. از آن جایی که در تعیین دین هخامنشیان تردید و سردرگمی وجود دارد و چنین برمی‌آید که در دین آنها نوعی تحول رخ داده است، رسوم آنان همگام با داده‌های باستانی و با اجتناب از نسبت دادن به دین و مذهب خاصی مورد مطالعه قرار گرفته است. و تنها در مواردی که نمونه‌های مشابه مذهبی وجود دارد به ذکر آنها اکتفا شده است. از آن جایی که اجرای غالب آیین‌ها همراه با یکسری مراسم خاص انجام می‌شوند که منتسب به آداب مذهبی است عموماً جزو آیین‌های مذهبی قلمداد می‌شوند. آداب و رسوم به منظور سهولت در دسته‌های عمده‌ای مانند: مراسم مذهبی، آداب تدفین، آیین‌های منطقه‌ای، رسم هدیه دادن و ارزش‌های اخلاقی و تربیتی تقسیم‌بندی گردیده‌اند.

پیشینه تحقیق

تاکنون در میان پژوهش‌های انجام شده پیرامون مطالعه آیین و ارزش‌های هخامنشیان در متون کهن و واکاوی آنها بر اساس یافته‌های باستانی، اثری که اختصاصاً به این موضوع پرداخته باشد، یافت نشد. در پاره‌ای از آثار همچون مقاله دکتر شاهرخ رزمجو در رابطه با "آیین لن و برخی از جش‌های دیگر در الواح استحکامات تخت جمشید" آیین‌های تدفین و بازتاب اندیشه‌های دینی هخامنشیان خصوصاً در مقایسه با دین دین زرتشتی مورد مقایسه قرار گرفته است. همچنین در برخی موارد به تاثیر آیین هخامنشیان بر کتیبه‌ها پرداخته شده است (آزاد و همکاران، ۱۳۸۳)، لیکن تاکنون به طور مستقل به بررسی و تطابق برخی رسوم و ارزش‌های همگانی، رسمی و دولتی عهد هخامنشیان از دیدگاه باستان‌شناسی و تاریخی پرداخته نشده است.

مهناز صادقی پور

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان

msadeghipour67@gmail.com

چکیده:

درک و اندیشه ما از وقایع گذشته اغلب با حدس و گمان همراه بوده است. از این رو مطالعات باستان‌شناسی می‌تواند به نحوی گواه بارزی بر صحت قسمت‌های مهمی از مطالب تاریخی باشد. در این مقاله سعی شده است تا برخی گزارشات کهن مکتوب و داده‌های باستان‌شناسی و اسناد زبان‌شناسی در ارتباط با آیین و رسوم هخامنشیان مطالعه شود. مسئله این پژوهش واکاوی میزان صحت و سقم مجموعه‌ای از آیین‌ها، آداب و رسوم و ارزش‌های مختلف هخامنشیان است که در برخی منابع کهن یونانی جای گرفته‌اند. هدف، بررسی هم‌خوانی یا عدم هم‌خوانی متون تاریخی در خصوص رسوم آیینی هخامنشیان با توجه به شواهد و مدارک باستان‌شناختی است. این پژوهش که با روش تاریخی-توصیفی انجام گرفته است می‌تواند در نوع نگرش به رسوم و ارزش‌های هخامنشیان و رفع برخی ابهامات در خصوص نوشته‌های متون کهن کمک نماید. از آن جایی که آداب و رسوم، مذهب و ارزش‌های اخلاقی هر ملت مشخصه‌هایی است که ریشه در نسل‌های پیشین خود دارد، کشف صحت وجودی این آیین‌ها عظمت هویت فرهنگی را آشکارتر و ذهن مشتاقان را آگاه‌تر می‌نماید. علاوه بر آن زمینه را برای یافتن منشا پیدایش، علت تداوم و یا فراموشی آنها فراهم می‌سازد. از این رو توجه به تعدادی از آداب و ارزش‌های اخلاقی همچنین ریشه‌دار بودن این آیین‌ها در فرهنگ کهن ایران و کیفیت آداب و رسوم و مجموعه تشریفات انجام این پژوهش را ضروری و آن را از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌نماید.

کلید واژه‌ها: آیین سوگواری، رسوم هخامنشیان، مناسک لن، هوم

روش تحقیق

تحقیق حاضر بر اساس هدف از نوع تحقیقات بنیادی و بر اساس ماهیت و روش، از نوع تحقیقات تاریخی و توصیفی است. اطلاعات به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. برخی منابع کهن مکتوب یونانی مانند: تواریخ هرودت، جغرافیا ی استرابو، کوروش‌نامه گزنفون، نوشتجات افلاطون مطالعه شده است و با یافته‌های باستان‌شناسی و زبان‌شناسی (در قالب کتیبه‌ها و الواح هخامنشی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

آداب و رسوم مذهبی در زمان هخامنشیان

مراسم مذهبی مورد مطالعه قرار گرفته شامل: آداب قربانی کردن، آیین لن، مراسم هوم و برافروختن آتش مقدس در زمان هخامنشیان است.

قربانی کردن

اگر چه وقایعی که گزنفون ذکر می‌کند در برخی موارد با منابع دیگر تاریخی همخوانی ندارد اما ذکر برخی از آنها می‌تواند جالب باشد، آن جا که پس از رسیدن به اردوگاه برای استراحت پس از نبرد می‌گوید: «کوروش مغان را فراخواند و دستور داد تا برای خدایان بر اساس رسوم نذورات دهند.» و درجایی دیگر می‌گوید کوروش پیش از مرگ و پس از مراجعت از هفتمین مسافرت خویش بنا بر رسم آیین پارسیان قربانی‌های متعدد در راه خدایان ایثار نمود و به ستایش و نیایش پرداخت. و در ادامه، خوابی که کوروش را از مرگ آگاه می‌کند و او را می‌داند تا قربانی‌های فراوان فراهم سازد و به قله‌ای که نزد پارسیان مقدس بود برود

در گزارشات هرودت که یکی از نخستین منابع تاریخی مدون درباره‌ی آداب و رسوم ایرانیان می‌باشد چنین آمده است «رسومی که می‌دانم پارسیان رعایت می‌کنند به شرح ذیل هستند: آنان هیچ‌گونه تصاویری از خدایان معبد و محرابی ندارند و استفاده از آنها را انشانه‌ی حماقت انسان می‌دانند و علت به نظر من آن است که آنها هرگز مانند یونانیان خصوصیات بشری برای خدایان قائل نبوده‌اند. آنها برای نیایش و خواندن نام خدایان از بلندترین قله‌ی کوه‌ها بالا می‌روند و برای ژوپیترا (نامی که پارسیان به خدای آسمان می‌دهند) قربانی نثار می‌کنند. آنها برای خورشید، ماه، زمین، آتش، آب و بادها نیز نیایش می‌کنند. وی در ادامه می‌گوید: «پارسیان در موقع اهدا قربانی نه قربانگاه بنا می‌کنند و نه آتش روشن می‌کنند. اندودن به روغن مقدس و نواختن نی و بستن نوار به قربانی و افشاندن جو مقدس نزد آنها مرسوم نیست. وقتی یکی از اهالی پارس به یکی از خدایان قربانی اهدا می‌کند، حیوان را به مکان پاک می‌برد و سپس تاجی از گل و بخصوص گل همیشه سبز بر کلاه خود قرار می‌دهد و آن گاه نام آن خدا را بر زبان جاری می‌کند. کسی که قربانی اهدا می‌کند مجاز نیست فقط برای خود دعای خیر کند بلکه باید برای رفاه و نیک‌بختی پادشاه و برای همه‌ی پارسیان دعا کند. او پس از آن که قربانی را تکه تکه کرد و گوشت آن را پخت، بستری از نرم‌ترین گیاهان می‌گسترده و همه‌ی گوشت قربانی را بر آن می‌نهد. سپس مغی پیش می‌آید و در حالی که یک سرود مذهبی را زمزمه می‌کند، نام «سرور خدایان» را می‌برد. برگزاری مراسم بی حضور مغ مجاز نیست. قربانی‌کننده پس از اندکی انتظار، گوشت قربانی را با خود می‌برد و به

هر ترتیب که بخواهد مصرف می‌کند.

استرابو نیز در حالی که به بیانات مولفین دیگر اشاره می‌کند و از شباهت‌های رسوم پارسیان و مادها و اقوام دیگر سخن می‌گوید متذکر می‌شود: «پارس‌ها نه بت می‌سازند و نه محراب بر پا می‌کنند. بلکه بر بالای کوه‌ها نذر و قربانی می‌کنند. آسمان را چون زئوس می‌دانند. به هلیوس که آن را میترا می‌نامند و سلنا (ماه) و آفرودیت (ناهید) و آتش و زمین و بادها و آب احترام می‌گذارند. صمیمانه دعا می‌کنند و در محلی تظهير شده قربانی می‌کنند.» (استرابو، ۱۳-۳-۱۵).

وی با تشریح نحوه قربانی کردن و به آلوده نمودن آتش با پف دهان، قرار دادن قطعات گوشت قربانی بر روی مورد یا دسته گل، ریختن روغن آغشته به شیر و عسل بر روی آن همچنین در دست گرفتن دسته‌ای از ترکه‌های نازک اشاره می‌کند. (همان جا، ۱۴-۳-۱۵). وی به برپایی معابد بیشمار ایزدان ایرانی و آتشکده‌های وسیع در کاپادوکیه نیز اشاره کرده است (همان جا، ۱۵-۳-۱۵).

قرآینی در دست است که اهمیت نقش مهر (میترا) را در زمان هخامنشیان روشن می‌سازد. این قرآین عبارتند از اسامی خاصی که از ترکیب با نام مهر ساخته شده‌اند، اشاره به نام خاص «مهردست» یا «دست میترا» در دو سنگ نوشته لیدیایی گویای اهمیت آن در میان اسامی موبدان است. از همدان و شوش سنگ نوشته‌هایی از اردشیر هخامنشی بدست آمده که در آنها برای نخستین بار از آناهید نام برده شده است. همچنین پیکره‌هایی شبیه آناهید در شوش یافت گردیده است (بنونیست، ۱۳۷۷: ۴۰). کشفیات فوق‌الذکر گواه بارزی است بر صحت آن بخش از مطالب استرابو که پارسیان را معتقد به خدای میترا می‌داند.

چنان چه شرایط و محل جغرافیایی را که استرابو به بررسی و تحقیق پرداخته است در نظر بگیریم، پس از فروپاشی امپراتوری اسکندر و تاسیس شاهنشاهی اشکانی در نزدیکی مرزهای ایران، کاپادوکیه، ارمنستان، پونتوس و کمازن سلسله‌های پراکنده‌ای روی کار آمدند. سالاران این نواحی بر خود می‌بالیدند که آنان را ساتراپ و از نژاد هخامنشیان بخوانند و رسم و آیین شاهان هخامنشی را تقلید می‌کردند. اهورامزدا و مهر و آناهید را گرامی می‌داشتند. نمونه کامل این گونه تلقی سنگ نبشته‌ی آنتیوخوس اول شاه کمازن با ایزدانی با دو نام است که تقریباً در زمان استرابو شاهی می‌کرد (همان جا: ۳۷). تداوم این عقیده پس از مدتی نه چندان دور از زمان اردشیر دوم منطقی‌تر دربردارنده آیین‌های خاصی با ذکر نام خدایانی همچون زئوس- اهورامزدا، مهر- آپولو و بهرام- هرقل می‌باشد. خدایانی که استرابو آنها را مورد احترام پارسیان می‌داند.

با وجود آن که بازمانده‌هایی از آتشدان‌هایی در زمان هخامنشیان یافت شده است لیکن تاکنون مدارکی دال بر وجود معبد در زمان هخامنشیان یافت نشده لذا به نظر می‌رسد گفتارهای تاریخی در این مورد صحت داشته باشند. نذورات بر بلندی کوه‌ها و برای خدایان با برخی از متون باروی تخت جمشید مورد تأیید قرار می‌گیرد. این متون که اسنادی اداری هستند و نه ادبی و مذهبی، مدارکی در مورد سهمیه‌های تعیین شده جهت قربانی برای ایزدان همراه با نام روحانیون مامور دریافت آنها را ارائه می‌کنند. نام ایزدان مختلفی در متون باروی تخت جمشید آورده شده که برای آنها غلات (جو)، شراب، میوه، گوسفند، بز فدیه داده شده است. اسامی این خدایان شامل

نپیرش (در ۱۰ متن) / اهورامزدا (در ۹ متن) که نام او اساساً در سه گونه محتوایی می‌آید: در قربانی‌های انفرادی کوچک‌تر، در ولیمه‌ها و جشن‌های بزرگ قربانی معروف به «باکادائوشیام» که در این متن‌ها به مصرف شدن نذر توسط کارگران تصریح می‌شود- میشدوشیش (در ۶ متن)- مَریزش (در ۴ متن)- تورما، پیرداکامها (هر کدام در ۳ متن)- ایرداناپیرورتیش، نَریشانکا (هر کدام در ۲ متن)- شیموت، نَب، زَب، مینام، شتراباتیش (هر کدام تنها یک بار در متون) می‌باشد. اگرچه در منابع کهن غالباً به قربانی کردن حیوانات اشاره می‌شود لیکن بر طبق الواح تخت جمشید و اجرای مراسم نذر و قربانی به هر خدا یک یا دو فدیه و یا مجموع آنها تعلق می‌گیرد. این در حالی است که در متون الواح استحکامات به نام کوه‌هایی نیز اشاره شده که محل چنین فعالیت‌هایی بوده‌اند.

این کوه‌ها شامل: شکَی (در ۴ متن)؛ باتیناشا (در ۳ متن)؛ هاریارامنا (در ۲ متن)؛ اکشنا، ایرکاما، کمزیا، شیروماندا، هَری مریشتورا، ایزبران، اَشَب پیراسانا (هر کدام در یک متن) می‌باشد. اسامی رودهایی نیز که به عنوان محلی برای اهدای نذورات بوده شامل

هوبوتیش (در ۳ متن) - مریش، راناکازا، شائوشانوش (هر کدام در ۲ متن) و ایان هریشدا (در یک متن) می‌باشند. با توجه به اسناد منتشر شده نیز مراسم نذر و قربانی همان گونه که در منابع کهن تاریخی ذکر شده در مکان‌های مشخصی برگزار می‌شده است.

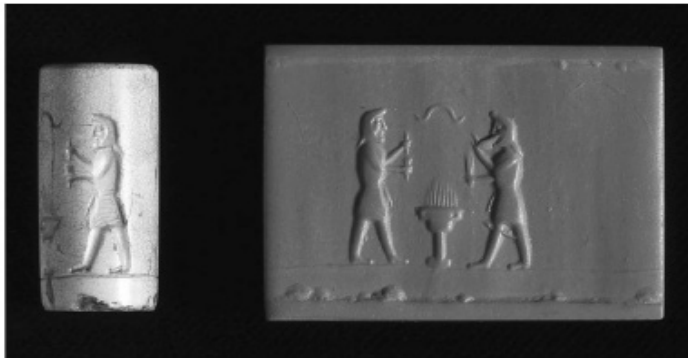
با آن که علت پیدایش برسم روشن نیست و گمان می‌رود که برسم از پدیده‌های جامعه‌ی روستایی و ناشی از نیاز به شاخ و برگ تازه و مربوط به زمان‌های پیش از زرتشت باشد لیکن دسته شاخه‌هایی که مغان در هنگام مراسم به دست می‌گیرند در بسیاری از موارد با برسم اوستایی یکسان گرفته شده و حتی در کتاب‌های متاخر زرتشتی، برای ساختن برسم، شاخه‌ی درخت انار توصیه شده است. در وندیداد برسم به درازای خیش شخم زنی و به ستبری حبه‌ی گندم است و نیایشگر در حالی که برسم را بر دست چپ دارد در طول نیایش چشم از آن بر نمی‌گیرد. به آیین برسم به دست گرفتن پیش از خوراک در شاهنامه نیز اشاره شده است. خسرو پرویز در مهمانی نیاطوس و یزدگرد سوم در آسیایی در مرو پیش از خوردن خوراک برسم به دست می‌گیرد (رجبی، ۱۳۸۰: ۲۷۷-۲۷۵).

در حالی که نوع گیاه مورد استفاده روشن نیست این شاخه‌ها در مراسم قربانی بابلی نیز یافت می‌شوند و امکان دارد که این رسم از مردمان همسایه به عاریت گرفته شده باشد. چنان چه در سنگ‌نگاره‌های بابلی به صورت دسته‌ای از ساقه‌ی گیاهان در دست اغلب خدایان، به عنوان نمادی از رویش قابل شناسایی‌اند (بنونیست، ۱۳۷۷: ۳۶) تصاویر این وسیله که یکی از ابزارهای آیینی مهم است و به شکل شاخه‌های باریک و بی‌گره درخت است که موبدان به هنگام برگزاری آیین دینی و نیایش به دست می‌گیرند در نقوش در پلاک‌های طلائی، برجسته گورهای صخره‌ای قیزقاپان و دکان داوود دیده می‌شود گنجینه جیحون که به نظر می‌رسد نذوراتی بوده‌اند که در دوران هخامنشی به معبدی در محوطه «تخت سنگین» اهدا می‌شده، روحانیون برسم به دست دیده می‌شوند (ملازاده، ۱۳۹۳: ۳۳۸، ۳۷۵، ۴۰۰) (تصویر ۱).

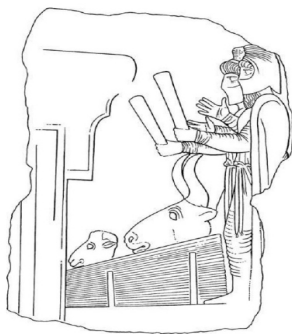
نمونه‌ای از رسم قربانی حیوانات در نقش برجسته متعلق به قرن پنجم ق.م در داسکیلیون مشاهده می‌شود. تصویر این سنگ‌نگاره‌ی متعلق به ساتراپی هخامنشی در آناتولی می‌تواند تاییدی بر رسم قربانی باشد. دو مغ در حالی که دهان خود را پوشانده‌اند و در دستانشان که به علامت نیایش بالا برده شده، برسم دارند بر روی گونه‌ای مجمر ساخته شده از شاخه‌های درخت، سرهای گاو و گوسفند قربانی شده را قرار داده‌اند (تصویر ۲).

مناسک لن

متون مرتبط با آیین‌های مذهبی بصورت مواجب و در الواح استحکامات تخت جمشید مقرر می‌شود که پیش به کسی که منصب یا مقام مذهبی دارد، برای اجرای مراسم پرداخت می‌شود. بر اساس این متون واژه لن به عنوان نذر قربانی در شکل‌های گوناگون در ۸۱ متن یا حدود یک سوم متن‌های مربوط به اختصاص کالا برای مراسم و آیین‌های مذهبی مورد تایید قرار گرفته است. به نظر می‌رسد برای هیچ نذر قربانی یا هیچ ایزد دیگری که نامش ذکر شده تا این اندازه آذوقه و جنس به طور منظم اختصاص داده نشده است و بر همین اساس برخی «لن» را ایزدی خاص یا منتسب به گروهی از ایزدان می‌پندارند. «لن» هخامنشی با ریشه در پیشینه سنن ایلامی به نوعی نذر و فدیة دلالت می‌کند که هر گونه روحانی اعم از «شاتین» ایلامی یا مکوش (مغ) می‌توانست آن را برگزار کند و ظاهراً هیچ ربط و پیوندی با یک خدای خاص نداشته است. به نظر می‌رسد از جنبه‌های مختلف به لحاظ معنایی و کارکرد جغرافیایی و مکان‌هایی که فدیةها با این واژه همراه است، حجم و میزان فدیةها و همراهی آن با نام‌های اشخاص روحانی و کارکنان مذهبی هم دارای هیچ گونه وابستگی فرهنگی یا قومی خاص نبوده است. برگزاری مراسم لن در نزدیکی تخت جمشید و هم در شهرک‌های قدیمی ایلامی مانند: گیسِت، هیدالی و هوهنور صورت می‌گرفته است.



تصویر ۱. مهر و اثر مهر هخامنشی مغ برسم بدست، گنجینه جیحون موزه بریتانیا، شماره ۸۹۵۲۸



تصویر ۲. طرح نقش برجسته داسکیلیون، موزه استانبول

شواهد باستان‌شناختی یافت شده نشان می‌دهد در برخی ساتراپی‌های هخامنشی رسم تهیه و نوشیدن این نوشیدنی متداول بوده است. در لایه معماری ب ۲ الوز هویوک بقایای معماری یک کاخ هخامنشی شناسایی شده است که گمان می‌رود برای تهیه هوم بکار رفته است (تصویر ۳).

با این که یکی از پرکاربردترین مراسم دینی زرتشتی تهیه‌ی شیره یا شربت هوم می‌باشد و به موجب وادها از تقدس و اهمیت فراوانی برخوردار بوده است (رضی‌الف)، ۱۳۷۶: ۱۶۳۷) لیکن از آن جایی که گیاه اصلی آن شناخته شده نیست از مسکر یا مخدر بودن آن اطلاعی در دست نمی‌باشد و با وجود اشاره کوتاه استرابو که می‌گوید: «مهمترین مطالب و مسائل را آن گاه مطرح می‌کنند که شراب نوشیده باشند. تصمیماتی را که در هنگام مستی می‌گیرند معقول‌تر و استوارتر از تصمیماتی که در حال طبیعی می‌گیرند می‌دانند.» (استرابو ۱۵۵-۳-۲۱)، نمی‌توان انتظار داشت که برگزاری چنین مراسم آیینی به منظور گونه‌ای تصمیم‌گیری برای مسائل مهم و یا حتی موجب شادمانی و تندرستی باشد.

آتش مقدس

باورها و عقایدی که هرودت شرح می‌دهد متعلق به ۴۴۵ ق و منطبق با پنجاه سال پس از مرگ داریوش است. گزارش وی یکی از کهن‌ترین اشارات مکتوب به نقش آتش در ایران باستان است. او می‌گوید: ایرانیان به آتش به چشم یک ایزد می‌نگرند و هرگز آن را آلوده نمی‌کنند. گزنفون نیز که در لشکرکشی کوروش جوان بر علیه ارشیر دوم در رکاب وی بوده و در بازگشت رهبری لشکر ده هزار نفری را به یونان به عهده داشته در کتاب کوروش‌نامه به ذکر برخی مراسم و آیین‌ها پرداخته است. با وجود آن که این کتاب بیشتر بافت تربیتی دارد تا تاریخی و حتی کم‌اند محققانی که آن را گزارش معتبری از زندگی کوروش بدانند لیکن از آن جایی که نویسنده به قلمرو فرهنگی پارس‌ها سفر کرده و از نزدیک شاهد آیین‌های آنان بوده احتمالاً با فرهنگ آنها آشنایی داشته است. وی از نقش و اعتبار آتش در تشریفات حرکت کوروش از اردوگاه و قرار گرفتن حاملان مجمرهای آتش پیش از شاه سخن می‌گوید. مطابق روایت استرابو در سرزمین کاپادوکیه مغان بیشمار بودند. آنان را آتش افروزان (پیریتی) می‌نامیدند. «در آن جا همچنین آتشکده‌ها وجود دارد، بناهای غریبی، که در میانشان آدریانی قرار دارد که از خاکستر انباشته است و در آن جا مغان پاسدار آتشی هستند که هرگز خاموش نمی‌شود. مغان روزها به آتشکده آمده در برابر آتش، نزدیک به یک ساعت، به زمزمه می‌پردازند در حالیکه دسته‌ای از شاخه‌ها را به دست گرفته و روپوشی نم‌دین پوشیده‌اند که هر دو گونه و لبه‌هایشان را می‌پوشاند.» (استرابو، ۱۴-۳-۱۵).

وجود نقش آتشدان به عنوان یکی از عناصر آیینی در اسناد تصویری باستانی گزارش‌های تاریخی را تایید می‌کند. آتشدان‌های سنگ‌نگاره‌های آرامگاه‌های شاهان هخامنشی در نقش‌رستم و شاه در حال نیایش، دو آتشدان صحنه بار عام داریوش در تخت‌جمشید، دو آتشدان سنگی نقش‌رستم، دو آتشدان سنگی در پاسارگاد، آتشدان‌ها یا محراب‌های دهانه غلامان (سید سجادی ۱۳۷۵: ۴۶)، آتشدان پلکانی هرسین (واندنبگ، ۱۳۹۱: ۹۷)، آتشدانی سنگی مکشوف در ناحیه کوهستانی ارجیش و دهکده بنیان در کاپادوکیه که از نظر شکل و فرم نظیر آتشدان‌های هخامنشیان است (دونمز و ایروانی قدیم، ۱۳۸۶: ۶۲) (تصویر ۴)، آتشدان‌های منقوش بر تعدادی از مهرهای هخامنشی همگی بر پرستاری آتش و اهمیت این عنصر آیینی می‌پردازند.

در خصوص مناسک «لن» مقدار و نوع سهمیه‌ها تفاوت دارد، گاه یکی و گاه تعداد بیشتر و یا تمام فدیها توزیع می‌شدند (هنکلمن، ۱۳۹۲: ۲۸۹). در متن مربوط به اجرای مراسم «لن» در پاسارگاد چنین نوشته شده است: با مهر پارناکا، ساترپزادای مغ سی

راس گوسفند گرفت تا لن را در پارتناش در پاسارگاد انجام دهد (همان جا: ۲۹۹)

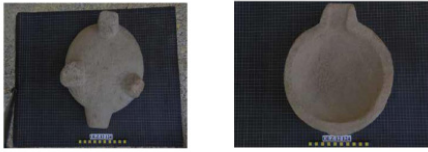
نیز به حضور مغی در نریزاش نریز دیگری از استحکامات تخت‌جمشید در خصوص الواح جهت انجام آیین لن و ارسال شراب برای وی اشاره شده است. در این الواح آمده که دوازده ظرف شیره‌ی انجیر برای مغ جهت آیین لن در نریزاش در سال ۲۴ (داریوش) تهیه شود. در این الواح به سه مقبره کمبوجیه و زنی به نام اوپاندوش و فرد دیگری به نام زبشوندوش اشاره شده است. همچنین در الواح دیگر از حضور مغی در این مکان و ارسال ۱۲۰ ظرف شراب برای اجرای مراسم مذهبی ماهانه نامبرده شده است شواهد مذکور نشان می‌دهد که مراسم «لن» یک مناسک قربانی بوده که به طور منظم در فواصل زمانی ماهانه انجام می‌گرفته و از آن جایی که در اسناد اداری زمان هخامنشیان بازتاب یافته به فرمان دربار انجام می‌گرفته است لیکن برای یک مذهب خاص رسمیتی قائل نشده‌اند (بریان و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۹۸). و با اینکه نیت واقعی برگزاری آن کاملاً مشخص نیست لیکن گمان می‌رود که با قربانی کردن برای خدایان از آنها طلب برکت و سلامتی می‌کرده‌اند و یا بزرگداشتی برای ارواح مردگان و نیاکان هخامنشیان بوده است استرابو به طور ضمنی در توصیف دیدار مجدد اسکندر از مقبره کوروش و دزدیده شدن تمامی اشیای زرین و مرصع و شکسته شدن تخت و تابوت به حضور نگهبانانی اشاره می‌کند که احتمالاً می‌شده است. دزدان جسد را به داده آنها قربانی به برای اسبی ماهانه هرروز گوسفندی و جای دیگر برده بودند و این امر دلیلی بود که یغماگری کار دزدان بوده است و نه ساتراپ محل زیرا دزدان تنها چیزهایی را به جا گذاشته بودند که حمل آن دشوار بود. دزدی در همان وقتی روی داده بود که مقبره را محافظانی، که مغ بودند و روزی یک گوسفند و ماهی یک اسب جیره داشتند، پاسداری می‌کردند. (استرابو، ۷-۳-۱۵) شرح ناگفته از مراسمی شایسته و درخور پادشاهی در گذشته که به صورت آیینی توسط مغان برگزار می‌گردیده است. این در حالی است که هرودت گفته است پارسیان بدون حضور یک مغ مراسم آیینی خود را برگزار نمی‌کنند و منابع زیانسناسی کهن فوق‌الذکر گواه این مدعا است.

مراسم هوم

در الواح باروی تخت جمشید از پرداخت شراب به عنوان نذر و فدیها برای خدایان صحبت شده است. شراب مذکور در کنار اقلام پرداختی نذری، که شامل چند ماده خوراکی خاص است، نزد هخامنشیان دارای تقدس بوده است. در کتاب مقدس هندوان ریگ ودا و در متن اوستا «هوم» ذکر شده است. همان طور که در هر دو کتاب توضیح داده شده، هوما یا «سوما» نوشیدنی است متعلق به خدایان که عصاره آن توسط ایزدی به همین نام برای دیگر خدایان ساخته شده است. طی مراسمی تکه‌های خرد شده ساقه گیاه هوما را در هاون می‌کوبند تا با آن نوشیدنی هئوما را تهیه کنند (رضی‌الف)، ۱۳۷۶: ۱۶۳۶).

پژوهشگران می‌پندارند نمونه‌های یافت شده از هاون و دسته هاون‌های کاوش‌های تخت جمشید برای تهیه هوم به کار می‌رفته است. آنها این ظروف را وقفی از سوی اشخاص صاحب جاه و مقام دانسته‌اند. روی بیشتر ۹۷ هاون و ۸۰ دسته هاون سنگی با خط آرامی مطالبی کوتاه و تقریباً یکنواخت حک شده است. مضمون نوشته‌ها کم و بیش یکسانند. ترجمه یکی از آنها بدین صورت است: «در مدیریت؟ دژکه تحت فرمان «میترایت»، «سگن» و «وهوفرنه» می‌باشد این دسته هاون و یک هاون سنگی بزرگ ساخته شد. به فرمان دانا- میترا، خزانه دار تحویلی سال ۱۳.» (بویس، ۱۳۷۴: ۲۳۳).

با توجه به تاریخ‌گذاری‌های پیشنهاد شده برای گوردخمه‌های قیزقاپان و سکاوند مربوط به اواخر ماد، اوایل هخامنشی، هخامنشی و حتی پس از آن (ملازاده، ۱۳۹۳: ۳۵۷-۳۸۶) می‌توان شاهد استمرار نقش آیینی آتش در زمان هخامنشیان بود. پوشش مغان اعم از ردا و پنام آنها در این نقوش قابل تأمل می‌باشد. کسانی که جلو آتشدان ایستاده‌اند، برای جلوگیری از برخورد نفسشان با آتش، با پنام جلو دهان خود را پوشانیده‌اند تا آتش را به نفس‌های خود نیالاییند.



تصویر ۳: هاون، الوز هویوک، لایه هخامنشی، آناتولی

امروزه نیز پنام به شکل دو قطعه پارچه‌ی سفید چهارگوش دیده می‌شود که موبدان زرتشتی در مراسم نیایش آتش بر روی بینی و دهان خود می‌آویزند تا دم و نفس آنان آتش مقدس را آلوده نسازد. گمان می‌رود پنام نه تنها به منظور آلوده نساختن آتش مقدس بلکه نیاززدن پادشاه با نفس خویش بوده است چنان چه بر دیواره‌ی داخلی پلکان جنوبی کاخ تچربه شکل شالی به دور سر و گردن حاملان ظروف و حیوانات دیده می‌شود. داریوش در سنگ نوشته‌ی بیستون نیز اشاره به بازسازی پرستشگاه‌هایی می‌کند که ظاهراً گنومات مغ ویران کرده بوده‌است. در این گزارش اشاره‌ای به آتش نشده است. اما با تکیه بر دستاوردهای باستان‌شناسی، به احتمال زیاد منظور از بازسازی پرستشگاه‌ها، بازسازی آتشکده‌ها بوده است. در میان نگاره‌های تخت جمشید، آن‌جا که آتشدانی جلو تخت داریوش قرار دارد، به نگاره‌ی دو پرستار آتش نیز برمی‌خوریم که ابزار روشن نگه داشتن آتش را با خود حمل می‌کنند (رجبی، ۱۳۸۰: ۲۰۹-۲۱۰).

آیین سوگواری و تدفین در زمان هخامنشیان

با رجوع به مطالب هروتد به نظر می‌رسد مغان در عقیده و آداب تدفین با پارس‌ها اختلاف داشتند. وی می‌نویسد: آن چه تاکنون درباره پارس‌ها گفتیم به آن اعتماد کامل دارم، زیرا اطلاعات دقیقی در این باره به دست آورده‌ام، ولی آن چه بعد از این شرح می‌دهم مسائل محرمانه و مکتوم است که چندان به آن اطمینان ندارم. صحبت من درباره مردگان است. معروف است که جسد مردگان باید قبل از دفن کردن بوسیله‌ی سگی یا پرنده‌ای شکاری قطعه قطعه شود تا در مورد مغان من اطمینان دارم که آنها با مردگان خود چنین می‌کنند، زیرا آنها این عمل را در منظر عام انجام می‌دهند. در هر حال پارس‌ها جسد مردگان خود را قبل از مدفون کردن در خاک با موم اندود می‌کنند. استرابو نیز مراسم تدفین پارسیان را به همین گونه بیان می‌دارد: نعش مردگان را پیش از دفن با موم آغشته می‌کنند. اما مغ‌ها را به خاک نمی‌سپارند و می‌گذارند تا مرغان گوشت آنان را بخورند (استرابو، ۲۰-۳-۱۵).

انواع تدفین در خارج از ایران مرکزی وجود داشته که گویای آدابی غیر از قرار دادن مردگان در معرض جانوران لاشخور می‌باشد. ساختار باشکوه و گورنهاده‌های غنی حاجی نبی تپه حاکی از دو تدفین مجزا متعلق به افرادی با موقعیت اجتماعی بالا از دوران هخامنشی است. کاوش‌های صورت گرفته در گورستان دوه هویوک تدفین‌های ساده متعلق به افراد معمولی و تدفین‌های باشکوه‌تر با محفظه‌های دردار سنگی را آشکار نموده که شامل مجموعه‌ای از سلاح‌های شاخص هخامنشی، زیورآلات به سبک هخامنشیان، آینه‌های برنزی و عطردان بوده است.

صحنه سوگواری بر لوحه سنگی از خرابه‌های شهر ممفیس مصر جسد یکی از بزرگان هخامنشی را با لباس و تزیینات در روی تخت نشان می‌دهد. در این صحنه فرد متوفی با ریش بلند و پوشش آستین‌دار (به جای آن که بدن مومیایی شود) بر یک تخت قرار گرفته و عزاداران پیرامون جنازه در حال سوگواری و کشیدن موی خود هستند. ریش و لباس فرد متوفی و گنجاندن اسب در صحنه به نحوی فرهنگ پارسی را نشان می‌دهد (تصویر ۵).



تصویر ۴: طرح آتشدان کاپادوکیه



تصویر ۵: لوح سنگی سوگواری از ممفیس، برلین

آیین‌های منطقه‌ای

جشن سکایی

استرابو می‌گوید: پارس‌ها در یک شبیخون اسکیت‌ها را که به زلا (زیله امروزی- در حوالی توکات در ترکیه) حمله کرده بودند، شکست دادند و در آن جا به یادبود این پیروزی برای خدای آناهیتا معبدی برپا نمودند. مردم زلا هر ساله جشنی به نام سکایی برگزار می‌کردند (استرابو، ۴-۸-۱۱).

چنین معبد و محرابی در آماسیا حداقل تا زمان رومیان وجود داشته. محرابی با آتش دائمی که در میان چهار ستون معبدی قرار دارد و تصویر آن بر پشت سکه‌های تراژن، سپتیموس سوروس، کاراکالا و جولیا دمنّا حک شده است. همچنین بر روی سکه برنزی رومی ضرب سال ۲۲۴ م نیز قلعه‌ای با دیوارهای بلند و معبد چهارستونی و سنتوری‌داری نقر شده است، در سمت چپ معبد بر روی پایه ستونی محراب مدوری دیده می‌شود که آتش فراوانی در آن برافروخته است (تصویر ۷).



تصویر ۷: سکه رومی برنزی از آتشدان زلا، آماسیا

اگرچه امروزه بقایای باستان‌شناسی این معبد دیده نمی‌شود لیکن بررسی‌های ژئوفیزیک و کاوش‌های باستان‌شناسی در الوزهویوک اطلاعات مهمی درباره مراسم آتش و آتشکده بدون معماری در اختیار قرار می‌دهد که احتمالاً می‌توانسته در ارتباط با محوطه‌های آیینی حوضه دریای سیاه باشد.

رسم هدیه دادن و اهدای آب و خاک

استرابو به نقل قول از پولی کرتیوس یکی از انواع رسم‌های پارس‌ها را چنین بیان داشته که خزانه‌های ارگ شوش، محلی برای انبار کردن اشیایی می‌باشد که شاه از این سو و آن سو گردآوری نموده است. نمونه‌هایی از آن چه در هر محل تولید می‌شود و شامل رنگ، دارو، پشم و کرک، طلا و نقره و حیواناتی چون گاو و گوسفند می‌باشد (استرابو، ۲۱-۳-۱۵). آثاری که برای آیندگان در پلکان شرقی آپادانای تخت جمشید نهاده شده، همگان را به این رسم دعوت می‌نماید. صف‌های نمایندگان کشورهای تابعه با ارمغان‌هایشان دیده می‌شوند. مجموعه‌ای از ۲۳ گروه مختلف که با توجه به ترکیب و نوع هدایا حاکی از ثبت دقیق واقعه یا مراسمی هستند و استرابو به بخشی از آنها اشاره کرده است. اگرچه گاه این تصاویر مبتنی بر تقدیم هدایا قلمداد نشده و معرف پرداخت خراج است، کاملاً مشخص است که اتباع پادشاهان هخامنشی این آزادی را نداشته‌اند که از دادن خراج یا هدیه سر باز زنند. پس گمان می‌رود آن چه با ذهنیت پادشاهان هخامنشی مانوس بوده عدم تفکیک بین این دو واژه می‌باشد.

نقاشی‌های مکشوف در تومولوس تاتارلی در آناتولی مرکزی دربرگیرنده‌ی مضامینی شامل صحنه‌های از وقایع جنگ و سوگواری بر روی پوشش چوبی آرامگاه است. در صحنه سوگواری این مقبره کاروانی در مراسم تشییع شخصیت مهمی به تصویر کشیده شده است. ۱۹ انسان، ۱۶ اسب و دو ارابه قابل شناسایی هستند. کفش‌های استفاده شده در این نقوش از نوع کفش‌های معمولی و رایج ایرانیان و پوشش کلاه دنداندار با تاج استوانه‌ای ایرانیان مطابقت دارد (تصویر ۸).

صحنه‌های مشابه حرکت کاروان سوگواری در تعدادی از آثار تدفینی دوره هخامنشی از سایر مناطق آناتولی نیز به دست آمده است. در نقاشی دیواری کارابورون ۲ در شمال لیکیه کاروانی با چهار سوار به صورت یک رده قرار گرفته‌اند. سوارکاران شلوار مادی پوشیده و کلاه بر سر دارند. به نظر می‌رسد شخص متوفی، شخصیتی جنگاور یا یکی از اشراف بوده که در جنگی که تصاویر آن در نقوش این تومولوس دیده می‌شود، کشته شده و طی مراسمی باشکوه تشییع شده است. تاریخ‌گذاری تکه‌های چوب به زمان داریوش اول باز می‌گردد. گمان می‌رود تومولوس‌های فوق‌الذکر محل دفن اشراف‌زادگان یا ساتراپ‌های پارسی باشد.

با وجودی که برخی محققان معتقدند سازه‌های مکعب شکل زندان سلیمان در پاسارگاد، کعبه زرتشت در نقش رستم (گیرشمن ۱۳۶۸: ۱۸۱-۱۷۱)، و بنای تخریب شده معروف به آیدانا در شوش نمونه‌هایی از معابد و یا آتشکده‌های هخامنشیان محسوب می‌شوند، احتمال دارد این سازه‌ها مکان‌های ویژه‌ای برای به امانت گذاشتن مردگانی از طبقه اشراف (پادشاهان) قبل از قرار گرفتن در دخمه بوده‌اند. چنان چه ادامه برخی از آداب و سنن را هم‌تراز ریشه‌های آن تلقی کنیم در ون‌دیداد فرگرد ۴۱-۴۲ در مراسم پس از مرگ آمده است که بازماندگان مرده اگر بتوانند باید کلبه‌ای را که کسی در آن مرده است به جایی دیگر انتقال دهند (تا از دیو لاشه و روح مرده در امان باشند) اگر در زمستان باشد مرده را به کتّه منتقل کنند، برای مدت دو یا سه شبانه روز، تا یکماه- پس به دخمه ببرند رضی (ب)، ۱۳۷۶: ۵۵۷). در این صورت و پذیرش مکانی برای به امانت گذاشتن مردگان به مدت معین، فرضیه وجود معبد و متعاقباً قربانگاهی در کنار آن منتفی می‌گردد. علاوه بر آن به غیر از کوروش مقابر تمامی پادشاهان سلسله هخامنشی در پرتگاه نقش رستم و یا بلندی‌های کوه رحمت در تخت‌جمشید کنده شده است. برگزاری چنین تشریفات و سازه‌هایی منطقاً بیانگر سلسله آدابی برای تدفین مردگان می‌باشد. ولی از آن جایی که تاکنون موردی از تدفین مومیایی در دوران هخامنشی یافت نشده است و مدرکی دال بر قرار دادن مغان در معرض جانوران لاشخور وجود ندارد نمی‌توان به تفاوت این دو آیین پی برد.



تصویر ۸: طرح بازسازی شده صحنه سوگواری و تدفین نقاشی دیواره شرقی تومولوس تاتارلی، سده ۵ ق.م

ارزش‌های اخلاقی و تربیتی در زمان هخامنشیان

آن چنان که هرودت می‌نویسد: ایرانیان به فرزندان خود از ۵ تا ۲۰ سالگی سه هنر اسب‌سواری، تیراندازی و راست‌گویی را می‌آموزند. استرابو نیز یادگیری فنونی مانند تیراندازی، انداختن زوبین و اسب‌سواری و خصیصه راست‌گویی را در بازه زمانی ۵ تا ۲۴ سالگی می‌داند (استرابو، ۱۸-۳-۱۵).

هرودت در جای دیگر به این مطلب به طور ضمنی اشاره می‌کند که حتی بزرگ‌زادگان نیز معاف از سربازی نمی‌باشند و منطقاً ملزم به یادگیری فنون جنگی هستند. «شب‌هنگام که کوروش از رود گذشت و در خاک ماساژت‌ها به خواب رفت پسر ارشد هیستاسب را در خواب دید که دو بال بر شانه دارد، یکی از آنها بر آسیا سایه افکنده و دیگری بر اروپا. هیستاسب پسر آراسامس بود و به خاندان هخامنشی تعلق داشت. پسر ارشد او داریوش نام داشت که در آن زمان سن او در حدود بیست سال بود و چون هنوز به سن سربازی نرسیده بود او را در پارس گذارده بودند. این در حالی است که گزنفون مدعی است پارس‌ها از سن بیست و پنج سالگی در خدمت نظام وارد می‌شدند و استرابو نیز همین ادعا را دارد (استرابو، ۱۹-۳-۱۵). هرودت شرم‌آورترین ویژگی اخلاقی را در میان پارسیان دروغ می‌پندارد. «به عقیده پارس‌ها بدترین و ننگین‌ترین کارها دروغ گفتن و پس از آن قرض گرفتن است و استدلال آنها این است که شخص بدهکار مجبور به دروغ گفتن می‌شود».

افلاطون نیز که کتاب‌های متعددی در زمینه فلسفه و اخلاق نگاشته است، در گفتگوی میان سقراط و الکیاداس، از راه و رسوم و موضوعات تربیتی که شاه ایران برای فرزندان خود اعمال می‌کرده و سقراط آن را نشانه برتری ایرانیان می‌دانسته است سخن می‌گوید: «همین که فرزند شاه به هفت سالگی رسید او را به سوارکاران می‌سپارند تا راه و رسم شکار را فرا گیرد و چون چهارده ساله شد چهار تن که مربیان شاهانه خوانده می‌شوند، عهده‌دار تربیت او می‌گردند. یکی از آنان که در دانایی بر همگان برتری دارد اسرار حکمت زرتشت پسر هرمز و خدایپرستی و آیین کشورداری را به او می‌آموزد و دومی که عادل‌ترین مردمان است او را بر آن می‌دارد که در همه‌ی عمر جز راست نگوید. سومین مربی که از خویشتن‌داری بهره‌ای به کمال دارد به او می‌آموزد که تن به اسارت هوی و هوس در ندهد بلکه به آزادی و آزادی‌جویی گیرد و بیش از همه مردمان بر شهوات و آرزوهای خود تسلط یابد نه آن که به بندگی آنها گردن نهد. مربی چهارم که دلاورترین مردمان است او را دلاور و بی‌باک به بار می‌آورد و به او می‌فهماند که اگر ترس در دل خود راه دهد برده خواهد بود نه آزاد» (افلاطون، ۱۳۶۷: ۶۵۸).

تاکیدهای مکرر داریوش در کتیبه‌های بیستون، نقش‌رستم و خشایارشا در کتیبه‌ی تخت جمشید بر مهارت‌های سوارکاری، کمانداری، نیزه‌داری (لوکوک، ۱۳۸۱: ۳۱۴ و ۲۶۷)، ومدمت دروغ‌گویی، لزوم ارزش‌ها و توانمندی‌های مرد پارسی و خویشتن‌داری در برابر هوی و هوس و غلبه بر ترس را تأیید می‌نماید. داریوش شاه می‌گوید: «این است کشورهایی که نافرمان شدند، دروغ آنها را نافرمان کرد که اینها به مردم دروغ گفتند. پس از آن اهورامزدا آنها را به دست من داد. هر طور میل من بود همان طور با آنها کردم.» داریوش شاه نه تنها صراحتاً مدعیان سلطنت و شورشیان را دروغ‌زن می‌خواند و گناه آنها را نابخشودنی می‌داند (همان جا: ۲۴۸-۲۴۳) بلکه دیگران را به راست‌گویی تشویق می‌کند و از آنها می‌خواهد که برای دروغ‌گوینان مجازات تعیین کنند. وی می‌گوید: «تویی که بعدها شاه خواهی شد، مردی که دروغ‌گو است یا کسی که خشن است، با آنها دوستی نکن، آنها را تنبیه کن.» (همان جا: ۲۵۰-۲۵۱) و یا آن گاه که در متن میانه‌ی مقبره‌اش آخرین سخنان خود را بیان می‌کند: «این خواست من است، من دوست مرد دروغ‌گو نیستم» (همان جا: ۲۶۵)

در تواریخ هرودت نیز اشاره‌ای هست که در دربار ایران هر ساله مراسمی برگزار می‌شده که طی آن مهمانی بزرگی نیز وجود داشته است. هرودت در همان جا متذکر می‌شود که این مهمانی به مناسبت روز تولد شاه بوده که ایرانیان به آن «توکتا» می‌گفته‌اند. اما چه این جشن واقعاً انجام می‌شده یا به صورت دیگری بوده، در تخت‌جمشید (یا نه لزوماً در خود تخت‌جمشید) مراسمی برگزار می‌شده که در آن آوردن باج یا هدیه بخشی از آن بوده است.

تا جایی که به مدارک یونانی مربوط می‌شود خاک و آب نقش ایجادکننده رابطه فرمانروا و فرمانبردار داشتند. این روش به شاه اجازه می‌داد از این گونه دولت‌ها انتظار وفاداری و حمایت نظامی داشته باشد و در غیر این صورت توجیهی برای مداخله‌ی نظامی بود. به عبارتی دولت‌هایی که آب و خاک داده بودند جز اتباع هخامنشیان می‌شدند (سانسیسی وردنبوخ و کورت، ۱۳۸۸: ۱۵۱). آب و خاک در واقع نمایانگر ایدئولوژی خاص شاهنشاهی هخامنشی و آزمون براهین وفاداری بوده است (همان جا: ۱۵۷). هرودت شرح می‌دهد که چگونه ایرانیان به جزایی که قبلاً آب و خاک فرستاده بودند، دستور دادند رزمناوهای برای تکمیل نیروی دریایی ایران اعزام کنند.

نمونه‌های بیشتری که در آنها آب و خاک خواسته و یا فرستاده شده همگی از هرودت است. فرایند این رسم درباری که تجلی سیاسی آن مفهوم وفاداری را دربردارد در نمونه مشابه بعدی در اقدامات شاپور ساسانی و شاه ارمنستان نیز مشاهده می‌شود (سانسیسی وردنبوخ و کورت، ۱۳۸۸: ۱۵۶-۱۵۷) فرستادن خاک و آب می‌تواند بخشی از برگزاری مراسم درباری شاه بزرگ هخامنشی نیز باشد.

با وجود تردیدها در مورد متقاعدکننده بودن اندیشه مرتبط بودن تخت‌جمشید با برگزاری جشن‌های نوروز، مهرگان، تولد شاه بزرگ، مراسم قربانی، مکانی مذهبی و یا مکانی برای دریافت گزارش مقامات و افسران و خراج ملل اتباع، غالب محققان به وجود نوعی تشریفات باور دارند (سانسیسی وردنبوخ و داریوس، ۱۳۸۸: ۲۴۲-۲۶۸). توصیفات متعددی از افراد و شخصیت‌هایی با منزلت‌های گوناگون که در تسلط پارسیان می‌باشند وجود دارد. هیات‌های نمایندگی که به اشکال متنوع اعلام فرمانبرداری خود را با رسم هدیه آوردن به فرمانروای پارسی نشان می‌دهند. به نوشته هرودت: همه اقوام و ملل فرمانبردار شاه ایران هر ساله به خزانه شاه مالیات و هدیه می‌داده‌اند. استرابو نیز می‌نویسد: «ساتراپ ارمنستان هر ساله هنگام جشن میتراکانا (مهرگان) ۲۰ هزار کره اسب برای شاه می‌فرستاد (استرابو، ۹-۱۴-۱۱) و اگرچه ممکن است در اندیشه کنونی برخی از پیشکش‌ها کم ارزش جلوه کنند، با این همه گزارش‌های یونانی به هدایای تصادفی نیز اشاره دارند مانند یک کاسه آب یا یک انار توسط یک روستایی برای شاه که باعث خشنودی فراوان شاه شده است (سانسیسی وردنبوخ و داریوس، ۱۳۸۸: ۲۷۱). تقدیم این هدایا به صورت دسته‌جمعی می‌تواند معرف نمایش یک ایدئولوژی در طی مراسمی برای سراسر امپراتوری باشد. به همراه داشتن اسب باشکوهی توسط هیات نمایندگی ارمنستان (هیات شماره ۳) نمایش هدایای نمادین یا نظایر آن می‌باشد. هدایایی که به علت اهمیت فراوان ایدئولوژی پادشاهی برگردان آنها را در تصاویر تخت‌جمشید مشاهده می‌کنیم. و چه بسا آب و خاک خواسته شده توسط شخصیت‌هایی با جامه‌های متنوع همراه پیشکش‌های دیگر به عنوان محتویات ناپیدای برخی جام‌ها و سبوها و صندوقچه‌هایی که منطقاً تهی نیستند بخشی از وثیقه‌های فرمانروایی می‌گردند که غالباً خرما، گردطلا، سنگ‌های قیمتی، عطر و یا شراب پنداشته می‌شوند.

نتیجه‌گیری:

با آن که بیشتر اطلاعات تاریخی از روایات شفاهی بدست می‌آید نکته مهم آن است که دریابیم همگونی و تفکیک‌های پیچیده بر اساس الگوهای اسنادی چه میزان از زوایای این روایات را روشن می‌سازد و اعتبار و صحت آنها در چه حد است. اسناد باستان‌شناسی و زبان‌شناسی تعریفی گویاتر و مستند در اختیار می‌گذارند. در ارزیابی گزارش‌های منابع کهن یونانی در خصوص آداب و رسوم و ارزش‌های هخامنشیان، با توجه به یافته‌های باستانی و منابع زبانشناسی، نمی‌توان تمام این گفته‌ها را اشتباه دانست. این آیین‌ها با یکدیگر مغایرت ندارند. بیان آنها را نیز نمی‌توان به سهل‌اندیشی، تحریف یا به برداشت نادرست نسبت داد. به کار بردن نام خدایان یونانی را می‌توان یک قیاس برای درک بهتر، اما نه یک تحریف دانست. زیرا بنابر آن چه گفته شد، به اسامی همچون اهورامزدا، میترا و آناهیتا در زمان هخامنشیان اشاره شده است. پرستاری از عناصر طبیعی مانند آتش بر اساس شواهد و مدارک باستان‌شناسی، تاییدی بر گزارشات مورخان یونانی است. لیکن تاکنون مدرکی دال بر پرستش دیگر عناصر از قبیل آسمان، آب، باد و زمین بدست نیامده است. قربانی کردن و چگونگی و محل اجرای آن، حضور مغ در هنگام انجام مراسم و نذورات مندرج در متون تاریخی نه تنها با تصاویر برخی از نقوش برجسته بلکه با متون الواح استحکامات تخت‌جمشید در رابطه با مراسم لن و هوم تایید می‌گردد. گوردخمه‌ها و قبور یافته شده در کاوش‌های باستان‌شناسی دوره‌ی هخامنشی نشاندهنده آن است که همه‌ی ایرانیان در معرض حیوانات مردارخوار قرار نمی‌گرفتند و همان‌گونه که هرودت از بی‌اطلاعی خود نسبت به این موضوع خبر می‌دهد تناقض موجود می‌تواند ناشی از پیروی پارسیان از مذهبی خاص و تفاوت دینی مغ‌ها بر شریعتی باشد که اساس و پایه آن با مذهب پارسیان یکسان بوده است. ناپسند دانستن دروغ، تاکید بر فرزندآوری و تربیت فرزندان به گونه‌ای که در نوشته‌های مولفین یونانی قید شده است از جمله ارزش‌هایی می‌باشند که با آن چه در شواهد کتیبه‌ی آمده، تطابق دارد.

منابع:

- آزاد، میترا؛ جعفرپور، محمدرضا؛ طاووسی، محمود. ۱۳۸۳. بررسی تاثیر آیین هخامنشیان بر کتیبه‌ها و آثار مذهبی آنها، جغرافیا و برنامه‌ریزی، شماره ۱۶، صص: ۴۴-۹.
- ارفعی، عبدالمجید. ۱۳۸۷. گل نوشته‌های باروی تخت‌جمشید. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- استرابو. ۱۳۹۶. جغرافیای استرابو: سرزمین‌های زیر فرمان هخامنشیان. مترجم: همایون صنعتی‌زاده، تهران: انتشارات دکتر محمود افشار.
- افلاطون. ۱۳۶۷. دوره آثار افلاطون. مترجمین: محمد حسن لطفی و رضا کاویانی. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- بریان، پی یر، آملی کورت، مارگارت روت، هلن سانسسی وردنبوخ، یوزف ویزه هوفر. ۱۳۹۲. تاریخ هخامنشیان. جلد یازدهم. ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: انتشارات توس.
- بنونیست، امیل. ۱۳۷۷. دین ایرانی بر پایه‌ی متن‌های معتبر یونانی. ترجمه بهمن سرکارانی. تهران: نشر قطره.
- بویس، مری. ۱۳۷۴. تاریخ کیش زرتشت: اوائل کار، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: انتشارات توس.
- رجبی، پرویز. ۱۳۸۰. هزاره‌های گمشده، جلد اول: اهورامزدا، زرتشت و اوستا. تهران: توس.
- رضی، هاشم (الف). ۱۳۷۶. وندیداد، جلد سوم. تهران: فکر روز.
- رضی، هاشم (ب). ۱۳۷۶. وندیداد، جلد چهارم. تهران: فکر روز.
- دونمز، شوکت، فرشید ایروانی قدیم. ۱۳۸۶. «آیین آتش در کاپادوکیه». پیام باستان‌شناس. ترجمه بهرام آجرلو. شماره ۷. صص: ۶-۷.
- سانسیسی وردنبوخ، هلن، آملی کورت. ۱۳۸۸. تاریخ هخامنشیان. جلد سوم. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: انتشارات توس.
- سانسیسی وردنبوخ، هلن، یان ویلم درایورس. ۱۳۸۸. تاریخ هخامنشیان. جلد هفتم. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: انتشارات توس.
- سانسیسی وردنبوخ، هلن، آملی کورت، مارگارت کول روت. ۱۳۸۸. تاریخ هخامنشیان. جلد هشتم. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: انتشارات توس.
- سید سجادی، سید منصور. ۱۳۷۵. دهانه غلامان: شهری در سیستان و بلوچستان. باستان‌شناسی و تاریخ، دوره ۱۰، شماره ۲. صص: ۳۷-۵۴.
- کاپتان، دنیز. ۱۳۹۲. تاریخ هخامنشیان. جلد دوازدهم. ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: انتشارات توس.
- لوکوک، پی یر، ۱۳۸۱. کتیبه‌های هخامنشی. ترجمه نازیلا خلخالی، تهران: انتشارات فرزانه.
- ملازاده، کاظم. ۱۳۹۳. باستان‌شناسی ماد، تهران: سمت.
- واندنبورگ، لویی. ۱۳۹۱. باستان‌شناسی ایران باستان. ترجمه: عیسی بهنام. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- هنکلمن، ووتر ف.م. ۱۳۹۲. تاریخ هخامنشیان. جلد چهاردهم. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: انتشارات توس.

تصاویر بهشت: تبلیغ توریسم ابرشهر اِدو

چکیده:

به سال ۱۶۰۳م ژاپن وارد عصر اِدو شد که حدود دویست و پنجاه سال صلح را برای کشور به ارمغان آورد. طی این مدت طولانی که دولت جدید رنسانسی را در امپراتوری به وجود آورده بود امور اقتصادی، اجتماعی، هنری و اداری رشد بی سابقه ای کرد. خیلی زود اقشار مختلف جدید که در ساختار سنتی وجود نداشتند ایجاد شده و بافت اجتماعی در شهرهای بزرگ تغییرات زیادی کرد. جنگاوران به اعضای بروکراسی تبدیل شدند، تجار و بعضی کشاورزان ثروتمندترین و قدرتمندترین گشتند. بنابراین اقتصاد شکوفاتر از هر دوره پیشینی شد که با خصوصی سازی و رشد سرمایه شخصی همراه بود، اموری که نیاز به تبلیغات گسترده جهت باقی ماندن در رقابت رو به گسترش داشت. به طور همزمان هنر نقاشی دیگر در انحصار روحانیت و جنگاوران نبود که باعث شد سبک جدید اوکی یوئه که موضوعیت آن تصاویر زندگی بود ایجاد گردد. در نتیجه هنر این عصر با نیازهای آن کاملاً هم راستا بوده و هنرمندان جهت تبلیغ انواع کسب و کار به استخدام درآمدند که این امر با وجود چاپ چوبی منجر به عمومیت تبلیغات گردید، تبلیغاتی که بیش از هر کجای دیگر پایتخت نیهون، اِدو (توکیو امروز) را مد نظر قرار دادند. بنابراین باسمة های اوکی یوئه مواد فرهنگی این مقاله هستند. پرسش تحقیق آن است که چه نکات و امور فرهنگی را می توان از هنرمندان و آثار هنری ایشان آموخت. نگارنده نتیجه گیری کرده است که موقعیت جغرافیایی، شرایط آب و هوایی، پوشش گیاهی، خوراک، پوشش، مراکز آیینی، سنت ها و البته نگاه هر هنرمند به جهان عصر اِدو را می توان از باسمة ها دریافت. نتیجه گیری فوق با رویکرد تاریخی فرهنگی و با تفسیر مواد فرهنگی به کمک آثار نوشتاری عموماً تحقیقاتی به دست آمده است.

کلید واژگان: توریسم، اوکی یوئه، اِدو، ژاپن

سید بنیامین کشاورز

keshavarzseyedjavad@gmail.com



تصویر ۱. صبح نیهون باشی از اوتاگاوا هیروشیگه

عصر طلائی

از لحاظ زمانی ارتباطات ژاپن و چین در عصر کوفون شروع شد که به شکلی تصاعدی رشد نمود. برای رشد و اثبات بزرگی جامعه ژاپن آموختن از چین لازم دانسته شد. از این رو حاکمان قلمرو یاماتو به واردات مشخصه‌ها و مفاهیم این کشور، مثل باسمه و سیستم اداری پرداختند. ساخت تمدنی بزرگ و قدرتمند بدون تحول ساختار امکان پذیر نبود اما این تنها دلیل واردات فرهنگی گسترده نبود. در منطقه خاور دور چین، چه از دید داخلی و چه از دید خارجی منشأ تمدن، ثروت و قدرت جهانی شناخته می‌شد (چانگ، ۱۳۹۲: ۷۸-۷۹). بنابراین هر جامعه‌ای برای اثبات «تمدن بودن» خود نیاز به اجرای مشخصه‌های فرهنگی چین داشت (برای نمونه نگاه کنید به پورتال، ۱۳۹۱: ۶۳) اما در ژاپن استدلال بر این بود که امپراتوری‌های چین حکم بهشتی را دریافت می‌کنند و از این رو دائم فرو می‌پاشند درحالی‌که خود امپراتور ژاپن حکم بهشتی است. از این رو این کشور هرگز فرو نمی‌پاشد. به عبارتی مقام و احترام فرمانروای اعظم چین در ژاپن حفظ می‌شود ولی پس از «فرزند بهشت» قرار می‌گیرد. پس خیلی زود بنابر مؤلفه فرهنگی ژاپن، کشور دوباره به آرامی «بسته» شد و فرصتی برای شکل‌گیری نوع ژاپنی آموخته‌های چینی فراهم شد. پس هنرهای مختلف از جمله نقاشی و باسمه‌سازی اینک نقشی ملی-هنری به خود گرفته و عاملی برای نمایش شکوه اشرافیت شدند. از این رو عصری از هنر اشرافی و آیینی شکل گرفت.

پس از دوران جدال داخلی مشهور به سنگوکوجیدای و آخرین درگیری آن در اوساکا به سال ۱۶۱۵ صلح در ژاپن عصر ادو به مدت ۲۵۰ سال باقی بود. در طی این زمان طولانی رشد اقتصادی و فرهنگی امری اجتناب‌ناپذیر است. اما انتخاب ادو به عنوان پایتخت اداری، دولتی و نظامی کشور سمت و سویی ویژه بدان داد. زیرا با تثبیت قانون سانکین کوتای اربابان باید نیمی از سال را در ادو، شهرکی باتالاقی و کوچک بدون کمترین وسایل رفاهی معمول باقی می‌ماندند و نیمی دیگر از سال به ایالت خود بازگشته و البته خانواده ایشان در پایتخت باقی می‌ماند. بنابراین انگیزه زیادی برای گرد آوردن هنرمندان برای ساخت پایتختی درخور خانه اجدادی سروران به وجود آمد. به علاوه ادو به دلیل نداشتن ساختار شهری حتی نیمه پیچیده مکان مناسبی برای سرمایه‌گذاری‌های آتی تجار و چونین بود.

طبقه چونین که در واقع کشاورزان و تجار به ثروت رسیده از طریق مبادله با اروپاییان بودند و حال مقام اقتصادی بالایی داشتند، سعی نمودند با آموختن فلسفه و مشخصه‌های فرهنگی طبقه بروکرات و اشرافی بوشی که بیشتر توسط راهبان ممکن می‌شد نشان دهند باوجود آنکه در قانون اجتماعی باستانی هیچ تغییری ممکن نبود مقام فرهنگی بالاتری کسب کرده‌اند. با آموختن باسمه‌سازی و صد البته دیگر هنرها این طبقه با نظر به زیبایی و ظرافتی که ریشه در نگاه عوامانه شینتویی (به کمبل، ۱۳۸۹: ۴۵۴-۴۵۹ نگاه کنید) داشت صحنه‌های زندگی را در کالبدی جدید با چنان جزئیات باورنکردنی عرضه کرد. در واقع نفرات چونین با ابداع یک زبان هنری کاملاً نو که اوکی یوئه (تصاویر جهان‌گذران) نامیده شد قشر جدیدی از هنرمندان و متفکران را شکل دادند که در کوتاه مدت با کمک خرده سرمایه‌دارانی که ایشان نیز معمولاً از چونین بودند ادو را به شکل فرهنگی و البته اقتصادی تصرف نمودند.

چنانکه گفته شد با بهبود هرچه بیشتر زیرساخت‌های اقتصادی، تجارت بیشتر در عصر ادو نه تنها امکان پذیر که رو به رشد بود. بسیاری از کشاورزان به تولید ساکه، ابریشم و انبوه برنج پرداختند. روستاها تحت تصرف این قشر جدید کشاورزان ثروتمند قرار گرفتند که شرایط زندگی را برای دیگر زارعان دشوارتر می‌کردند. در نتیجه مهاجرت سوی شهرها افزایش می‌یافت (آندرسون، ۱۳۹۲: ۶۳۲-۶۳۳).

مقدمه

تعریف کار باستان‌شناس همیشه عملی دشوار بوده که هنوز با نقص‌های فراوانی روبرو می‌است. با این وجود می‌توان به طور کلی موضوع این حرفه را فرهنگ معرفی کرد (که تعریف خاص خود) را دارد که همگان بر آن تاحدود زیادی اتفاق نظر دارند. با این وجود فرهنگ بسیار گسترده است، زیرا شامل تمام جنبه‌های زیستی و فکری بشر می‌شود. پس کار باستان‌شناس نا محدود باشد. تمام هنرهای مربوط به جامعه حرف‌های بسیاری برای زدن دارند که در بعضی فرهنگ‌ها اهمیت و کار کرد کمتری دارند. نقاشی به عنوان یکی از کهن‌ترین و با اهمیت‌ترین هنرها در فرهنگ آسیای شرقی و خصوصاً نیهون موقعیت بالایی دارد که برای هر جنبه انسانی این امپراتوری مفاهیم و ارزش‌های خاصی داشته است. از ایجاد مشروعیت فرهنگی و تمدنی برای حاکمیت و دربار گرفته تا روشی برای انتقال آموزه‌های معنوی و توصیف احساسات شخصی. با گذر زمان فنون و کاربردهای نقاشی بیشتر متحول شد تا به عصر ادو رسید که در آن نقاشی و باسمه‌سازی به هنری بسیار محبوب و عوامانه تبدیل شد که در کوچکترین جزئیات زندگی هر فرد نفوذ پیدا کرد. سبک اوکی یوئه به زیبایی‌ها و جزئیات زندگی انسانی توجه داشته و هیچ چیز از دید هنرمندان این سبک دور نمی‌ماند (بر این اساس بررسی اوکی یوئه می‌تواند برای باستان‌شناس بسیار ایده‌آل باشد). همین توجه خاص به جزئیات یا جنبه‌هایی که شاید پیشتر کمتر به آنان نظر افکنده میشد هنرمندان این سبک جدید را به بهترین ابزار تبلیغات مختلف از جمله تبلیغات توریستی تبدیل کرد. حال این پرسش مطرح می‌شود که از چنین آثاری که بیشتر معادل پوسترها و کاتالوگ‌های تبلیغاتی امروز هستند، چه داده‌هایی را می‌توان آموخت. بدین منظور نخست به ریشه‌های کهن نقاشی و شکل‌گیری ساختار ادو در ژاپن پرداخته خواهد شد تا پس از آن بتوان اِلمان‌های مختلفی که هر باسمه‌نشان می‌دهد را بررسی کرد (غالباً آثار هیروشیگه به دلیل دقت بالایشان انتخاب شده‌اند). در نظر باید داشت موضوعیت این مقاله بدیع و جدید است از این رو دارای پیشینه پژوهشی باستان‌شناختی نیست. هرچند درباب اوکی یوئه محمد کاظم حسونوند از ژاپن شناسی مقاله‌ای با عنوان «تأثیرات اوکی یوئه بر نقاشی اروپا» منتشر کرده است.

روش بررسی:

همانطور که در مقدمه گفته شد تا امروز فقط یک تحقیق درباره اوکی یوئه در ایران انجام گرفته اما موضوعیت آن نه باستان‌شناختیست و نه در راستای شناخت ساختار ادو، امری که به منظور معرفی هرچه دقیق‌تر شناخت و دیدگاه ژاپنی با تکیه بر باسمه‌های ژاپنی در این مقاله به آن پرداخته شده است. بنابراین برای رسیدن به مقصود مقاله از رویکرد تاریخی-فرهنگی و روش توصیف و تفسیر داده‌ها بر پایه اطلاعات تاریخی استفاده شده است.

معرفی مسیر مقدس

یکی از دیدنی های شهر اِدو که عظیم ترین پدیده طبیعی نیهون محسوب میشود فوجی-یاما/کوه فوجی باشد که در اصطلاح فوجی-سان/خانم فوجی یا فوجی-ساما/بانو فوجی نامیده میشود. بهترین نمونه تبلیغ زیارت این کوه اثر گیوکوسای رانسای است کسی که بارها و بارها از فوجی ساما صعود کرده و آن را به خوبی می شناخت، شناختی که به خوبی در تصویر ۲ مشهود است چنانکه این امر را در پایین سمت راست اثر، در قاب زردی که نام خود را درج نموده به مخاطب گوشزد کرده است. نخستین نکته ای که از باسمه مورد نظر دیده می شود عدم سفیدی کوه باشد زیرا در واقعیت نیز کوه سفید نبوده و خطا در تشخیص رنگ از دور به دلیل وجود گوگرد بر این کوه آتشفشانی است. در بالا سمت راست، قاب صورتی نوشته است عظیم ترین کوه در سه فرمانروایی برتر که منظور نیهون، چین و هند باشد. در همان بالا سمت راست قابی آبی رنگ قرار دارد که در آن نقاش پدیده های کوه فوجی را به ترتیب موقعیت جغرافیایی آنان توصیف کرده است. بر روی کوه علامت های مختلفی به رنگ قرمز با عناوینی چون ایستگاه سه، ایستگاه پنج و غیره قرار داده که منازل و در نتیجه مسیر مناسب برای صعود از کوه را نشان میدهند. در همین راستا نقاش کادری صورتی در بالا سمت چپ کشیده که ادوات مورد نیاز کوه نوردی را در آن معرفی نموده است که از آن جمله کلاه حصیری، چوب دستی، واراچی یا کفش حصیری برای پا، زانو و آرنج است زیرا ورود به غارهای کوه برای زائرین اهمیت زیادی داشته-چنانکه در تصویر یکی از افراد سینه خیز پیش می شود-و اینگونه اماکن به راحتی میتوانند فرد را زخمی بکنند. در پایان نیز توضیح داده است از منزل پنج به بعد باید حمال استخدام نمود. بنابراین اثر مورد نظر یک راهنمای کامل و البته زیبا برای توریست های اِدو بوده که میتوان امروز نیز از اطلاعات آن بهره اساسی برد.



تصویر ۲. معظمین ترین کوه سه کشور.

پیشتر با افزایش زیاد تولید برنج انفجار جمعیت شروع شده بود. شرایط فوق شکل و ابعاد شهرها را کاملاً تغییر داد. اِدو به جنگلی از عمارات بدل شد. در کنار این چونین و تجار که حال ثروتی به مراتب بیش تر از سامورای ها داشتند شهرها را کنترل می کردند و با جذب هنرمندان ابنیه و اشیای گران قیمت می ساختند. در چنین شرایطی تقاضا برای اوکی یوئه افزایش پیدا کرد زیرا این هنر نه فقط به عنوان نمایش سطح فرهنگی یک خانواده بلکه به عنوان منبع درآمدی ثابت نیز دیده شد. خیلی زود سرتاسر اِدو را ناشران مانگا یا کتب مصور که همگی از چونین بودند پر کردند. نقاشی هایی که از طبیعت، خیابان های پر پیچ و خم، ساختمان های رفیع و مردم «زنده» کشیده شده بودند. البته اینکه تصور کنیم ارزش هنری با چنین وسعتی درک می شده است بسیار دور از ذهن می باشد. اگر عقیده فوق غلط باشد پس چطور می توان توضیح داد که مانگاهای سترگ- مانند یکصد تصویر از اِدو یا سی و شش تصویر از فوجی- با قیمت یک کاسه رامن و تیراز ده هزار نسخه به فروش برسند؟ اِدو به واسطه وجود کوه فوجی از دیدگاهی یک مکان مقدس محسوب می شده است. درواقع حتی در نیهون شوکی مطرح گردیده است (باسامورای ۱۳۹۸: ۱۴۱). به این دلیل همیشه از سرتاسر امپراتوری زائران به پایتخت می آمده اند. از سوی دیگر با ساخت ابنیه باشکوه، باغ های زیبا و تفریحگاه های متعدد، اِدو به شهری توریستی مبدل شد (هنوز هم چنین است). بنابراین دلیل اصلی چاپ این آثار تبلیغ اِدو برای جذب بیشتر توریست بود.

معرفی راه

یکی از بهترین نمونه های تبلیغاتی اوکی یوئه، مانگا یا کتاب مصور پنجاه و سه منزل توکایدو اثر استاد اوتاگاوا هیروشیگه هست که کلیه نقاط دیدنی و ایستگاه های امنیتی یا استراحتی را در سرتاسر مسیر بزرگراه توکایدو از اِدو تا پایتخت سلطنتی، کیوتو نمایش داده است که آن شهر امروز پایتخت فرهنگی نیهون بوده و همچون عصر اِدو از مراکز اصلی توریسم کشور محسوب می شود. نخستین تصویر این مجموعه صبح نیهون باشی نام دارد (تصویر شماره ۱). در این تصویر از مظهر مقدس گییشی بر سر پایه های پل استفاده شده است. و حضور پنج مرد که ماهی حمل می کنند نشان دهنده این است که صحنه مورد نظر نیهون باشی/پل ژاپن می باشد، که بازار مرکزی ماهی اِدو بود. بر روی پل مورد نظر نخست دو خدمتکار سپس دو علمدار و پس از آن دو ستون از سامورای ها دیده می شوند. تمام این مجموعه نشان از ورود یک ارباب بنا بر حکم سانکین کوتای دارد. اربابان معمولاً در ماه می به اِدو می آمدند که نه گرم است و نه سرد، از سوی دیگر تنها با نگاه به ماهی های تصویر می توان به راحتی تشخیص داد که افراد ماهی بونیو صید کرده اند که فصل آن در ماه می/خرداد است. با توجه به اینکه معمولاً سفرها در اوایل طلوع انجام می شدند و اینکه در ماه می شروع کار در اِدو صبح ساعت شش بود می توان گفت تصویر مورد نظر در ساعت شش و حتی شاید زودتر را نشان دهد که از آسمان تصویر که تازه رو به روشنایی میرود معلوم است. البته از این نقاشی میتوان جزئیات دیگری نیز دریافت کرد از جمله آنکه افراد حامل ماهی با خود ورققات چوب حمل میکنند، امری که نشان می دهد ماهی فروش هستند. درواقع این رسم تا حدودی امروز نیز باقیست که ماهی را ماهی فروش به دم در خانه ها برده و همانجا محصول خود را به میزان و شیوه دلخواه مشتری پاک و تقسیم میکند. درواقع به نظر می رسد نقاش سعی داشته معطلی و ناراحتی ماهی فروشان را به دلیل اشغال شدن پل توسط ارباب نمایش دهد که البته از جزئیات سیاسی-اجتماعی آثار هیروشیگه است که به کررات دیده می شوند.

معرفی نمایش

با رشد لوکس گرایی و اقتصادی توجه به سرگرمی و لذت جویی نیز رشد زیادی نمود آنچه با رشدی موازی با جنبه های اقتصادی دیگر داشته اشتباه نخواهد بود. یکی دیگر از هنرهای اشرافی که در کنار نقاشی به عموم معرفی شد نمایش نُه بود که با تحولات بسیار زیاد در کیوتو با تکیه بر رقص به کابوکی، کهن ترین تئاتر جهان بدل شد. آثاری مانند شینپان (تصویر ۴) اثر اوتاگوا یُشیمارو که احتمال زیاد موضوع اصلی آن نمایش مشهور سوکوکو قهرمان ادو است شوق مردم برای کابوکی، نماد خانوادگی هنرپیشه ها، شیوه اداره زا/نمایشخانه، طراحی داخلی و ساختار معماری زا، فنون نمایشی و سنت های موجود را بسیار گویا به بیننده معرفی میکند. بنابراین موضوعیت اثر فوق فضای زا است درحالی که آثار دیگری چنانکه امروز نیز می بینیم به هنرپیشه توجه زیادی دارند از آن جمله تصویر ایچیکاوا اِبیژ در نقش اوسوی است که توسط اوتاگوا کونیماسا نقش شده (تصویر ۵) که در آن اوتاگوا چهره شخصیت داستان، تکنیک چپ کردن چشم که برای نمایش جدیت شخصیت در کابوکی به کار میرود و نماد خانوادگی هنرپیشه را هرچند نصفه نشان داده است. با افزایش شدید محبوبیت زا های بسیاری در راسته شرقی خیابان سارو-واکاجو با شیبایچایا ها (چایخانه و رستوران های مرتبط با نمایش خانه) در سمت چپ خیابان ساخته شدند تا مردم را برای ساعت ها در روز سرگرم کنند. تمام این موارد در باسمه سارو-واکاجو (تصویر ۵)

مانگا مشهور دیگر استاد هیروشیگه یکصد تصویر از ادو هستش که می توان گفت بهترین تصویر یا جالب ترین زمان تک تک محله های ادو را در طول یک سال به نمایش می گذارد بنابراین موضوعیت بسیاری از آنان ماتسوری یا جشنواره آیینی شینتویی است که دو عدد از آنان را بررسی میکنیم. اولی پل ده هزار ساله فوکاگوا است (تصویر ۳) که این نام را در بالا سمت آن می توان خواند چنانکه معمولاً نام اثر را در آن قسمت می نویسند. باید نقاشی های نیهونی را از چپ به راست نگاه کرد و در این مورد با این کار مشخص می شود دو جنس چوبی مختلف وجود دارد، یکی زرد که آگه یا سبد سنتی است و دیگری صورتی که پل روی رودخانه باشد. اثر مورد نظر به شونبون ن هی یا ماتسوری نوروزی اشاره دارد که حیوانات دریایی را در آب های آزاد رها میکنند تا با این شفقت برکت برای سال جدید به همراه بیاید از این رو است که نام اثر پل ده هزار ساله بوده و لاکپشتی را نمایش میدهد به عبارت دیگر عمر طولانی و سلامتی را آرزو دارد. اثر دیگر پل سویدو و سوروگادای هست. نقاش جلوه ای از بام های شهر ادو را نشان می دهد که بر فراز آنان حداقل سه بادبادک/درفش به شکل ماهی کپور به چشم می خورد. این باسمه به جشن بلوغ پسران اشاره دارد زیرا گفته می شود پسر همچون ماهی کپور است و همچون او اگر از آبشار بتواند بالا برود تبدیل به اژدها خواهد شد یعنی پسران باید تلاش بسیاری برای رسیدن به قله موفقیت بکنند و با رسیدن به آن مافوق تصور خواهند شد در همین راستا در میانه شهر درفشی با تصویر سامورای قرار دارد که شکی خوانده شده و که ایزد مبارز علیه اهریمنان در چین است پس به نوع دیگری برگزار کنندگان این مراسم و البته شخص هیروشیگه آرزوی سلامتی و پیروزی را برای پسران جوان دارد.



تصویر ۳. چپ پل ده هزار سال، راست پل سویدو و سوروگادای

از مجموعه یکصد تصویر از ادو اثری از استاد اوتاگوا هیروشیگه به طور کاملاً روشنی به تصویر در آمده اند. در تصویر مورد نظر ازدحام جمعیت و رونق تجارت نه تنها برای زا دارها بلکه برای فروشندگان خوراکی خیابانی در میانه خیابان مشخص است. در تصویر تلاش میزبانان را جهت جلب مشتری می بینیم. البته جزئیات دیگری نیز چون نام زاهایی مانند ناکامورازا، ایچیمورازا و موریتازا دیده می شوند که در برابر این زاهای سبدهای آتش نشانی درست مانند امروز به شکل سه گوش قرار داده شده اند.



تصویر ۴. شینپان توکیو/ ٲر اوتاگواا ٲشیماز که در اوایل قرن نوزدهم



تصویر ۵. سمت راست ایچیکاوا و اجرای شیباراکو / سمت چپ چهره سارو-واکاجو در



تصویر ۶. عشق اوهیسا

معرفی رستوران

رستوران‌ها از مراکز معمول و محبوب طرفی هر شهر بوده‌اند که می‌توانند نقش قابل توجهی در جذب توریست‌ها داشته باشند درحالی‌که این نوع شغل‌ها معمولاً به شکل خانوادگی اداره شده و می‌توانند به شرکت‌های بزرگی مبدل گردند. یکی از نمونه‌های بسیار واضح این موضوع باسسه‌های اوهیسا دختر صاحب چندین چاپخانه در ادو باشد که مشهورترین آن در تصویر ۶ دیده می‌شود. اوهیسا با استایل استاندارد «جذاب دوران» که بیجینگا خوانده می‌شود به تصویر درآمده است درحالی‌که نوشته‌های اطراف وی مانند این مورد «گرچه عشق و چای لبریز می‌شوند ولی هیچکدام سرد نمی‌شوند» به طور واضح شعار تبلیغاتی برای جذب مشتری محسوب شده و اوهیسا نقش مدل بازرگانی را ایفا می‌کرد. باسسه بزرگ و بسیار با جزئیات ضایف در رستوران چهارفصل کنار رودخانه سومیدا اثر کوبو شومان به خوبی درون یک رستوران لوکس را نمایش می‌دهد. مانند هر اثر دیگری نام آن به خوبی معرف موضوع اثر است. بجز چهارفصل بودن رستوران موقعیت بنای مورد نظر که مشرف به رودخانه سومیدا است نیز در نکات مهم و جذاب اثر محسوب می‌شود. درواقع به نظر می‌رسد رستوران بر ساختمانی چند طبقه قرار داشته که برای شهری ساحلی که فصل تابستان نسبتاً گرم و شرجی دارد جذاب است بعلاوه از شلوغی خیابان نیز به دور باشد. تمام حضار چه میزبانان و چه مهمانان به شکل بیجینگا به تصویر درآمده‌اند که آرامش و لذت از فضا را میتوان از چهره آنان تشخیص رنگ‌هایی که انتخاب شده‌اند به خصوص تکرار دائم رنگ سبز نشان دهنده تلاش نقاش جهت سرزنده نشان دادن رستوران است.



تصویر ۷. رستوران چهار فصل

معرفی عشق؟

بجز سارو-واکچو یا مجموعه نمایشخانه‌ها، مرکز تفریحی بسیار محبوب دیگری نیز رونق داشت که از معرفه‌ها و نمادهای عصر ادو محسوب می‌شود. روسپی‌گری در هر خیابان و بعضاً حتی در خانه‌ها و قایق‌های اجاره‌ای نیز رواج داشت. اما سرعت رشد شهر و ارزش خوشگذرانی برای مردم (که اکثریت بوشی بودند) باعث شد دولت به پیشنهاد سُجی جینیمُن در سال ۱۶۱۲م باتلاق بزرگی را خشک کرده و به ساخت مرکز تفریحی یوشیوارا به اندازه ربع کل شهر ادو پرداخت (همان: ۱۴). این شهرک تفریحی به محله‌های بسیاری تقسیم می‌شد که هرکدام مؤلفه‌های مخصوص خود را داشتند. زنانی که در این منطقه کار و زندگی می‌کردند سیستم طبقاتی پیچیده‌ای را به وجود آوردند که در دنیای خارج از یوشیوارا تنها با بعضی ظواهر روشن می‌شد. هنرمندان به نسبت شهرت و ثروت خود با این طبقات آشنا می‌شدند. آن‌ها از این زنان تصاویر باسمه‌ای بسیاری به سبک بیجینگا کشیدند. به عبارتی در این مورد هنرمندان غالباً نه برای تبلیغات ناشر بلکه بخاطر علائق شخصی یا اهداف مالی خود دست به قلم می‌بردند. اینجاست که شناخت از شخصیت هنرمندان به مراتب آسان‌تر می‌شود. برای مثال تنها برای لحظه‌ای آثار ظریف استادانه هکوسای بزرگ که روابط عاشقانه در آنان بی‌روح هستند را با کارهای پرنقص ولی بسیار زنده زنجیرو باید مقایسه کرد تا به آسانی متوجه گفته فوق شد. متأسفانه نمیتوان بنابر دلایل معلومی نمونه آثار دو هنرمند فوق را به نمایش گذاشت. با این وجود آثاری چون تصویر ۸ هستند که همچون تصویر ۴ به خوبی سرزندگی و همچون تصویر ۷ زیبایی بصری را نشان می‌دهد.



تصویر ۸. درگاه یوشیوارا.

نتیجه گیری

در این تحقیق دسته ای از نقاشی های امپراتوری نیهون در عصر ادو بررسی گردیدند که نشانی از عناصر فرهنگی مردم این کشور را در خود جای داده بودند. دیدیم چطور طبقه ای جدید سبکی جدید معرف بافت و اقتضاهای فرهنگی خود پدید آورد و از آن به عنوان عاملی در امور اقتصادی، آیینی، اخلاقی-اجتماعی و حتی تا حدودی سیاسی استفاده کرد. به عبارت دیگر حاکمان قلمرو اوکی یوئه و جانشینان ایشان دیدگاه های خود را به تمام اقشار جامعه معرفی کرده و با تکرار آن به عنوان یک رسانه عمل می کردند. بنابراین برای تبلیغات شرکت های نوظهور متعدد استفاده از ایشان یک الزام بود در نتیجه به مرور فرهنگی تبلیغاتی در نیهون شکل گرفت که در دنیای امروز هرچه شدیدتر دنبال میشود چنانکه شاید هیچ کشوری در عالم به میزان نیهون تبلیغات در آن انجام نمی گیرد. اما این تبلیغات از آنجا که آثار هنری با موضوعیت زندگی بودند بر خلاف تبلیغات امروز مملو از داده های فرهنگی و جغرافیایی هستند که به کمک آنان نه تنها ساختار و علایق مردم چون کیمونوی چهارخانه برای پوشش مردان یا دهان کوچک برای چهره زنان را می توان در عصر ادو متوجه شد بلکه موقعیت جغرافیایی و وسعت هر بخش شهر را نیز میتوان با این آثار تشخیص داد به عبارت دیگر یک بازسازی نسبتا کامل از ادو به سهول قابل انجام است. جدای از موارد فوق این آثار علایق، تفکر و صلابت دانش هنرمندان را نیز نشان میدهند چنانکه هیروشیگه از رنگ و سبک اروپایی بهره برده و نظرگاه منفی نسبت به اربابان داشته است.

منابع

- آندرسون، پری. (۱۳۹۲). تبار های دولت استبدادی. حسن مرتضوی. تهران. ثالث.
پورتال، جین. (۱۳۹۱). هنر و باستان شناسی کره. داود طبایی. تهران. پژوهشکده هنر.
چانگ، چی جی. (۱۳۹۲). فرهنگ سنتی چین. علی محمد سابقی. تهران. موسسه فرهنگی، هنری و بین المللی الهدی.
کشاوری، سید بنیامین. (۱۳۹۸). «ارتباط تجاری ایران عصر قاجار و ژاپن عصر میجی و تایشو». کارشناسی ارشد. محمد اسماعیل اسمعیلی جلودار. تهران. علوم انسانی.
کشاوری، سید بنیامین. (۱۳۹۹). انمیودو: آیین و اساطیر ژاپن با نگاه باستان شناختی. تهران. چشم ساعی.
کمبل، جوزف. (۱۳۸۹). اساطیر شرقی. علی اصغر بهرامی. تهران. جوانه رشد.

- De Becker, J.E. (2014). the sexual life of Japan, being an exhaustive study of the nightless city or the history of Yoshiwara yukawaku. New York. American anthropological society.
Delay, Nelly. (2012). Japan the fleeting spirit. new horizons. London. Thames and Hudson.
Reeve, John. (2005). Japanese art in detail. London. British museum.
Trunbull, Stephen R. (2012). Samurai the Japanese warrior's manual, unofficial. London. Thames and Hudson.
Yasumaro no O. (2013). Nihongi. William George Aston. New York. indepent.
Jansen, Marius B. (2002). the making of modern Japan. London. Harvard university.

منابع افسیدین در قفقاز

مهدی خاکی

shabdiiz1998@gmail.com

چکیده:

افسیدین یکی از فراوان ترین مصنوعات است که در محوطه های باستانی خاورمیانه، خاور نزدیک، قفقاز و آناتولی یافت می شود. اقوام پیش از تاریخ خاور نزدیک و خاورمیانه از دریای اژه در غرب تا دریای خزر در شرق و نیز از منطقه قفقاز در شمال تا خلیج فارس در جنوب استفاده های متعددی از افسیدین داشته اند که بازه زمانی طولانی پارینه سنگی تا عصر مفرغ و تا قبل از اختراع فلز را در بر می گیرد. افسیدین با توجه به ساختار شیمیایی آن، قابل منشأیابی بوده و از طریق آن می توان تجارت های دوربرد و چگونگی مبادلات اقوام پیش از تاریخ را در بخش های مختلف خاورمیانه و خاور نزدیک بازسازی نمود و این ویژگی خاص این امکان را به پژوهشگران داده است که ارتباطات و فعالیت های تجاری مختلفی موجود در طبیعت است که اغلب در طیف رنگ های تیره دیده می شود (عابدی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲). هدف از این تحقیق شناخت که در این مناطق اتفاق افتاده را از طریق روش های آزمایشگاهی بازسازی نمایند (عابدی، ۱۳۹۴: ۵۶-۵۵). افسیدین از آن دسته سنگ های کمیاب و معرفی معادن و منابع افسیدین در قفقاز بوده و علاوه بر آن به ویژگی ها و جغرافیای قفقاز نیز اشاره شده است.

واژگان کلیدی:

افسیدین، قفقاز، معادن، تجارت.



محل منابع افسیدین در قفقاز جنوبی (Badalyan, 2004: 144)

سنگ افسیدین یکی از سنگ های آتش فشانی است که در خاور میانه از دوران نوسنگی بسیار طرف توجه قرار گرفت و تا پایان دوران مفرغ یکی از مهم ترین کالاهای تجاری بوده است (کوهپر و دیگران، ۱۳۹۲: ۱).

سنگ افسیدین از خانواده سنگ های آذرین و به صورت شیشه طبیعی به رنگ های سیاه و سبز بر روی سطح بعضی از تشکیلات آتشفشانی یافت می شود. سرد شدن سریع گدازه آتشفشانی، که غنی از سلیس است سبب تشکیل شیشه آتشفشانی افسیدین می شود. افسیدین فاقد ساختار اتمی منظم بوده و از نظر فیزیکی بی شکل و همسانگرد است. ماده خام مناسب برای ساخت ابزار سنگی به شمار می رود، چون تقریباً هر ضربه ای باعث جدا شدن تراشه از سنگ مادر می شود (فرهمند و دیگران، ۱۳۹۱: ۲).

انسان ها از میلیون ها سال پیش، سنگ های موجود در طبیعت را انتخاب و پس از جمع آوری، آن ها را با استفاده از تکنیک های ابتدای به اشکال مورد نیاز خود تبدیل کردند و بدین گونه انسان اولین ابزار سازی را تجربه کرده است. سنگ چخماق از روزگارهای باستان در اکثر مناطق یافت می شده و انسان ها از آن برای شکار و ساخت ابزارهای مورد نیازشان استفاده می کردند. افسیدین از سنگ های آتشفشانی می باشد که در مناطق خاصی وجود داشته و دسترسی انسان های اولیه به آن آسان نبوده است. با توجه به شکل پذیری سریع، برندگی و کارآرایی سنگ افسیدین انسان ها در صدد تجارت آن نیز برآمدند (فرهمند و دیگران، ۱۳۹۱: ۱).

پیشینه تحقیق

مطالعات افسیدین یکی از مهمترین و جذابترین مطالعات، در باستانشناسی شده است و این اهمیت به خاطر خاصیت شیمیایی آن است زیرا هر منبع افسیدین دارای ساختار منحصر شیمیایی خود است و با تمام دیگر منابع افسیدین دارای تفاوت است و شناخت ساختار شیمیایی خاص هر منبع و مقایسه ابزارهای سنگی یافت شده از محوطه های گوناگون باستانی می تواند برای شناسایی منشأ این ابزارها به کار رود و با دست یافتن به این اطاعات میتواند مسیرهای داد و ستد انسان های پیش از تاریخ را شناسایی نمود (کوهپر و دیگران، ۱۳۹۲: ۲).

نخستین فردی که به مطالعه سنگ های افسیدین پرداخت، کالین رنفرو بود. او با هدف شناسایی منابع این سنگ در خاورمیانه به این مطالعه پرداخت که نتایج خود را در قالب چندین مقاله منتشر کرد. در سال ۱۹۶۰ میلادی بر روی افسیدین های خاور نزدیک و مدیترانه و خاورمیانه مطالعه و منتشر کرد و در سال ۱۹۶۲ مطالعات او در زمینه آزمایشات و منشایابی افسیدین بود. مطالعات وی نشان داد منابع افسیدین منطقه غرب ایران از منابع افسیدین در شرق ترکیه است و در منطقه دهلران تنها از فاز سبز رنگ سنگ افسیدین وارد شده است. نمونه های افسیدین در فلات مرکزی ایران از ملیان و تپه یحی بوده است، اما متأسفانه اطلاعاتی از نحوه داد ستد آن در این منطقه اطلاعاتی در دست نیست. (کوهپر و دیگران، ۱۳۹۲: ۲)

جیمز بلک من نیز با روش فعال سازی نوترونی به مطالعه دست افزارهای افسیدینی فلات ایران پرداخت و نتایج نشان دادند که منابع این افسیدین ها دریاچه وان می باشد. مطالعات جدید نیز نشان می دهد که پژوهشگران ایرانی نیز در این زمینه فعالیت داشتند: خادمی و همکارانش، غرابی و همکارانش و نیکنمای و همکارانش (کوهپر و دیگران، ۱۳۹۲: ۲).

ژاک دمورگان نیز در سال ۱۸۸۰ میلادی در این زمینه مطالعاتی داشته است. او بر روی رگه های افسیدینی مختلف در ارمنستان و شرق ترکیه مطالعات داشته است. از افراد دیگری که می توان نام برد که بر روی سنگ های افسیدین مطالعه داشته است الری فرام بوده که مطالعات و کارهای رنفرو و همکارانش را تا حدود زیادی به چالش کشیده است.

قلمرو جغرافیایی قفقاز

قلمرو جغرافیایی قفقاز با وسعتی حدود پانصد هزار کیلومتر مربع در شمال غربی فلات ایران و آن سوی رودهای کورا و ارس، از مناطق مهم جغرافیای امروز جهان شناخت می شود. اگرچه امروزه این سرزمین دارای حدود و تقسیمات جغرافیایی مشخصی است، اما در متون جغرافیایی و تاریخی متقدم به گونه ای متفاوت معرفی شده است. بررسی تاریخ قفقاز در دوره های مختلف گویای آن است که این سرزمین در آغاز به این نام شهرت نداشته و سپس نیز این نام برای قلمرو امروزی قفقاز به کار نمیرفته است، بلکه به هر بخش از سرزمین قفقاز با نام خاصی اشاره شده که مبتنی بر ویژگیهای قومی یا نام دودمانهای فرمانروایی آن بوده است. قفقاز سرزمینی است به وسعت نیم میلیون کیلومتر مربع که چهره طبیعی آن را رشته کوهها، درهها و دشتهای بین کوهی، شکل دادهاند. این منطقه، از شرق به غرب بین دریای خزر و سیاه، از شمال به منطقه پستی به نام مانچ، و از جنوب به ناحیه پستی که رودخانه کر و ارس در آن جریان دارد و فلات ارمنستان محدود میگردد. قفقاز به عنوان منطقیهای یاد میشود که نه تنها رشته کوههای قفقاز، بلکه سرزمینهایی را که در شمال و جنوب آن قرار دارد، در بر میگیرد. به طور قطع، معلوم نیست چه کسانی نام قفقاز را بر این منطقه نهادند. به این نام، نخستین بار در سال ۴۷۹ م که به وسیله بومیان قدیم داغستان استعمال شده، برخورد می شود. برخی نیز بر این عقیدهاند که اولین بار واژه قفقاز بر اثر آشیل، نمایشنامه نویس یونان باستان در درام (پرومتی زنجیر شده) ذکر شده است. این گفته می تواند بیانگر این امر باشد که شاید واژه قفقاز در نامهای یونان باستان ریشه داشته است. مارکوارت واژه قفقاز را برگرفته از واژه فارسی (گپ که) از ترکیب واژه های (گپ بزرگ) و (که یا کوه) به معنای بزرگ می داند. توجه به اینکه امروزه در بسیاری از لهجه های منشعب از زبان فارسی، از واژه (گپ) به معنای بزرگ استفاده میشود، میتوان این استدلال را به حقیقت نزدیک دانست. تقسیمات جغرافیایی قفقاز بدین شرح می باشد:

- ۱- ارمنستان: نام آن برای اولین بار در کتیبه داریوش هخامنشی در سال ۵۲۱ ق.م آمده است با نام ارمنیا.
- ۲- گرجستان: در طول تاریخ خود، دارای نام های گوناگونی است. در نوشته های یونانی و لاتین دارای نام های: ایبریا، ایوریا و ایوبریا. در منابع ارمنی با نام های: ویرک، وراتس و وریا مشاهده می شود. همچنین دارای نام های دیگری در منابع عربی و اروپایی بوده است. گرجی ها نیز سرزمین خود را با استناد به دنیای افسانه ای خویش با نام های: کارتوس و ساکارتولو می نامیدند.
- ۳- جمهوری آذربایجان: در ابتدا با نام آلبانیا معروف بوده است، آلبان ها در سپاه داریوش سوم، آخرین پادشاه هخامنشی به هنگام پیکار گوگمل حضور داشتند.
- ۴- داغستان: یک سوم مساحت قفقاز را در بر گرفته است. نام آن اولین بار در قرن ۱۶ به این سرزمین گذاشته شد (آهنگران، ۱۳۹۰: ۲۱۴-۱۹۹).

سنگ افسیدین

افسیدین سنگی آتشفشانی است که به دلیل دارا بودن ترکیب شیمیایی مشخص و منحصربه فرد خود، جزو یکی از مهم ترین یافته ها در باستان شناسی می باشد. افسیدین که همان شیشه آتشفشانی می باشد، سنگی آذرین است که با سرد شدن مواد آتشفشانی تشکیل می شود. دارای ساختار بلوری شکل نمی باشد به دلیل سرد شدن سریع مواد (گدازه). این سنگ ها از سنگ های کمیاب طبیعت است که غالباً به رنگ های سیاه یا تیره رنگ ایت که با ترکیب ربولیتی و شکستگی صدفی شناخته می شود.

ویژگی های سنگ اَبسیدین در قفقاز

سنگ اَبسیدین سنگ هایی هستند از خانواده سنگ های آذرین و به صورت شیشه ای می باشند. این سنگ ها در هنگام به وجود آمدن به درجه تشکیل کریستال، اَبسیدین ممکن است درخششی شیشه ای، ابریشمی یا مات باشد، که به رنگ های سیاه، سبز و برخی دیگر از آن ها به رنگ های خاکستری، قهوه ای، قرمز و صورتی هستند.

مراحل تشکیل آن اینگونه است که بر اثر سرد شدن سریع گدازه های آتشفشانی، که غنی از سلیس هستند ایجاد می شوند. و جزو مواد خام مناسب برای ساخت ابزار سنگی به شمار می روند.

منابع اَبسیدین قفقاز

منابع اَبسیدین در قفقاز جنوبی

۲۳ منبع اَبسیدین از رشته کوه های البروس، جواختی و تساخکونیات، فلات های آراگات، گگام، اردنی و سیونیک و کوه های آرات، ۵۳ مکان باستانی مربوط به عصر نوسنگی تا عصر آهن از شمال قفقاز، داغستان، گرجستان، ارمنستان و آذربایجان.

آتشفشان چیکیان (گرجستان)

آتشفشان چیکیان (به زبان گرجی، "شیشه ای که می درخشد") بر فراز ساحل شمال شرقی دریاچه پاروانی در جنوب گرجستان قرار دارد که از تجمع جریان های گدازه ای تشکیل شده است و در آن ساختار چین خورده اولیه فقط در مکان هایی قابل تشخیص است. قله آتشفشان که به ۲۴۱۷ متر می رسد، فقط حدوداً بالا می رود ۳۰۰ متر بالاتر از سواحل دریاچه مجاور. نام ترکی آن، کوچون داغ یا "کوه گاو" به اندازه کافی لطافت نقش برجسته را نشان می دهد. این فلات های استپی مرتفع، آب و هوای بسیار سختی را تجربه می کنند و در محلی به عنوان «سیرری گرجستان» یا تابستان های بسیار معتدل و زمستان های بسیار سرد و پوشش برفی که بیش از شش ماه طول می کشد، شناخته می شوند. با این وجود، این منطقه که در آن افزایش سهام فعالیت اولیه را تشکیل می دهد، به طور دائم ساکن است. در حال حاضر برخی از روستاها در کنار ساحل دریاچه پاروانی قرار دارند و مکان های باستان شناسی در این منطقه برای تمام دوره ها از دوران میان سنگی به بعد ثبت شده اند. این منطقه از فلات های استپی مرتفع به سمت جنوب که تا شمال ارمنستان امتداد دارند قابل دسترسی است، اما این فلات به دلیل آب و هوای سخت تقریباً خالی هستند. از سوی دیگر دریاچه پاروانی که در لبه شرقی رشته کوه جواختی قرار دارد، در شرق بر دره رود خرامی مسلط است که رودخانه خرامی از شاخه های رودخانه خرامی است. کورا گردنه ای که در پای چیکیان یافت می شود به آرامی به سمت دشت های کومو کارتلی و حوضه رودخانه شیب دارد. رودخانه خرامی علاوه بر این، سنگ ریزه های اَبسیدین متعددی را تا مسیر پایینی خود حمل می کند، جایی که مکان های فرهنگ نوسنگی-کالکولیتیک، مربوط به هزاره های ششم تا چهارم پیش از میلاد، قرار دارد. اَبسیدین چیکیان در همه جا بر روی گنبد آتشفشان پخش شده و در جریان بزرگ به سمت شرق امتداد دارد. کیفیت اَبسیدین عالی است - بسیار همگن و بدون آخال، فراوان و دسترسی آسان است و تنها محدودیت استفاده از آن آب و هوا است به طور خاص، پوشش برف در طول زمستان. در نهایت، منبع چیکیان تنها منبع موجود اَبسیدین در گرجستان است و برای مردمان ساکن در حوضه کورا قابل دسترس ترین است.

از اَبسیدین در گرجستان و برای مردمان ساکن در حوضه کورا در دسترس ترین است. مطالعات شیمیایی و زمانی نشان داده است که بین ۲.۶ تا ۲.۳ میلیون سال پیش (یعنی در طول ۳۰۰۰۰۰ سال) چندین جریان موقتی متوالی وجود داشته است و چندین عنصر شیمیایی (به ویژه باریم، استرانسیوم، زیرکونیوم و ایتریوم) در درصد آنها متفاوت است.

یازده نمونه منبع اَبسیدین از گنبد چیکیان (در پای دامنه غربی فلات جواختی در نزدیکی ساحل شمال شرقی دریاچه پاروانی) گرفته شد. آنالیزها نشان داد که آنها ترکیب شیمیایی عنصر کمیاب یکسانی داشتند و یک گروه همگن واحد را تشکیل می دادند. صد و بیست و یک اثر باستان شناسی همراه با نمونه های منبع زمین شناسی چیکیان (نقشه ۲).

این آثار از ۲۱ محوطه باستان شناسی مربوط به دوران نوسنگی اولیه و پسین، کالکولیتیک، برنز اولیه و میانه و دوره آهن اولیه بدست آمده است. این سایت ها عبارتند از: بریکلدیبی، نائوماری گورا (۱۴ نمونه)، دمنیسی، اوچوگلان (۸ نمونه)، آخالی. ژینولی، جواخی (۷ نمونه)، آناسولی اول، سمله کلد، ژینوالی، آروخلو اول، جوگاز (۶ نمونه)، آناسولی دوم، آبانوشوی (۵ نمونه)، کوبولتی، خریمی دیدی گورا، لری برد، پادار (۴ نمونه)، ورین ناور (۳ نمونه)، کرمراکار (۲ نمونه)، الیکمک تپسی و ولیکنک (۱ نمونه). بنابراین، منطقه ای که اَبسیدین از منبع چیکیان در آن توزیع شده است، بین سواحل دریای سیاه و خزر گسترش می یابد. اهمیت این منبع چیکیان اَبسیدین در سراسر این قلمرو وسیع بسیار متفاوت است. بسیاری از سایت های فوق الذکر ۵۰-۱۰۰ درصد اَبسیدین خود را از منبع چیکیان به دست آورده اند. کل قلمرو که توسط سایت هایی که عمدتاً اَبسیدین خود را از منبع چیکیان به دست آورده اند، تشکیل می دهد که می توان آن را «منطقه چیکیان» نامید (Badalyan, 2004: 442-445).

آشوتسک (ارمنستان)

جریان های دیگری از اَبسیدین در شمال غربی ارمنستان وجود دارد که در ادبیات زمین شناسی به خوبی شناخته شده است و نام های مختلفی را در ارتباط با جغرافیا، زمین شناسی یا واحد اداری که به آن تعلق دارند دریافت کرده اند. به طور خاص، آنها به عنوان تپه های Eni-Ēl، توده آتشفشانی Kechut، منطقه آماسیا و منطقه Ashotsk شناخته می شوند. نهشته های اَبسیدین در جنوب چیکیان در دامنه های جنوب غربی رشته کوه جواختی در نزدیکی روستاهای آگوریک و سیزاوت واقع شده اند. و در ارتفاعات Eni-Ēl که در بلوک های سیاه و حتی قرمز و سیاه پخش شده اند. نهشته های اَبسیدین زیاد نیستند و در سطح آنها محدود شده اند، زیرا فوران هایی که مربوط به ۱.۱ میلیون سال پیش هستند، کاملاً توسط لایه ای از هوموس پوشانده شده است که پوشش گیاهی روی آن رشد کرده است.

منطقه ای که در آن واقع شده اند شامل فلات های استپی مرتفع است. ۱۸۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و از دره خاکی پوشیده بزرگ اخوربان عبور می کند که در ابتدا از غرب به شرق از رشته کوه آکابابا داغ در ترکیه می گذرد و سپس در ارتفاعات انی ایل به طور ناگهانی به سمت جنوب می پیچد.

این منطقه با نقش برجسته ملایم است که از شمال به فلات مرتفع جواختی از طریق گردنه باورا و از جنوب به دشت شیراک از طریق دره اخوربان باز می شود. این منطقه آب و هوای سختی را تجربه می کند: تابستان های معتدل (به طور متوسط ۱۷ درجه سانتی گراد) و زمستان های خشک و بسیار سرد با پوشش برفی که از نوامبر تا آوریل وجود دارد و به طور متوسط به ۷۵ سانتی متر می رسد. با این وجود، سکونتگاه های دائمی در این منطقه وجود دارد. تپه های Eni-Ēl در جناح های جنوبی خود، که بر دره اخوربان مسلط هستند، ذخایر مهمی از داسیت با کیفیت بسیار بالا را در خود جای داده است که از زمان های بسیار اولیه، از دوران پارینه سنگی زیرین، مورد بهره برداری قرار گرفته است.

آثار بزرگ داسیت آشولی در این دامنه ها و حاشیه آنها جمع آوری شده است. خود اَبسیدین حداقل در طول عصر برنز به صورت محلی مورد بهره برداری قرار می گرفت، زیرا یک قلعه و چند سازه بر روی این قله ها ساخته شد، و آثار باستانی اَبسیدین در آنجا به دست آمد. این اَبسیدین دارای کیفیت کافی برای کار است، اما عمدتاً در اندازه های کوچک (به طور متوسط ۱۰ سانتی متر قطر) وجود دارد که استفاده از آن را محدود می کند.

مجموعه آرتنی در مهمترین چهارراهی قرار دارد که همیشه ارمنستان را طی کرده است: از غرب به شرق، از ترکیه به نخجوان، از طریق حوضه آراکس و دشت آرات و از جنوب به شمال حوضه آراکس را به گرجستان و قارص متصل می کند. دره اخوریان و دشت شیراک.

آتشفشان Pokr Arteni به ارتفاع ۱۷۵۳ متر می رسد. و متس آرتنی تا ارتفاع ۲۰۴۷ متری، هر چند جریان ابسیدین آنها در دامنه ها و در پایه آنها قرار دارد تا زمانی که دشت آرات را که در اینجا تقریباً ۱۵۰۰ متر بالاتر از سطح دریا قرار دارد، لمس کنند. پوشش برف یکی از کوچکترین پوشش های ارمنستان است که کمتر از ۳ ماه طول می کشد و به طور متوسط بیش از ۲۵ سانتی متر نیست. عمیق. روستاهای دائمی در نزدیکی این مجموعه قرار دارند. بنابراین ابسیدین در اکثر فصول سال بسیار قابل دسترسی است. ابسیدین های کانسار پوکر آرتنی و به ویژه جریان آراگات بسیار فراوان و کیفیت فوق العاده بالایی دارند. این ابسیدین حداقل از زمان پارینه سنگی میانه (یا موسترین) مورد بهره برداری قرار گرفته است زیرا دو وجهی در چندین مکان در دامنه های Satani Dar و Pokr Arteni به دست آمده است. این ذخایر امروزه نیز مورد بهره برداری قرار می گیرند. دینامیت، متأسفانه برای استخراج بلوک ها برای تهیه اشیاء مختلف مانند جواهرات، مجسمه ها و زیرسیگاری ها استفاده می شود. آزمایشگاه مؤسسه ملی استاندارد و فناوری در مریلند، ایالات متحده آمریکا قادر به تجزیه و تحلیل ابسیدین از جریان آراگاتس نبود و تقریباً تمام مصنوعات اختصاص داده شده به مجموعه آرتنی را از کانسار پوکر آرتنی نسبت داد. با این حال، آزمایشگاه های فرایبرگ و پیزا، که به ترتیب نمونه هایی را از پوکر آرتنی و جریان آراگاتس تجزیه و تحلیل و تاریخ گذاری کرده اند، بیشتر مصنوعاتی را که آن ها تجزیه و تحلیل کرده اند به جریان آراگاتس نسبت می دهند. کار تحلیلی بیشتری برای تمایز بین ابسیدین های جریان Pokr Arteni و Aragats مورد نیاز است. تا زمانی که این کار انجام شود، احتمالاً بهتر است ابسیدین های حاصل از جریان پوکر آرتنی و آراگاتس را کنار هم قرار دهیم. در بحث ما از نتایج تحلیلی (در زیر)، اشاره به نمونه های مصنوع منسوب به کانسار Pokr Arteni (گروه Pokr Arteni I) باید به عنوان منبعی از کانسار Pokr Arteni یا از جریان Aragats خوانده شود. هر پنج نمونه منبع زمین شناسی از متس آرتنی دارای ترکیب شیمیایی مشابه و نسبتاً همگن بودند. نمونه های منبع ابسیدین از Pokr Arteni طیف وسیع تری از تنوع را به نمایش گذاشتند. سه نفر از پنج نفر گروه جداگانه ای را تشکیل دادند (پوکر آرتنی اول)، در حالی که دو نفر دیگر تفاوت قابل توجهی با این گروه و با یکدیگر داشتند. نمونه های زمین شناسی مجموعه آرتنی (نقشه ۳) با ۱۵۹ اثر باستان شناسی در کنار هم قرار گرفتند، هرچند که در گروه های فوق به طور نابرابر توزیع شدند. بنابراین، تنها پنج اثر باستان شناسی (یا ۳.۱٪ از کل آثاری که شناسایی شده اند از مجموعه Arteni) در کنار هم قرار گرفتند. با نمونه های زمین شناسی از متس آرتنی. ۱۵۴ نمونه مصنوع (۹۶.۹٪) با اولین گروه Pokr Arteni I (یعنی جریان Pokr Arteni) و Aragats خوشه بندی شدند. هیچ اثر باستانی با گروه های زمین شناسی دوم و سوم Pokr Arteni و همچنین با منبع زمین شناسی همسایه Satani Dar وجود ندارد.

. با این وجود، جریان ها به راحتی قابل دسترسی هستند و برخی از سکونتگاه های باستانی و معاصر مستقیماً در کنار آنها یافت می شوند، اگرچه تعداد آنها زیاد نیست.

۱۲ نمونه برگرفته از ۲ منبع از این منطقه که در فاصله ۶-۷ کیلومتری قرار داشتند. از یکدیگر یک گروه منفرد و از نظر شیمیایی همگن تشکیل دادند که ظاهراً از یک منبع منفرد آمده بودند. با این حال، مرکز فوران آتشفشانی که این ابسیدین را تولید کرد، مشخص نشد. تنها دو اثر باستانی در کنار هم قرار گرفتند این گروه اخیر از نمونه های زمین شناسی: هر دو از سکونتگاه سگناختر در نزدیکی روستای کتی در دامنه جنوبی رشته کوه شیراک، ج. ۲۵ کیلومتر. جنوب منطقه منبع این دو نمونه ۱۱ درصد از مصنوعات مورد تجزیه و تحلیل از کتی را تشکیل می دهند، اما تنها ۱.۸۵ درصد از کل آثار تجزیه و تحلیل شده از دشت شیراک (نمونه از ۱۰۸). تاریخ گذاری این نمونه ها نشان می دهد که این منبع فقط در دوره های اولیه عصر مفرغ و در نیمه دوم هزاره دوم و آغاز هزاره اول پیش از میلاد مورد بهره برداری قرار گرفته است (منبع: Badalyan, 2004: 443-445).

منابع ثانویه نزدیک شیراکاوان

سطح آبرفتی حاوی سنگریزه های ابسیدین متعدد در قسمتی از تراس های باستانی رودخانه اخوریان قابل مشاهده است که امروزه در کنار دریاچه ای که توسط سد بزرگ نزدیک شیراکاوان در جنوب غربی گمری در امتداد میانی دره اخوریان تشکیل شده است، قرار دارد. به گفته زمین شناسان، این گسترش ابسیدین که در نزدیکی محل تلاقی رودهای اخوریان و قارص قرار دارد، توسط رودخانه دوم منتقل شده است، زیرا یک کانسار ابسیدین در بالادست استان قارص ترکیه واقع شده است.

این کانسار، که این سطح از سنگریزه های ابسیدین را تشکیل می دهد، به احتمال زیاد در زمان های پیش تاریخی بسیار مورد استفاده قرار می گرفت، همانطور که تعداد زیادی سایت های عصر برنز و آهن در این منطقه نشان می دهد.

این گسترش ثانویه ابسیدین به راحتی قابل دسترسی است و دشت شیراک که در آن یافت می شود گذرگاه یا مسیر اصلی را تشکیل می دهد که دشت آرات را به جنوب، استان قارص از غرب و گرجستان را در شمال به هم وصل می کند. سکونت در منطقه شیراکاوان دائمی است و پوشش برف محدود است زیرا کمتر از سه به طول می انجامد.

ماه (از اواسط دسامبر تا اواسط مارس) و تنها ۲۵ سانتی متر است. ضخیم به طور متوسط ۱۴. این گسترش ثانویه ابسیدین فراوان است، اما سنگریزه ها کوچک هستند و به نظر می رسد که عمدتاً برای تولید تیرکمان یا پرتابه های کوچک مورد استفاده قرار گرفته اند. تجزیه و تحلیل های شیمیایی اصالت این ابسیدین را تایید کرده است، زیرا این نمونه ها با هیچ یک از منابع زمین شناسی شناسایی شده از ارمنستان و گرجستان جمع نمی شوند. یعنی این ابسیدین در اصل باید از یک کانسار در شمال شرقی ترکیه باشد که منشا دقیق آن باید مشخص شود (منبع: Badalyan, 2004: 445)

منابع در فلات آراگاتس

مجموعه ریولیت آرتنی که در لبه جنوب غربی توده آراگاتس قرار دارد در نتیجه اکستروژن های متعدد و فوران های آتشفشانی آذرین شکل گرفته است و این پیچیدگی در ترکیبات شیمیایی مختلف ابسیدین های آرتنی مشهود است. ذخایر ابسیدین متعددی وجود دارد: Pokr (یا "کم") Arteni؛ شیطانی داز؛ Mets ("بزرگ") Arteni؛ و جریان آراگات. تاریخ ها نشان می دهد که منابع مختلف به طور متوالی بین ۱.۲۸ و ۱.۱۷ میلیون سال پیش شکل گرفته اند، و تجزیه و تحلیل های شیمیایی نشان می دهد که آنها دارای یک "امضای" مشترک هستند، اما همچنین تغییراتی را نشان می دهند که به ما امکان می دهد تا حدی بین آنها تمایز قائل شویم.

کیفیت اسیسیدین Tsakhkunyats بسیار بالا است. تجزیه و تحلیل های شیمیایی نشان می دهد که آتشفشان های مختلف متعلق به یک "خانواده" هستند که به ویژه با مقادیر بالای باریم مشخص می شود که قابل مقایسه با آتشفشان های موجود در آتشفشان چیکینی در جنوب گرجستان است، اما با مقادیر بالا نیز مشخص می شود. لاتتانیوم، سرب، توریم و اورانیوم-۲۰. تجزیه و تحلیل ها به همین ترتیب نشان می دهد که تفاوت های ظریف در میان آتشفشان های مختلف Tsakhkunyats وجود دارد، اما این ها مشخص نیستند. به همین دلیل، ما به توانایی خود در تمایز بین منابع مختلف اسیسیدین در این زنجیره کاملاً مطمئن نیستیم، و در نتیجه، ممکن است عاقلانه تر باشد که منابع مختلف را در یک گروه «تساخکونیات» جمع کنیم تا تعیین منشأ منسجم باقی می ماند. تلاش برای شناسایی دقیق تر تصویر زیر را به دست داده است. تجزیه و تحلیل های فعال سازی نوترونی نمونه‌هایی از محدوده تساخکونیات دو گروه مجزا را به ترتیب از آتشفشان های داملیک و تتوکار (شامل منبع ثانویه هانکوان) از یک سو و منبع کاماکار از سوی دیگر، شناسایی کرده است.

بر اساس تجزیه و تحلیل های فعال سازی نوترونی، ۱۳ مصنوع از ۹ مکان به همراه منبع داملیک خوشه می شوند. اینها عبارتند از: Karnut (۴ نمونه); تسیتلی گوربی (۲ نمونه); و انوشوان، آریچ، هورم، کرمارکار، آرتاشات، ورین ناور و لری برد (هر کدام ۱ نمونه). فلورسانس اشعه ایکس مشخص کرد که ۱۰ نمونه مصنوع اضافی از منبع داملیک آمده است: گخاروت (۳ نمونه). Tsakhkaovit (۶ از ۷ نمونه); و مخرا-بلور (یک نمونه). دو اثر از محل فیولنتو و یکی از تساخکاهویت ممکن است از منبع تتوکار یا به طور دقیق تر از این گروه داملیک آمده باشند. این سایت ها به ترتیب در ۲۸ کیلومتری شمال شرقی و ۲۰ کیلومتری سرچشمه تتوکار واقع شده اند. تجزیه و تحلیل فلورسانس اشعه ایکس نشان می دهد که منطقه استفاده اصلی از اسیسیدین داملیک بلافاصله در غرب منبع قرار دارد. سایت های گخاروت که در ۱۸ کیلومتری سرچشمه قرار دارد و تساخکاویت در ۱۵ کیلومتری سرچشمه به ترتیب ۱۰۰ تا ۸۵ درصد اسیسیدین خود را از آتشفشان داملیک دریافت می کنند. نزدیک به ۸۳ درصد (۲۴ نمونه از ۲۹ نمونه). اسیسیدین های آزمایش شده تساخکونیات از منبع داملیک یا بهتر است از گروهی از منابع به دست آمده اند. تنها ۲ مصنوع همراه با نمونه های زمین شناسی که منبع کاماکار را تعریف می کنند، جمع شده اند. آنها از دو مکان در حوضه شیراک آمده اند: هورم و شیرکاولان. به این ترتیب، منطقه استفاده از اسیسیدین کاماکار در محدوده شیراک قرار دارد که در آن اسیسیدین داملیک (تتوکار، هانکوان) نیز یافت شده است (Badalyan, 2004: 448-450).

منابع فلات گغام

منابع اسیسیدین در فلات گغام با آتشفشان های گوتانسر، فونتان، آلاپارس و هاتیس مرتبط است که گروه هرازدان-آبویان را در پیمونت غربی تشکیل می دهند و اسپیتاکسار و گاسار از گروه مارتونی که در نزدیکی حوزه آبخیز جنوب یافت می شوند (Badalyan, 2004: 450)

گوتانسر

مجموعه گوتانسر در شمال ایروان یافت می شود و منطقه وسیعی را بین خود آتشفشان و کرانه چپ رودخانه هرازدان که از دریاچه سوان به سمت آراکس می ریزد، می پوشاند. این مجموعه شامل چندین گنبد آتشفشانی (گوتانسر، فونتان، آلاپارس، لوساوان، گیوموش-GES) است که در یک دوره نسبتاً کوتاه بین ۳۱۰۰۰۰ تا ۲۴۰۰۰۰ سال پیش فوران کردند. جریان ها بسیار فراوان و حاوی بلوک های عظیم اسیسیدین با کیفیت بسیار بالا هستند. ارتفاع آتشفشان گوتانسر به ۲۲۲۹ متر می رسد، اما نهشته ها به راحتی قابل دسترسی هستند زیرا به قسمت پایین گنبد می ریزند و در سطح، جریان ها به وسعت ۴۰ کیلومتر مربع در ارتفاعی بین ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ متر گسترش می یابند.

۱۵۴ اثر متعلق به گروه Pokr Arteni I از ۲۲ مکان باستان شناسی مربوط به دوره های نوسنگی، کالکولیتیک، اولیه، میانی و پسین برنز و عصر آهن به دست آمده اند. این موارد شامل: ۲۱ نمونه از ۱۷; Massisi-blur; از آرتاشن; ۱۶ از ۱۵; Mashtotsi-blur; از Ada-blur; ۱۴ از ۱۰; Karnut; از هورم; ۶ هر کدام از آرمایور و کتی; ۶ هر کدام از شیرکاولان، آریچ، متنامور و مخرابلور. ۵ از انوشوان; ۴ از لری برد; ۳ هر کدام از خاتورنخ و کرمارکار; ۲ ach از Jrahovit و Verin Naver; و نمونه های منفرد از Nakhicevan, Lchashen, Velikent و Tli, Kül-tepe. سکونتگاه هایی که بیش از ۵۰٪ از اسیسیدین (تا ۸۰٪) متعلق به این گروه Pokr Arteni I بود تا ۶۰ کیلومتر به شدت توزیع شدند. در جنوب شرقی سرچشمه در دشت آرات و ج. ۳۰-۳۵ کیلومتر. در شمال سرچشمه در حوضه شیراک. ۳ اثر از ۵ اثر از خوشه متس آرتنی در سکونتگاه های شیراک (کارنوت، هورم و شیرکاولان) و ۲ اثر در دشت آرات (آرمایور و ورین ناور) یافت شد (Badalyan, 2004: 446-448).

منابع محدوده تساخکونیات

زنجیره Tsakhkunyats ۳۵ کیلومتر از شرق به غرب تا شمال شرقی توده Aragats امتداد دارد. خط تاج آن که به ارتفاع نزدیک به ۳۰۰۰ متر می رسد، دره کساک را به سمت جنوب از دره مارماریک به سمت شمال جدا می کند که رودخانه های آن نزدیک به ۱۰۰۰ متر پایین تر جریان دارند. زنجیره Tsakhkunyats پوشیده از جنگل ها و مراتع کوهستانی است. بارندگی که از شمال می آید بسیار فراوان است، کوه ها سالانه ۷۰۰-۸۰۰ میلی متر باران می بارد. تابستان ها تازه و زمستان ها سرد است. پوشش برف پایدار است و به ضخامت متوسط ۷۵ سانتی متر می رسد که بیش از پنج ماه از اواسط نوامبر تا اوایل مه ۱۷ ادامه دارد. این زنجیره حاوی چندین آتشفشان با جریان های اسیسیدین است که قدیمی ترین آنها در ارمنستان است که قدمت آن به سال قبل از میلاد می رسد. ۴.۵ میلیون سال پیش ۱.۸ از غرب به شرق می توان با ذخایر اسیسیدین داملیک، تتوکار، کاماکار، آراکاجاسار، آیکاسار و دالار مواجه شد. این جریان های اسیسیدین در دامنه های کوه بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۴۰۰ قرار دارند. متر ارتفاع دارند و دسترسی نسبتاً آسانی دارند زیرا شیب ها تند نیستند. با این حال، یک محدودیت اضافی بر آن نهشته هایی تأثیر می گذارد که در داخل زنجیره واقع شده اند و در نتیجه، نسبت به آنهایی که در دامنه های شمالی و جنوبی قرار دارند، دسترسی کمتری دارند.

علاوه بر این، باید دو منبع ثانویه را به این ذخایر اولیه اسیسیدین اضافه کرد. رودخانه های کساک و مارماریک دارای سنگ ریزه ها و سنگ ریزه های اسیسیدین متعددی هستند که پس از باران های شدید از دامنه های کوه فرو می روند. بنابراین، هانکوان که گاهی به عنوان کانسار اسیسیدین نیز توصیف می شود، در واقع نام روستایی است که در پای شمالی این زنجیره قرار دارد که در آن جریان های متعددی به هم می پیوندند و رودخانه مارماریک را تشکیل می دهند. این جوی های سیل آسا از جهات مختلف می آیند و جریان های آتشفشان داملیک و تتوکار را تخلیه می کنند. بنابراین، هانکوان ثانویه و ناهمگن است. کانساری که اسیسیدین خود را از منابع داملیک و تتوکار جمع آوری می کند.

در نتیجه، دسترسی به اسیسیدین از محدوده Tsakhkunyats باید به دو نوع تقسیم شود: (۱) منابع اولیه، که در داخل زنجیره قرار دارند، تنها در فصل گرم تابستان قابل دسترسی هستند، زمانی که، هنوز هم، انسان های چوپانی تغییر انسان می دهند. مراتع خود را بسازند و حیوانات خود را گله کنند. (۲) منابع فرعی که توسط جویبارهای مختلف و رودخانه های مارماریک و کساک ته نشین می شوند در طول سال نسبتاً آسان است (اسیسیدین بسیار فراوان است). تنها محدودیت برای دومی، اندازه سنگ ها و سنگ ریزه هایی است که به اندازه کافی در پای کوه ها تأثیرگذار هستند، اما با حمل به پایین دست از اندازه آن ها کاسته می شود. رودخانه مارماریک به سمت شرق و به دریاچه سوان می ریزد، در حالی که کساک به سمت جنوب به سمت دشت آرات و رودخانه آراکس می رود.

هاتیس

آتشفشان هاتیس شامل یک ج. توده ای به مساحت ۲۵ کیلومتر مربع که در جنوب شرقی گنبد گوتانسر قرار دارد. با این حال، جریان های دومی در پایه جناح شمالی آتشفشان هاتیس ظاهر می شوند. پوشش برف فقط کمی بیشتر از "مجموعه گوتانسر" مشخص است، زیرا ارتفاع آتشفشان حاتیس به ۲۵۲۹ متر می رسد. عمق برف به طور متوسط به ۵۰ سانتی متر می رسد و از اواسط دسامبر تا اواسط آوریل ادامه دارد. جریان های اسیسیدین در نواحی میانی و جناح های پایینی پخش می شوند اما به سمت دشت امتداد نمی یابند.

چندین رسوب اسیسیدین در سراسر سطح آتشفشان (آکونک، زربوریان، شیان-ژیان و کاپوتان) مشاهده شده است، اما مساحت کل آنها به طور قابل توجهی کمتر از آتشفشان همسایه گوتانسر است. یکی از کانسارها حاوی برخی مواد معدنی (فلدسپات) است که با چشم غیرمسلح قابل مشاهده است و کاربرد آن را محدود می کند. با این حال، آثار دوره های مختلف از دوران پارینه سنگی میانی به بعد در کناره های آتشفشان حاتیس به دست آمده است و شاهد بهره برداری از این منبع توسط جمعیت های سراسر دشت آرارات از زمان های بسیار قدیم بوده است. بنابراین، این سرچشمه نسبت به مجموعه بزرگ همسایه گوتانسر کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است و کمی در حاشیه مسیر منتهی به دریاچه سوان قرار دارد. اما اسیسیدین آن کیفیت خوبی دارد و در اکثر فصول سال به راحتی قابل دسترسی است. تجزیه و تحلیل های شیمیایی نشان می دهد که آتشفشان هاتیس حاوی نه یک رسوب بلکه سه جریان جداگانه با سنین و ترکیبات مختلف است. خوشه تحلیلی هاتیس حاوی ۲۹ اثر از ۷ سکونتگاه کالکولیتیک و اوایل عصر مفرغ بود. اینها عبارتند از: Dvin (۹ نمونه): جراهویت (۶ نمونه)، آرتاشات (۵ نمونه)، مخرا-بلور (۳ نمونه)، و Aygevan، Masisi-blur و Met-samor (هر کدام ۲ نمونه). همانطور که می بینیم، تنها آبادی های واقع در دشت آرارات از اسیسیدین هاتیس استفاده می کردند. سایت دوین تقریباً در مرکز منطقه و در ۳۷ کیلومتری سرچشمه قرار دارد که نشان دهنده نقطه ای است که اسیسیدین هاتیس (۷۵٪ یا ۹ اثر از ۱۲ اثر) بر آن تسلط دارد. از این رو، غلبه اسیسیدین هاتیس را می توان در مرکز منطقه ای که در آن اسیسیدین گتنسر نیز مورد استفاده قرار می گرفت، ردیابی کرد. به طور کلی منطقه تحت تسلط سرچشمه های گروه هرازدان-ابویان در دشت آرارات یافت می شود: شنکاویت، جراهویت، دوین، آرتاشات، و آیگون.

گفاسر و اسپیتکسسر

رشته گغام از غرب با دریاچه سوان کناره می گیرد و از شمال به جنوب به مدت یک سال امتداد می یابد. ۵۰ کیلومتر، رسیدن به حداکثر ارتفاع ۳۶۰۹ متر. آتشفشان های اسپیتاکسار (۳۵۶۰ متر) و گفاسر (۳۴۴۶ متر) که در قسمت جنوبی این رشته در فاصله ۶ کیلومتری از یکدیگر قرار دارند، تنها دو قله ای هستند که دارای جریان اسیسیدین هستند. این جریان ها جدیدترین جریان ها در ارمنستان هستند و از ۴۰۰۰۰ تا ۸۰۰۰۰ سال پیش برای Geghasar و Spitaksar (یا پلیستوسن بالا) قدمت دارند. جریان ها در امتداد جناحین گنبدها و در پای آنها بر روی فلات های مرتفعی که در ج. ۳۰۰۰-۳۲۰۰ متر و پوشیده از پوشش گیاهی استپی. این فلات ها در طول تابستان توسط جانورانی که به آنجا می آیند تا گله های گوسفند، بز، گاو و اسب های خود را مرتع کنند و یونجه را برای علوفه زمستانی برش دهند، پرجمعیت است. که در واقع این رشته کوه که بعد از آراگاتس دومین کوه مرتفع ارمنستان است، پوشش برفی پایداری را تجربه می کند. ضخامت ۲ متر به طور متوسط که برای C طول می کشد. ۸ ماه از اواسط اکتبر تا پایان مه. این شرایط اقلیمی بسیار سخت است و دسترسی به این ذخایر اسیسیدین را محدود می کند و عملاً امکان تهیه اسیسیدین را در تابستان فراهم می کند. با این حال، ذخایر بسیار فراوان است.

این منطقه دارای پوشش برفی ۵۰-۲۵ سانتی متر. ضخیم که از دسامبر تا اوایل آوریل ادامه دارد. برخی از روستاهای دائمی در نزدیکی جریان های اسیسیدین قرار دارند و گله های حیوانات روی علف های مرتفعی که آنها را پوشانده چرا می کنند.

آثار متعددی از دوران پارینه سنگی میانی در نزدیکی روستای جرابر جمع آوری شده است. علاوه بر این، دره رازدان که از فلات بالالتی که جریان های اسیسیدین بر فراز آن پخش شده است، غارهای متعددی را پنهان کرده است. این غارها به عنوان پناهگاهی برای جمعیت موستری (لوساکرت، ایروان) عمل می کردند. این مردمان برای ساختن ابزار خود از بلوک های فراوان اسیسیدین که در ساحل چپ رودخانه یافت می شود، استفاده کردند. بنابراین اسیسیدین از مجموعه گوتانسر بسیار آسان، بسیار فراوان و با کیفیت بسیار بالا قابل دسترسی است. البته در بین سپرده ها تفاوت هایی وجود دارد. در نزدیکی Gyumush-GES، اسیسیدین کیفیت متوسطی دارد، در حالی که در فاصله ۲-۳ کیلومتری نزدیک Nurnus، عالی است. این مجموعه در مسیر فرعی ارتباطی بین دشت آرارات و دریاچه سوان قرار دارد که در ارتفاعی واقع شده است. از ج. ۲۰۰۰ متر است و خود به عنوان یک مسیر ارتباطی دورتر از شمال از طریق دره دبد و در نهایت به حوضه کورا عمل می کند. آنالیزهای شیمیایی یک همگنی استثنایی را برای منابع مختلف نشان می دهد، که با توجه به حاشیه خطا که نتایج تحلیلی را همراهی می کند، عملاً تشخیص بین آنها غیرممکن است. نمونه های گوتانسر، لوسوان، گیوموش- GES و «فونتان» ۲۳ از نظر شیمیایی یکسان به نظر می رسند و با هم گروه بندی می شوند.

یک خوشه بزرگ منفرد را تشکیل می دهند که متعلق به یک منبع همگن - «مجموعه گوتانسر» است. شش نمونه از آلپارس از نظر تحلیلی از اسیسیدین گوتانسر متمایز شد، اما ترکیبات این دو آتشفشان به قدری شبیه بود که چندین اثر باستانی را نمی توان با قطعیت به آن نسبت داد. یک یا آن منبع در نتیجه، تا زمانی که تجزیه و تحلیل های دقیق تری انجام شود، به آنها به عنوان تازه وارد از «مجموعه گوتانسر» گفته می شود. ۵۵ اثر از ۱۸ مکان مختلف ماوراء قفقاز از دوران نوسنگی دوره های کالکولیتیک تا دوره های برنز اولیه، میانی و پسین در مجموعه گوتانسر با هم ترکیب شدند. آرتاشات (۷ نمونه)، لچاشن (۵ نمونه)، آرتاشن و ایگون (هر کدام ۴ نمونه)، خاتورنخ، ماسیسی بلور، برین ناور (هر کدام ۳)، آدا-بلور، مخرا-بلور، ماشوتوسی-بلور، شنکاویت (هر کدام ۲)، و آرماویر، متسامور، دوین، جوگاز، نرکین گتاشن، نخجوان و کول تپه (هر کدام ۱ نمونه). سکونتگاه هایی که بیش از ۵۰ درصد اسیسیدین خود را از «مجموعه گوتانسر» دریافت کرده اند عبارتند از: جراهویت؛ آرتاشات؛ لچاشن و - بطور موقت بر اساس تعداد بسیار محدود نمونه - شنکاویت. بنابراین، منطقه تحت تسلط اسیسیدین از «مجموعه گوتانسر» شامل مکان هایی است که در قسمت شرقی دشت آرارات و شمال غربی تا دریاچه سوان یافت می شود و در شعاع C امتداد دارد. ۵۵ کیلومتر از خود منبع.

این تصویر از پراکنش اسیسیدین گوتانسر زمانی که توجه را فراتر از قفقاز به خاور نزدیک به طور کلی معطوف کنیم، ابعاد کاملاً متفاوتی به خود می گیرد. پیش از این جی. بلکمن اسیسیدین یافت شده در سایت تل ملیان در استان فارس در جنوب غربی ایران را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده بود. او به عنوان بخشی از این کار شش زمین شناسی را مورد بررسی قرار داد نمونه هایی از منبعی بین هرازدان و انتهای شمال غربی دریاچه سوان ۲۵. پنج تای آنها یک گروه همگن را تشکیل دادند که او آن را «سوان ۱» نامید، و دو اثر اسیسیدین (با برجسب گروه F) از مالیان، که از سطوح دوره کافتی (۱۸۰۰-۲۱۰۰ قبل از میلاد) آمده بودند، در کنار این گروه قرار گرفتند. مقایسه مواد شیمیایی

ترکیب اسیسیدین از گروه «سوان ۱» و اسیسیدین از «مجموعه گوتانسر» آنها را کاملاً یکسان نشان داد. بنابراین، به نظر می رسد که منشاء آثار باستانی فوق به خوبی ثابت شده است. حداقل در پایان اسیسیدین از گوتانسر در امتداد زاگرس جنوب غربی تا حدود ۱۵۰۰ کیلومتری سرچشمه به سکونتگاه هایی رسیده است.

منابع در فلات سیونیک

نهشته های اسیدین از آتشفشان های گروه وروتان سیسیان در فلات سیونیک (قره باغ) در حوضه رودخانه وروتان بالایی قرار دارند.

سیونیک

چندین آتشفشان در این رشته که در جنوب شرقی ارمنستان واقع شده و بخشی از مرز آذربایجان را تشکیل می دهد، دارای جریان های بزرگ اسیدین هستند: Bazenk; کوهپایه های Pokr Sevkar; متس سوکار; متس ساتاناکار; میچنک ساتاناکار و پوکر ساتاناکار. طولانی ترین و ضخیم ترین جریان ها جریان هایی از متس سوکار و از «پایه های پوکر سوکار» هستند. این اصطلاح اخیر به این دلیل استفاده می شود که نهشته اسیدین در نزدیکی گنبد پوکر سوکار قرار دارد، اما نهشته های جدید بازالت بیشتر مناظر اطراف را پوشانده است. رابطه اسیدین با پوکر سوکار نامشخص است. یک فرضیه این است که این کانسار بخشی از جریان بزرگی بود که متس سوکار در این راستا منتشر کرد.

این منطقه از فلات های مرتفع که بین ۲۷۰۰ تا ۳۰۰۰ متر قرار دارد (قله بازنک به ۳۲۳۹ متر می رسد)، آب و هوای سختی را تحمل می کند. بیش از ۷ ماه (از ابتدای آبان تا خرداد) پوشیده از برف است و سطح برف به طور متوسط به ۱۲۵ تا ۱۵۰ سانتی متر می رسد. این منطقه مرتفع فقط در طول تابستان قابل دسترسی است، زمانی که تعداد زیادی از جانوران غیر انسانی به چراگاه گله های خود می آیند و یونجه را برای علوفه می برند تا حیوانات خود را در ماه های طولانی زمستان نگهداری کنند. انبوهی از مصنوعات بر روی بیشتر این جریان ها (بازنک، متس ساتاناکار، متس سوکار و پوکر سوکار) و اسیدین واقعی یافت شده است. کارگاه هایی با غلظت ابزار (تیغه ها، خراش ها) مخلوط با سنگ های دبی تاژ و کوبه ای در ریولیت بر روی Pokr Sevkar یافت شده است. سیلاب هایی که از این فلات های مرتفع سرازیر می شوند و به رودخانه وروتان می پیوندند، بلوک های اسیدین را حمل می کنند، اما در دره ای که روستاهای دائمی وجود دارد، سنگ ریزه های اسیدین که می توان از رودخانه جمع آوری کرد، کاهش یافته و به ندرت برای ساخت ابزار قابل استفاده است.

کلباجار

مجموعه آتشفشانی کلباجار در دامنه آذربایجان در فلات مرتفعی که در ارمنستان منطقه سیونیک را در بر می گیرد، قرار دارد. شرایط آب و هوایی حتی کمی سخت تر از سیونیک است زیرا ارتفاع متوسط آن بین ۳۰۰۰ تا ۳۲۰۰ متر است و پوشش برفی که ضخامت آن به ۱۵۰ سانتی متر می رسد تا اواسط ژوئن ادامه دارد. به دلیل تداوم درگیری ارضی بین ارمنستان و آذربایجان، توصیف کامل تر این کانسار ممکن نبوده است. تجزیه و تحلیل فعال سازی نوترونی نمونه ها از منابع موجود در فلات سیونیک، سه گروه شیمیایی مختلف را تعریف کرد. گروه اول یا Satanakar-Sevkar که یک خوشه همگن واحد را تشکیل می دهد، شامل نمونه هایی از Mets Satanakar و Pokr Sevkar و همچنین شامل ۱۸ اثر از مکان های کالکولیتیک در ماوراء القفقاز است. گروه دوم از ۴ نمونه از ۵ نمونه گرفته شده از جایی در نزدیکی کلباجار تشکیل شده است و Kel'baJar I نامیده می شود، نمونه هایی که احتمالاً از آتشفشان های بازنک و کچلداگ آمده اند. گروه شیمیایی نهایی از یک نمونه (۱ از ۵) از آن تشکیل می شود منطقه کلباجار این گروه متمایز Kel'baJar II نامیده می شود و احتمالاً منبع دوم اسیدین Kecheldag را نشان می دهد.

جانوران بی شماری که در آنجا تابستان می کنند می توانند از آنها بهره برداری کنند و پریفرمها یا هسته هایی (مانند آن هایی که در دامنه های پایین تر گفاسر پیدا کرده ایم) تهیه کنند و بعداً اشکال کار شده را با خود ببرند. هنگامی که در ابتدای پاییز فرود می آیند به سمت زمین های پست می روند. علاوه بر این، سیلابی از پای گفاسر در جناح شمال غربی آن سرچشمه می گیرد و بلوک های متعدد اسیدین را به سمت رودخانه آزات می برد که در آن نهشته می کند. سپس به سمت جنوب و دشت آزات برده می شود. در ۱۵ کیلومتری کانسار، در سطح روستای گارنی، رودخانه ازات همواره سنگ ریزه های اسیدین را با خود حمل می کند که حتی در این فاصله از سرچشمه همچنان ۶ تا ۸ سانتی متر در امتداد بعد دراز خود اندازه گیری می شود. از نظر ماکروسکوپی، اسیدین های گفاسر و اسپیتاکسر بسیار متفاوت هستند. اسیدین ها در گفاسر رنگ های متفاوتی دارند (شفاف، خاکستری، قرمز، قهوه ای و سیاه). در اسپیتاکسر، اسیدین حاوی اجزای کریستالی متعددی است که کار را دشوارتر می کند، زیرا کریستال های کوچک در برابر امواج نیرو قرار دارند. با ضربات کوبه ای منتقل می شود و شکل تکه های جدا شده را مشکل تر می کند. با این حال، از نظر شیمیایی، این دو منبع ترکیب قابل ملاحظه ای مشابهی از خود نشان می دهند، که گواه این واقعیت است که آنها از یک اتاق ماگمایی سرچشمه گرفته اند و در طول ۴۰۰۰۰ سال با بیشتر تکامل یافته اند که این دو فوران آتشفشانی را از هم جدا کرده است. چهار نمونه اسیدین از گفاسر که توسط INAA مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند، یک گروه همگن را تشکیل دادند. نمونه های اسپیتاکسر در این کار مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفتند. با این حال، مطالعه دیگری از INAA که روی چهار نمونه از اسپیتاکسر و گفاسر انجام شد، نشان داد که ترکیبات شیمیایی اسیدین های هر دو آتشفشان یکسان است. ۶۸ اثر از ۱۹ سکونتگاه مربوط به دوره های نوسنگی-کالکولیتیک و دوره های اولیه، میانی و پسین برنز که در کنار خوشه گفاسر قرار گرفته اند. این موارد عبارتند از: Noratus (۱۰ نمونه); ترکیب گناشن (۹ نمونه); Kül-tepe و Leila-tepesi نخجوان (هر کدام ۷ نمونه); چالاگان تپه، سکونتگاهی بی نام در دشت قره باغ، لچاسن، جراویت و آیکوان (هر کدام ۴ نمونه). تسیتلی گوربی (۳ نمونه); آدابلا، آرتاشن و ماشوتوسی بلور (هر کدام ۲ نمونه); و Masisi-blur; دوین، خاتونخ، جوراز، خرمیس دیدی گورا و ولیکنک (هر کدام ۱ نمونه). مناطقی که در آن اسیدین از این منبع بر مجموعه سنگ های خرد شده (۵۰ تا ۱۰۰ درصد کل نمونه های آزمایش شده) غالب است به شرح زیر است: (۱) در لبه دشت آزات جنوبی (۱۱۰ - Kül-tepe کیلومتری از منبع، و (۷) از ۱۴ نمونه آزمایش شده (۲) در سواحل غربی و جنوبی دریاچه سوان (نوراتوس و ترکیب گناشن - ۲۵-۳۰ کیلومتری از مبدأ، و به ترتیب ۱۰ و ۹ نمونه از ۱۰ نمونه از هر سایت (۳) در دشت قره باغ (چالاگان تپه، و سکونتگاه بی نام - ۱۸۵ کیلومتر از منبع، و ۴ نمونه از، به ترتیب، ۶ و ۷ نمونه آزمایش شده).

خورابور

رشته کوه واردنیس که شامل یک آتشفشان منفرد با ذخایر اسیدین است به سمت جنوب شرقی دریاچه سوان سرچشمه می گیرد. این آتشفشان که ارتفاع آن به ۲۹۰۶ متر می رسد، حدود ۲۰ کیلومتر بالا می رود. از ساحل دریاچه در منطقه ای مرتفع که تنها چند صد متر بر آن مسلط است. این منطقه مرتفع از اواسط پوشیده از برف است. آبان تا اواخر اردیبهشت و به طور متوسط ضخامت ۱۰۰ تا ۱۲۵ سانتی متر می رسد. بنابراین، آتشفشان فقط در طول تابستان قابل دسترسی است. اسیدین هم در قله گنبد و هم در کناره های آتشفشان یافت می شود. با این حال، عملکرد آن از کیفیت پایینی برخوردار است زیرا حاوی اجزای کریستالی زیادی است و به طور کلی از گره های کوچکی در یک ماتریس ریولیتی تشکیل شده است. علاوه بر این، هیچ اثری در این کانسار یافت نشده است.

منطقه مجموعه من پس از مرز پذیرفته شده در ترکیه شرقی فعلی. چندین منبع اصلی اسیدین از این منطقه شناخته شده است: Sarikamiş, Yağlıca Dağ (ارمنی: Տարիղամիշ [Sarighamish]), Pasinler (ارمنی: Բասեն [Basen]), ارزروم (ارمنی: Արզրոն [Arzrun]), Tendürek (ارمنی: Թոնդրակ [Tondrak]), Meydan Dağ (ارمنی: Կարմիր [Karnol]), Suphan Dağ (ارمنی: Սիփսան [Sipan]), Bingöl (ارمنی: Ծաղաղուր [Chapaghjurl]), و Nemrut Dağ (ارمنی: Նեմրութ [Nemrut]). من توانستم تنها ۲۱ نمونه از چهار منبع اسیدین به دست بیاورم (شکل ۵.۱۴). سیزده نمونه زمین شناسی ارجاع داده شده از ساریکامیش توسط گریگوری آرشیان به من داده شد. کریستین چانگنر و برنارد گراتوز با مهربانی ۱۱ نمونه اضافی از ۵ منبع در شرق ترکیه ارائه کردند: ۲ نمونه از Yağlıca Dağ، ۲ از Pasinler، و ۵ از Sarikamiş. من همچنین از داده های منتشر شده برای منابع ذکر شده در بالا که نمونه ای برای آنها ندارم استفاده کردم.

منابع اسیدین در قفقاز شمالی

منابع اسیدین موجود در قفقاز شمالی در غار مزمایسکایا و باکستان قرار دارد که در منقشه ذیل مشخص شده است. استفاده از منابع اسیدین این منطقه از روی تیغه های یافت شده از این مکان ها به خوبی قابل رویت است.

تجارت اسیدین

بخش جدایی ناپذیر و ضروری از تکامل و رفتار انسان می باشد. اولین استفاده از اسیدین در شرق نزدیک در دوره پارینه سنگی قدیم و میانه تاریخ گذاری شده است. تجارت اسیدین بین آناتولی و لوانت و بخش هایی از ایران در طول چندین هزار سال وجود داشته است. انباشته های اسیدین در قفقاز به طور گسترده توسط مردم قفقاز استفاده شده بود، و مبادلات بسیار کمی با همسایگان در شرق نزدیک دارند.

نتیجه گیری

می توان نتیجه گرفت اغلب سنگ های اسیدین در طیف رنگ های تیره دیده می شود که از خانواده سنگ های آذرین می باشد.

تجارت سنگ های اسیدین بین آناتولی و لوانت و بخش هایی از ایران در طول چندین هزار سال وجود داشته است.

منشا اغلب سنگ های اسیدین های شناخته شده خاورمیانه در دوران پیش از تاریخ در آناتولی و قفقاز می باشد.

منابع

یاری، فریدوناله. آهنگران، امیر. "جغرافیای تاریخی قفقاز از منظر مورخان و جغرافی دانان مسلمان". فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. سال ۲۶ شماره دوم، پیاپی ۱۰۱. صص ۱۹۹-۲۱۸.

عابدی، اکبر. "مروری بر مطالعات اسیدین در ایران، منشایابی معادن و اسیدین های محوطه های باستانی، پژوهش ها و پرسش های موجود". فصلنامه پژوهش باستان سنجی، بهار و تابستان، صص ۸۵-۵۵.

فرهمند، حسین و دیگران. "اسیدین آناتولی و برهمکنش های تجاری آن با ایران و مناطق همجوار". فصلنامه علمی تخصصی باستان شناسی ایران. صص ۲۳-۱.

خزایی کوهپیر، مصطفی و دیگران. "مسیرهای تبادل اسیدین در ایران". ۱۳۹۲. همایش ملی باستان شناسی ایران دانشگاه بیرجند. صص ۶-۱.

نوری، سمیه. "تحلیل مقدماتی منشایابی اسیدین های یافته شده از کاوش تپه بوینو خدا آفرین آذربایجان شرقی به روش PIXE". ۱۳۹۱. برگزیده مقالات اولین و دومین همایش ملی کاربرد تحلیل های علمی در باستان سنجی و مرمت میراث فرهنگی.

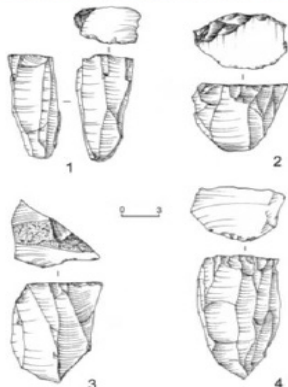
۱۸ اثر با گروه Satanakar-Sevkar خوشه می شوند و از شش سایت زیر می آیند: Alikemek-tepesi (نمونه ۶); Kül-tepe نخجوان (نمونه ۴); لیلا تپسی (نمونه ۳); Chalagan-tepe و Uchoglan (هر کدام ۲ نمونه); و چینار (۱ نمونه). بنابراین، منطقه ای که اسیدین از این منبع در آن توزیع می شود، از سایت هایی در این منطقه تشکیل شده است لبه جنوبی دشت آرات، دشت قره باغ و استپ موگان. سکونتگاه Alikemek-tepesi، که در ۲۵۰ کیلومتری شرق واقع شده است، حاشیه منطقه را در ماوراء القفقاز نشان می دهد که در آن اسیدین از Satanakar-Sevkar غالب است. بیش از ۸۵ درصد از اسیدین تجزیه شده از Alikemek-tepesi (نمونه ۶) از منبع Satanakar-Sevkar به دست آمد. با این حال، Satanakar-Sevkar ممکن است بسیار فراتر از Tran - Cau - casia توزیع شده باشد. اسیدین Satanakar-Sevkar ترکیب شیمیایی مشابهی با گروه به اصطلاح c3 ارائه می دهد که در ابتدا توسط C. Renfrew و همکارانش تعریف شد. این گروه با نمونه هایی از محوطه های نوسنگی، کالکولیتیک و عصر مفرغ اولیه یافت شده در نزدیکی دریاچه ارومیه (حاجی فیروز، یانیک تپه و کوشالی تپه) در شمال غربی ایران امروزی تعریف شد. ممکن است برخی آثار از مکان های هزاره چهارم در جنوب عراق (اولی، اوروک) و همچنین ۵ اثر از گروه B یا بیش از ۲۰ درصد اسیدین از سطوح کافتی (پایان سوم / سوم) به این گروه متصل شود. آغاز هزاره دوم) در محل ذکر شده قبلی تل ملیان در جنوب غربی ایران. بر اساس مطالعات فلورسانس اشعه ایکس انجام شده توسط J. Keller، تمام نمونه های گورستان های برنز میانی سیسیان I و Sisian II همراه با اسیدین های منبع در آتشفشان سوکار جمع شده اند. ۲۴ اثر از ۵ محوطه به همراه گروه بازنگ/کچالداغ/کلبار اول: غار زر (۱۸ نمونه); لیلا تپسی و چینار (هر کدام ۲ نمونه); و Uchoglan و سکونتگاه بدون نام (هر کدام ۱ نمونه). همانطور که می بینیم، فقط مکان هایی از کلبار و دشت قره باغ در اینجا ذکر شده است. یعنی محدوده پراکنش اسیدین از این گروه به سمت شرق منبع به طول ۸۰-۱۰۰ کیلومتر امتداد دارد. در این محدوده، اسیدین های این نهشته شامل ۱۰۰ درصد نمونه های غار زر و ۲ نمونه از ۳ نمونه از سایت چینار در لبه شرقی منطقه است. خوشه Kel'baJar II همچنین حاوی ۶ اثر بود: ۴ از Leila-tepesi؛ و هر کدام از سکونتگاه بی نام و از ماسیسی بلور. اگر نمونه های چینار را از این گروه کوچک حذف کنیم، منطقه تحت سلطه اسیدین کچالداغ به غار زار محدود می شود.

آذربایجان

قبل از سال ۱۹۹۱، آذربایجان دارای یک منبع اسیدین واحد بود، آتشفشان کلیدجار، که در ادبیات با نام کچل داغ یا مرکاسار نیز شناخته می شود. امروزه منبع در جمهوری آرتساخ قرار دارد و در زیر مورد بحث قرار گرفته است. قلمرو امروزی جمهوری آذربایجان هیچ منبع شناخته شده دیگری از اسیدین ندارد.

ترکیه

همانند ارمنستان، قلمرو امروزی ترکیه، که قسمت شرقی آن مرز غربی ارتفاعات ارمنستان را تشکیل می دهد، دارای ده ها منبع اسیدین است که در دشت های مرکزی و شرقی آن واقع شده اند. بر خلاف منابع اسیدین ارمنی، خصوصیات ژئوشیمیایی منابع ترکی، به ویژه منابع ترکی مرکزی، سابقه طولانی تری دارد و سابقه منتشر شده کامل تری دارد. از آنجایی که همه محققین باید بر اساس ادبیات موجود و مقایسه های فرهنگی جمعیت های دوران نوسنگی در خاور نزدیک، خارج از عمل (چه از نظر هزینه و چه از نظر هزینه) در مورد مرز جغرافیایی تصمیم بگیرند، تصمیم گرفتم مرز غربی را ترسیم کنم.



کارگاه اِیسیدین در امتداد دامنه شرقی کوه چیکیان

Paolo biagi and othert. Discovery of obsidian mines on Mount Chikiani in the Lesser Caucasus of Georgia. 2017

Kristine Olshansky. Obsidian economy in the armenian highlands during the late neolithic a view from masis blur. 2018.

Ekaterina V.Doronicheva and other. Obsidian Exploitation Strategies in the Middle and Upper Paleolithic of the Northern Caucasus: New Data from Mesmaiskaya Cave. 2014.

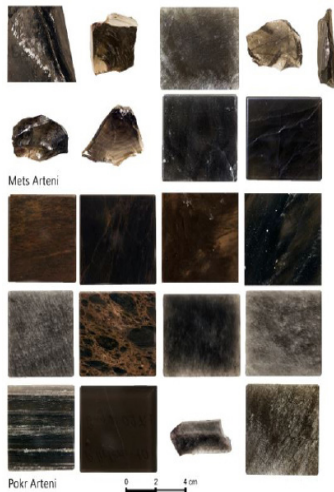
Christoph Purschwitz, Chalcolithic and Middle Bronze Age obsidian industries at Karmir Sar: A mountain view on the lithic economies of the Southern Caucasus, 2018.

Ellery Frahm and other, Caucasus connections? New data and interpretations for Armenian obsidian in Northern Mesopotamia, 2016.

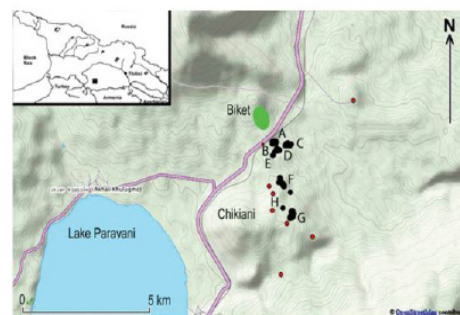
Christine Chataigner, Quantitative Approach to the Diffusion of Obsidian in the Ancient Northern Near East.



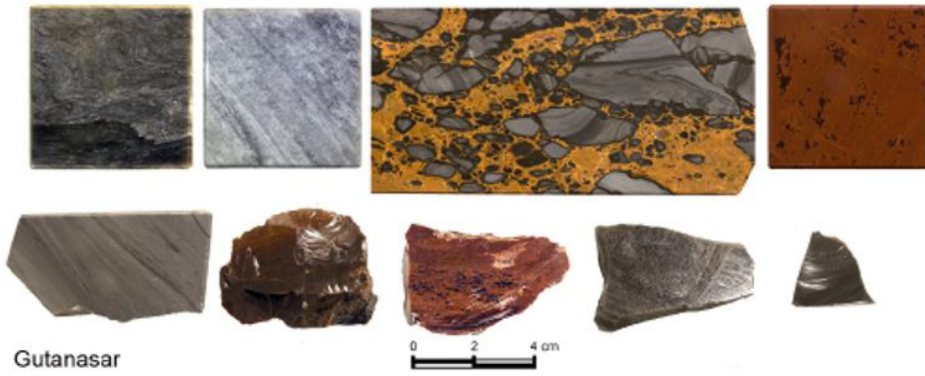
منابع اِیسیدین آرنتی (Badalyan,2004:447)



نمونه های اِیسیدین متس آرنتی،
ارمنستان (Olshansky.218:11۹)

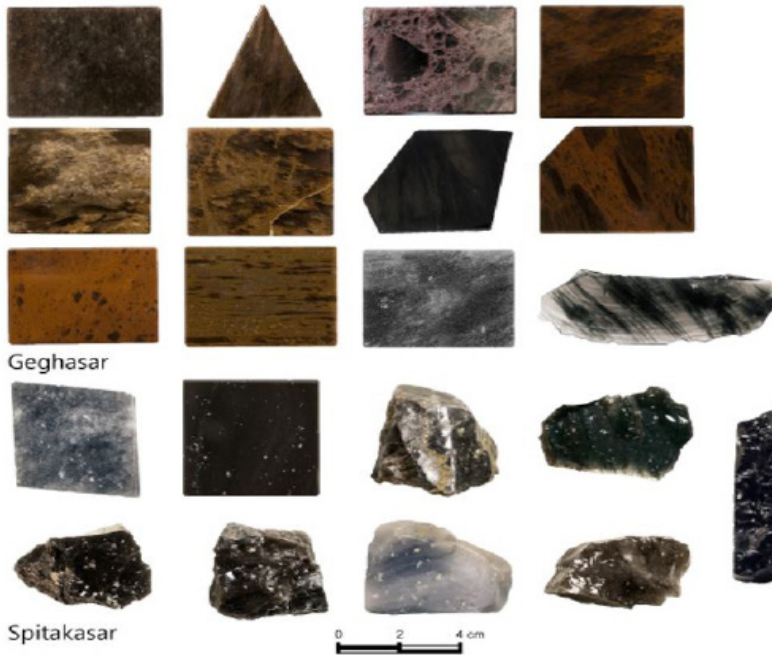


توزیع آثار باستانی ساخته شده از منبع اِیسیدین چیکیان
(Badalyan,2004:444)



Gutanasar

ابسیدین گوتاناسار، ارمنستان (Olshansky.218:120)

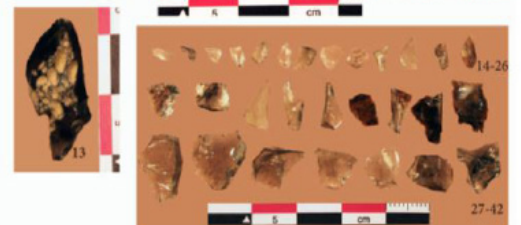
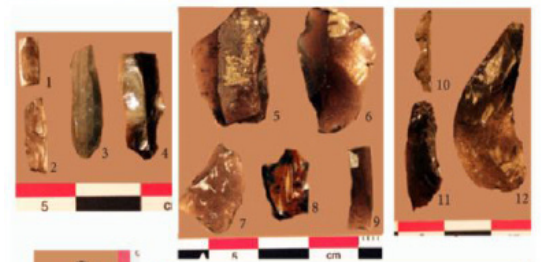
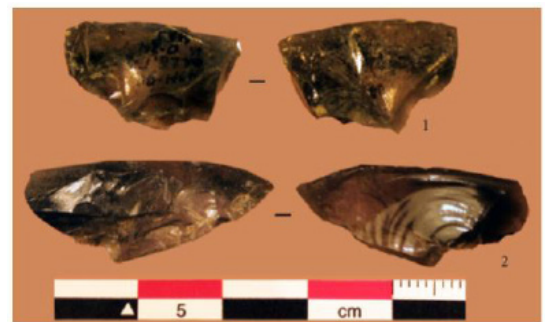


Geghasar

Spitakasar

ابسیدین از گقاسار و اسپیتاکاسار، شمال
رشته کوه گغام، ارمنستان
(Olshansky.218:112)

یافته های افسیدین غار مزمایسکایا
(Doronicheva, 2014:13)



سرهای بریده شده در آتشکده آناهیتا اصطخر از واقعیت تا افسانه

امیر امیری نژاد

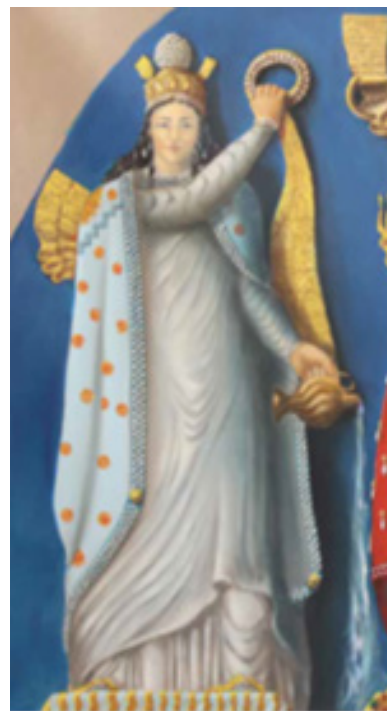
a.amirinezhad@gmail.com

چکیده:

اردشیر بابکان موبدان موبد آتشکده آناهیتا اصطخر بود که به عنوان شاه در ناحیه اصطخر حکومت میکرد او بر اشکانیان شورید و تمام سرزمین های آنان را متصرف شد و شاهان دست نشانده را به قتل رساند و آیین زرتشت را به عنوان یگانه آیین رسمی در قلمرو ساسانی رواج داد. متون اسلامی حکایت از آن دارد که اردشیر پس از پیروزی بر اردوان آخرین شاه اشکانی نواحی غربی ایران را تصرف کرده و به سمت شرق و شمال شرق ایران باستان لشکر کشید و شهرهای بلخ، خوارزم و مرو را فتح کرد و شاهان این نواحی را به قتل رساند در هنگام بازگشت به سمت خراسان، سرهای جمعی از مردم مرو را بریده و به آتشکده آناهیتا اصطخر فرستاد. در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات بصورت کتابخانه ای انجام گرفته تلاش شد که این واقعه را از دید تاریخی، باستان شناختی و جامعه شناسی دین، مورد بررسی قرار داده و دلایل رد یا قبول این رخداد مورد ارزیابی قرار دهد چنانکه پژوهش مذکور نشان می دهد این واقعه از دید تاریخی و باستان شناختی نمی توانسته در نجد ایران رخ داده باشد اگرچه شواهد جامعه شناسی دین تفسیری دیگر پیش رو پژوهشگر قرار می دهد.

واژگان کلیدی:

ساسانیان، آناهیتا، اردشیر، تاریخ طبری



تصویر ۱. بازآفرینی رنگین نقش آناهید در تاق بستان (آورزمانی، ۱۳۹۴: ۳۱)

تاریخ الرسل و الملوك يا تاريخ الامم و الملوك معروف به تاريخ طبري، توسط محمد بن جرير طبري مورخ سده سوم هجری به رشته تحریر درآمده است که از معتبرترین تواریخ دوره اسلامی است؛ نویسنده کتاب به خواننده درباره روایت های نقل شده در کتاب یادآوری میکند «اگر ناظران و شنوندگان اخبار این کتاب به برخی داستان ها و قصه ها برخوردند که عقل وجود آنها را انکار کند و سامعه از شنیدن آنها تنفر حاصل نماید، نباید بمن خرده گیری و عیبجویی کنند چه آنکه اینگونه اخبار را دیگران و پیشینیان برای ما نقل کرده اند و ما نیز آنها را چنانکه شنیده ایم در کتاب خود آوردیم» (طبری، ۱۳۸۷: ۳۰/۱).

پیشینه ی پژوهش در خصوص موضوع مطرح شده تاکنون مقالات انگشت شماری تدوین گردیده است که میتوان به مقاله توجح دریایی بنام "سرهای بریده شده در آتشکده آناهیتا، یشت فرزانیگی" و مقاله شهرام جلیلیان بنام "اردشیر بابکان و خدایانو آناهیتا" اشاره کرده که این پژوهش ها با رویکرد تاریخی و استفاده از منابع اسلامی انجام گرفته است که لزوم بازنگری در آنها امری ضروری است چرا که باید با دیدی جامع تر این موضوع مورد نگرش و نقد قرار گیرد چنانکه این تحقیق تلاش دارد با دیدی گسترده تر آن را تفسیر و مورد بحث قرار دهد.

اردشیر:

اردشیر پسر بابک پسر ساسان از نسب دارای دارایان بود. در حدود ۲۰۵م بابک بخش بزرگی از فارس را در اختیار داشت و شاپور را به عنوان ولیعهد خواند؛ شاپور در سکه هایش خود را "بغ شاپور شاه" و "پسر بغ بابک شاه" معرفی می کند اما چندی نمیگذرد که او در یک حادثه اسرار آمیز درگذشت و اردشیر بدون هیچ مانعی در سال ۲۰۸م تاج و تخت پارس را بدست آورد (محمدی فر، ۱۳۹۴: ۲۲-۲۱) و شروع به کشورگشایی کرد بطوری که اردشیر ابتدا کرمان را تسخیر کرد سپس راهی کرانه های خلیج فارس شد و آنرا به قلمروی خود منضم کرد، اصفهان و بعد از آن پادشاهی میشان را تصرف کرد و در سال ۲۲۴م اردوان را در هرمزدگان شکست داد. بعد از این پیروزی بزرگ او راهی ماد شد و بخش های شمالی و غربی آذربایجان را تصرف کرد و در سال ۲۲۶م دروازه تیسفون را گشود و بعد از تاجگذاری در تیسفون او جنگ های خونین با شاهک نشینان ایران آغاز کرد و راهی نواحی شرقی ایران شد و سیستان، گرگان، ابرشهر، مرو، بلخ و خوارزم را مطیع ساخت؛ اردشیر در سال ۲۲۹م به مرزهای غربی لشکر کشید و با روم وارد جنگ شد او به ارمنستان، سوریه و کاپادوکیه لشکر کشید. او بخش بزرگی از دوران سلطنتش را صرف نبردهای داخلی و خارجی کرد اما مهمترین اقدام او پدیدآوردن ایدئولوژی مذهبی بود که بنیان اعتقادی و وجودی ساسانیان را در برمی گرفت و همچنین اندیشه ایرانشهر به عنوان مفهومی سیاسی که هویتی نو را برای شاهان ساسانی رقم زد. اردشیر در اواخر عمر پسرش شاپور را ولیعهد و جانشین خواند و در اوائل سال ۲۴۲م از سلطنت کناره گرفت و امور مملکت را به شاپور و انهاد بعد از چندی در سال ۲۴۲-۲۴۳م از دنیا رفت (طلایی، ۱۳۸۹: ۶۷-۸۷).

آناهیتا

آناهیتا، آناهیت، آناهید، ناهید با نام کامل اردوی سورا آناهیتا (Aredvi-sura-an-ah-ita) یا *arədvī sūrā anāhīta* ایزد بانوی آنها در اساطیر ایران است که قدمت ستایش او به پیش از زرتشت میرسد؛ اردوی اسم مونث به معنی نم و رطوبت، سورا به معنای نیرومند و پهلوان است، در پهلوی "آناهید" و فارسی "ناهید" نامیده میشود که اعتقاد براین است این نام برگرفته از الهه یونانی آناهیتی (آنایتیس) است. نام آناهیتا در گاهان ذکر نمیشود این درحالی است که پس از زرتشت در یشتها مورد ستایش قرار میگردد و در یسنای ۶۳ تا ۶۹ بنام "آبزوهر" از آناهیتا سخن به میان می آید (افخمی، ۱۳۹۵: ۲۲۹-۲۳۰).

آنچه متون تاریخی و باستان شناختی تأیید می کند آنست که اردشیر بابکان موبدان موبد آتشکده آناهیتا بود که امور مذهبی را برعهده داشت و با چیره شدن بر اردوان آخرین شاه اشکانی، قدرت سیاسی و نظامی بدست آورد پس با توجه به ایدئولوژی مذهبی که داشت سعی در گسترش آیین زرتشت در ایران کرد بنابراین همه حکومت های مستقل و نیمه مستقل را در ایران یکی بعد از دیگری از میان برداشت بر طبق متون اسلامی اردشیر در لشکرکشی به مرو سرهای جمعی از اهالی مرو را بریده و به آتشکده آناهیتا اصطخر پیشکش می-کند. در این مقاله سعی می شود این اقدام اردشیر را از دید تاریخی، باستان شناختی و جامعه شناسی دین تفسیر کرد بنابراین از دید تاریخی حوادث قبل و بعد از اردشیر در متون تاریخی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در زمینه باستان شناسی مدارک مرتبط با آیین قربانی برای ایزدان بازنگری خواهد شد و جامعه شناسی دین به عنوان مبحث نظری این پژوهش در قالب ریشه یابی قربانی در ادیان زرتشتی، یهودیت و ادیان شرق ایران (هندوستان) مورد بررسی قرار خواهد داد تا بتوان دلایل رد یا قبول عمل قربانی انسانی توسط اردشیر را با دیدی جامع تر تفسیر کرد. قربانی کردن به عنوان آیینی دینی و اسطوره ای در میان همه فرهنگ ها وجود داشته است؛ امیل بنونیست معتقد است که در متون مورخان یونانی قربانی و فدیة های فراوانی نثار آناهید می شده است (بنونیست، ۱۳۷۷) و استرابو ذکر میکند که "ایرانیان وقتی برای آب قربانی می کنند، نزدیک دریاچه یا رودخانه یا چشمه ای می روند و در نزدیکی آن گودالی حفر می کنند و آنگاه قربانی را ذبح کرده و بسیار مراقب اند تا آب با خون آلوده نشود" (استرابو ۱۳۸۲: ۳۲۴). ماکس وبر معتقد است روند تغییر از قربانی انسانی و جایگزینی آن با قربانی حیوانی نشاندهنده عقلانی شدن ادیان است (اسلام، ۱۳۹۴: ۶۶-۶۷). آنچه در این مقاله می توان به آن نیل یافت آن است که با توجه به جامعه شناسی دینی و تاریخ ادیان و تاریخی سیاسی عمل سربریدن جمعی از مردم مرو و فرستادن آن به آتشکده اصطخر توسط اردشیر دور از انتظار نیست اما داده های باستان شناختی سربریدن انسان و بالاخص اسیران جنگی را نشان میدهد و از همه مهم تر اینکه سربریدن و قرار دادن آن در معرض دید را امری نمادین، پیروزمندانه و جهت خشنودی خدایان می شمارد اما در ارتباط مستقیم با قربانی انسانی در نجد ایران شواهدی در دست نیست؛ بنابراین ضرورت بررسی جامع در این زمینه امری ضروری است چرا که نویسندگان معاصر تنها به دلایل نظریات پیرامون تاریخ ادیان به بررسی موضوع پرداخت و آنرا به عنوان واقعه قطعی مطرح می کنند.



در یکی از این حملات است که شلمنصر سوم قتل عام وحشتناکی را در معبد بالوات نزدیکی موصل انجام می دهد که در این معبد به وضوح سرهای بریده شده را در قسمت های مختلف معبد آویزان می کند (تصویر ۲).

در این نقش برجسته ریختن خون و قطع کردن اعضای بدن انسان را در مقابل معبد به تصویر میکشد این سوال را مطرح میکند که آیا شلمنصر سوم به منظور ایجاد رعب و وحشت این اقدام را انجام داده است یا اینکه در مقابل معبد این افراد را قربانی کرده و اعضای بدن آنها را در داخل معبد آویزان کرده است. شلمنصر سوم در شهر Upumu در جنوب غربی وان باردیگر دست به قتل عام میزند؛ در این لشکرکشی شهر به تصرف آشوریان درآمده و قلعه با تعداد زیادی از سرهای بریده تزیین میشود بطوری که هرمی از سرهای انسان در مقابل قلعه ایجاد میشود (تصویر ۳).

در نقوش برجسته های دوره آشورانیپال به وضوح عمل بریدن سر شاهان مغلوب را میتوان دید، نکته جالب توجه در این نقش تصویر سر بریده شاه ایلام "بنام ت-اومان" است که بر روی یک درخت قرار داده شده و آشورانیپال در حال بار دادن و ضیافت است (تصویر ۴). در کتیبه ای از آشورانیپال میخوانیم که برای خشنودی خدایان اسیران جنگی را قربانی میکند، در این کتیبه او ذکر میکند "... کسانی که دهانشان را بر خلاف آشور رب ایراب و بر ضد من من آنها را در گودالی انداختم اعضای آنان را بریدم... و با اجرای این مهم قلب خداوندان معظم خود را شاد و مسرور گرداندم" (ماله ۱۳۴۲: ۸۲) در قرن هفتم پیش از میلاد، نمونه ی از قربانی انسانی در تاریخ بین النهرین ثبت شده است و آن زمانی بود که مرگ پادشاه در هنگام کسوف پیش بینی شده بود، بدین ترتیب شاه و ملکه ای موقتی انتخاب شدند، در یک دوره صد روزه با این دو به طور نمادین به صورت شاه و ملکه (بدون اعطای هر گونه قدرت سیاسی) رفتار شد و سپس، در هنگامی که مرگ پیش بینی شده بود، طی مراسمی کشته شدند (Blak, 1992: 105) در ایلام شرایط به گونه دیگر بود بطوری که مدارک قطعی از قربانی انسانی بدست نیامده است؛ همچنین شواهد باستان شناختی در نجد ایران از دوره ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی فاقد هر گونه مدارک مستندی از سربردن انسان است بطوری که نقشه برجسته یا تصویری حاکی از این رخداد بدست نیامده است. اگرچه هرودوت ذکر میکند که همسر خشایارشا دستور داد ۱۴ تن از فرزندان نجیب زادگان پارسی را به افتخار ایزدی ۸ که اعتقاد دارند در زیر زمین است زنده به گور کردند (Tylor, 1829, 167) با قاطعیت میتوان این نوشته هرودوت را مردود دانست چراکه تقدیم قربانی برای ایزد زیرزمین دور از ذهن است. از طرفی میدانیم که داریوش شاه از هاملیکار (Hamilkar) شاه کارتاژ میخواهد که رسم قربانی انسانی را کنار بگذارد (فاطمی بوشهری، ۱۳۸۸: ۶۱؛ هینز، ۱۳۸۵).

پرکاربردترین صفت آناهیتا "سورا" است چنانکه گفته شده به معنی نیرومند است، نیرومندی او در مبارزه و جنگاوری با نیروهای اهریمنی متجلی است در واقع این صفت ۷۱ بار در آبان یشت تکرار شده است که از جمله در بندهای ۹-۷۷-۸۸-۹۰ و ۹۴ ذکر شده است. به واسطه این صفت بود که ستایش کنندگان از آناهیتا حاجت می خواهند تا بر دشمنان خود پیروز شوند. در آبان یشت چهره جنگجوی آناهیتا یادآور خدای میانرودانی اینانا- ایشتار است که خدای باروری و جنگ بود؛ و در دوره هخامنشی در ارمنستان، کاپادوکیه و پونتوس آناهید با خدایان محلی مورد پرستش قرار می گرفت (جلیلیان، ۱۳۹۷: ۴۷). آناهیتا و سرسوتی هندی هر دو از یک ایزدبانوی هندو اروپایی شکل گرفته اند به عبارتی آناهیتا مترادف سرسوتی الهه هند باستان است (ایونس، ۱۳۷۳: ۱۵۸؛ دوشن-گیمن، ۱۳۸۱: ۲۳۶؛ 405: Dumezil, 1952).

بروسوس (مورخ و پیشوای معروف بابل در قرن ۳ ق.م) نقل می کند در دوره اردشیر دوم هخامنشی ۴ در سراسر ایران نقوشی آیینی بخصوص تندیس هایی از آناهیتا برپا شده و مورد پرستش بوده است (بریان، ۱۳۸۱: ۱۰۶۶). این درحالی است که هرودت از احترام مفراطی ایرانیان به آتش سخن می گوید اما آنها را آتش پرست نمی خواند (مقدم، ۲۵۳۷: ۴۷؛ Herodotus, III, 16)، ویکاندر معتقد است هرودت آناهیتا را نمی شناخته است چرا که او می نویسد ایرانیان تندیس خدایان را نداشته و معبدی برای آنان نساخته اند این در صورتی است که آناهیتا هم پرستشگاه داشته و هم برای او تندیس هایی ساخته بودند (wikander, 1946: 56)؛ پلوتارک نقل می کند شاه جدید (اردشیر دوم هخامنشی) رهسپار پاسارگاد شد و در معبد ایزدبانوی جنگ مراسم سلطنت را برگزار کرد و شاهان به هنگام جلوس به این معبد میروند و لباس کوروش را بر تن می کنند آنگاه شیره انجیر می خورند و چوب درخت سرو می چوند و کاسه دوغ می نوشند، پلوتارک در ادامه می افزاید در معبد آناهیتا در هگمتانه دوشیزگانی به کمال پاکدامنی خدمت می کردند و در این معبد برای آناهیتا قربانی می شد و آتش آن جاودان بوده است (زیرین کوب، ۱۳۹۳: ۱۱۱؛ Plutarch XI, 27).

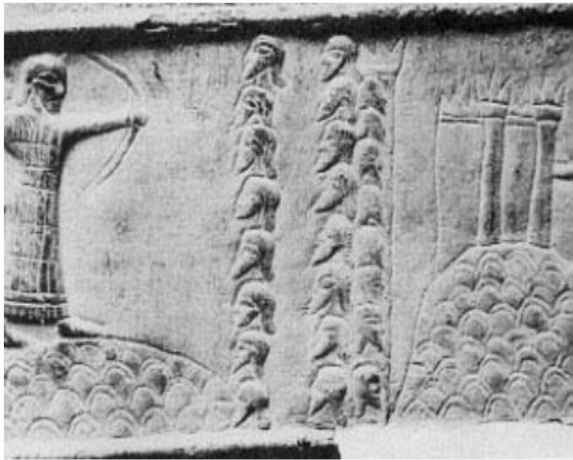
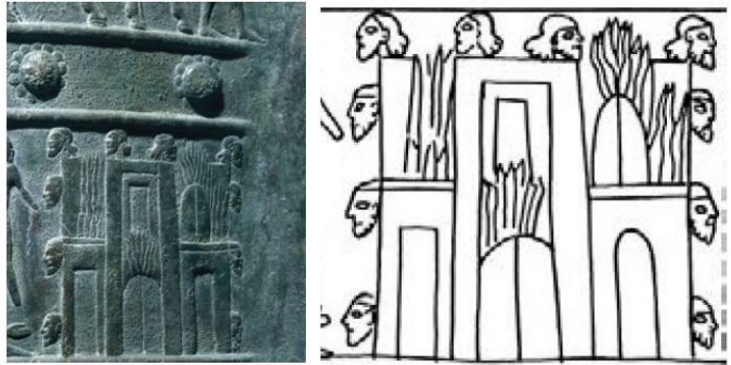
زمان اشکانیان دوره شکوفایی پرستش آناهیتا است، که تیرداد اول اشکانی در معبد آناهیتا تاجگذاری کرده و در این دوره ساختن مجسمه های آناهیتا اغلب بصورت برهنه رواج پیدا می کند که از مراکز ساخت این مجسمه ها خوزستان بوده است (افخمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳۴). به گزارش هرتسفلد آتشکده ای از فرتکه بدست آمده که دارای کتیبه هایی است که به زبان یونانی نام های زئوس ماگیستوس به جای اورمزد و نام آپولون و هلیوس به جای میتره و نام آرتیمس و آتنا به جای آناهیتا درج شده است (Eerzfeld 1941, 275)، دیودور سیسیلی معتقد است که گرامی ترین ایزد پارسیان آرتیمس پارسی یا همان آناهیتا است (Diodore, V, 77).

شواهد باستان شناختی

عمده ترین شواهد باستان شناختی در ارتباط با سربردن و قربانی کردن در دوره آشور بدست آمده است؛ شلمنصر سوم (۸۲۴-۸۵۸ ق.م) در طول فرمانروایی بر آشور در سال شانزدهم و بیست و چهارم سلطنت خود در مجموع پنج بار با قسمت های شرقی و شمالی قلمرو آشور وارد جنگ شد؛ شرح جنگ ها و لشکرکشی های او مانند سایر شاهان آشور بصورت نقش برجسته ثبت و ضبط شده است.

تصویر ۲. معبد

Balawat : Pinches, 1902; Schachner, 2007: 300-338



تصویر ۳. شهر

Upumu: Bleibtreu, 2002: 6; Luckenbill, 1927; 584



تصویر ۴. پیروزی آشوریانیپال بر شاه ایلام (مجیدزاده، ۱۳۸۰: عکس ۵۳۸-۵۳۷)

قربانی (پیشکشی)

ناگفته پیداست پیشکش یا قربانی از سه وجه خارج نیست که شامل اشیاء، حیوان و انسان است، دو نوع قربانی اول برای عموم متداول بوده و تا امروز نیز انجام میشود اما قربانی انسانی که موضوع این مقاله است روندی جداگانه دارد بطوری که قتل و کشتن انسان به ویژه اسیران به منظور جلب رضایت خدایان و یا فرونشاندن خشم آنها، انجام میشد (میران، ۱۳۵۳: ۱۹۵-۲۰۱) در واقع قربانی اسیران جنگی عملی متداول بوده است که در میان اقوام گذشته انجام میشد (آقای میبیدی، ۱۳۹۰: ۱۱۷-۱۴۲)

با گذر از ادیان ابتدایی و آغاز عقلانی شدن ادیان، نقطه عطفی در تاریخ بشر رقم خورد بطوری که در دوره هخامنشی دین مزدیسنا به وضوح نمایانگر عقلانی شدن ادیان در ایران بوده است، در دین مزدیسنا خدایان همطراز اهورامزدا مطرح است و در آن از چند خدایی با برتری خدا واحد سخن به میان می آید (بالدیک، ۱۳۷۷: ۷۹) و در این دوره، مزدیسنا دین قالب بود که زرتشت به صراحت با آن مخالف بوده و در گاهان از خدای یکتا سخن به میان می آورد اما در دوره ساسانی باردیگر خدایان همطراز اهورامزدا مطرح میشود و آناهید همطراز اهورامزدا گردید، در نتیجه باردیگر گرایش به مزدیسنا در دوره ساسانی آغاز میشود (عبدالهی، ۱۳۶۹: ۱۵۸-۱۵۵)، در سنگنوشته کرتیر به صراحت از قربانی برای آتش بهرام سخن رفته که زرتشت قربانی را امری مضموم و ممنوع میدانست از طرفی این کرتیر است که در سنگنوشته خود ازدواج همخوانی را روا میدارد درحالی که در گاهان این امر نیز ممنوع بوده است (عریان، ۱۳۸۲: ۱۷۴-۱۹۴)، میتوان نتیجه گرفت که دین زرتشتی دوره ساسانی ادامه مزدیسنا هخامنشی است به عبارتی دیگر خدایان و اساطیر باستان، در ارتباط با ادیان شکل میگیرد و در ذهن و فکر مردم ریشه دارند در نتیجه نمیتواند به یکباره حذف شود (حذف شدن چندخدایی توسط زرتشت) بلکه در لایه های ژرف تر دین جدید بازتولید میشود و با انطباق خود با مسائل و مضامین تازه حیاتی نو از سر میگیرد، بطور کلی مطالعه تاریخ ادیان نشان میدهد که پس از مرگ پیامبر هر دینی، آیین او شاهد تغییر در آموزه های اولیه میشود و گذشته تاریخی مردمان آن دیار باردیگر بازتولید میشود.

به روایت متون اسلامی، اردشیر بابکان در پاسخ به نامه اردوان او را تهدید میکند که سر و گنجینه های او را، به آتشکده آناهیتا پیشکش میکند؛ همچنین در این متون آمده است که اردشیر سرهای بریده جمعی از مردم شهر مرو را به آتشکده فرستاده است. پورداود در کتاب یشت ها می نویسد در سال ۳۴۰م سرهای شهدای عیسوی در آتشکده اصطرخ آویخته بودند (پورداود، ۱۳۷۷: ۱۷۲) همچنین گیمن در کتاب دین ایران باستان به نقل از ویکاندر می آورد که شاپور دوم، سرهای بریده چندین مسیحی را به آتشکده آناهیتا در اصطرخ پیشکش می کند (دوشن گیمن، ۱۳۸۱: ۳۴۵-۳۴۴). حال این سوال پیش می آید که آیا اردشیر این پیشکشی را انجام داده است و از قربانی انسانی برای رضایت و خشنودی آناهیتا استفاده کرده است؟ برای پاسخ به این سوال نیازمند بازگشت به گذشته تاریخی قبل از اردشیر بابکان هستیم. چنانکه گفته شد رسم قربانی انسانی عملی رایج در میان ملت های جهان قدیم بوده است؛ بطوری که مادران کارتاژی با افتخار کودکان خود را تقدیم مولخ (یا کروئوس یا خدای زمان) خدای ملل سامی میکردند و فرزند خود را ذبح کرده و می سوزانند (پیرنیا، ۱۳۴۲: ۱۴۵۵)، هنگامی که سپاه یونان برای فتح تروا اعزام می شود در دریا با طوفانی عظیم مواجه شده و برای در امان ماندن از طوفان و جلوگیری از خشم آرتمیس الهه شکار و خشم، دوشیزه ای از خانواده شاهی را برای الهه قربانی میکنند (همیلتون، ۱۳۷۶: ۲۴۸) همچنان انجام قربانی کردن انسان در بابل، کنعان و در میان اعراب قبل از اسلام وجود داشت (آشتیانی، ۱۳۶۸: ۲۹۳) فریزر داستانی از فیلولی بیبلیوسی در مورد یهودیان نقل میکند که در آن شاه برای کفار ارواح خبیث بخاطر مردمش، جوانی را که عموما پسر شاه یا فرمانروا بود، در ضمن آیینی اسرارآمیز قربانی میکردند، در میان مردم فینیقی رسم ذبح انسان برای خدای بعل وجود داشت همچنین کنعانیان نیز رسم سوزاندن فرزندان برای خدای بعل و مولوک را مرتباً اجرا میکردند، در یونان رسم قربانی انسان را ابتدا شاه انجام میداد

قربانی کردن رفتاری دینی-اجتماعی است که از ارکان آیین های کهن است که در میان اقوام و فرهنگ ها به انواع شیوه ها انجام می گرفت و وجه مشترک تمام آنها تقدس و متعالی بودن قربانی کردن است (اسلام، ۱۳۹۴: ۶۷). واژه قربانی در فرهنگ های مختلف متفاوت است اما این واژه ها مفهومی واحد را در نظر دارند؛ در واقع این واژه ها اشاره به این دارد که قربانی نوعی فرآیندی مقدس است که در جریان آن چیزی تقدیس می شود، در سنسکریت برای قربانی واژه "یجنه Yajna" آمده است که Yaj به معنی "تقدیم کردن" است و در آلمانی Opfer که احتمالاً از واژه لاتین Offerre به معنی "تقدیم کردن و هدیه دادن" گرفته شده است (Tylor, 2003: 2-3)

ناگفته پیداست اولین معنایی که با شنیدن نام قربانی در ذهن یک فردی با فرهنگ ایرانی یا فردی معتقد به ادیان ابراهیمی میرسد، ذبح یک حیوان است حال آنکه این مفهوم دارای صورتهای بسیار گوناگون است؛ دهخدا ذیل واژه قربان مینویسد "قربان: عید اضحی، گوسفندکشان، روز دهم ذی حجه الحرام است" (دهخدا، ۱۳۷۳) و در دایره المعارف دین، اصطلاح قربانی را عملی مذهبی میداند که در آن چیزی یا چیزهایی از مایملک شخص خارج شده و به خدا یا یک نیروی فوق طبیعی اختصاص داده و تقدیم میشود (Henninger, 1987: 554) بنابراین قربانی صرفاً کشتن یک حیوان نیست، از طرفی هرچه ارزش آنچه که برایش قربانی میکنیم بیشتر باشد، ارزش آنچه که قربانی میشود نیز بالاتر میرود (لاجوردی، ۱۳۸۹: ۱۴۹) در نتیجه انسان به منظور جلب رضایت و یاری خدایان، پرستش و ستایش آنان را آغاز کرده و تقدیم هدایا و قربانی را از وظایف خود می-دانست (ناس، ۱۳۷۰: ۲۲).

سوالی که مطرح میشود آن است که هدف از قربانی چیست؟ هدف از قربانی را میتوان در سه مورد خلاصه کرد که شامل شکرگزاری، به نیت مکافات عمل و هدف سوم برای ممانعت از انجام عملی یا رویدادن امری (ابتدا قربانی انجام میشود پس منتظر نتیجه قربانی میشوند که یا عبور از خطری است یا به وقوع پیوستن امر خیری) انجام میشود (لاجوردی ۱۳۸۹: ۱۴۲)؛ اما در ایران باستان، پیشکشی یا قربانی به چهار دلیل انجام میشد: جاودانگی و شهریاری مینوی، بهره ور شدن از دارایی خویش، بخشیدن خوراک نکاستنی و پیروزی بر دشمن (سلطانی، ۱۳۹۲: ۱۱)؛ منطقی ترین مراحل قربانی را تایلور ۱۱ بیان میکند از نظر او قربانی به عنوان تقدیم هدیه به موجود برتر (سوزاندن یا غرق کردن) مطرح است یا قربانی برای خدایان به مثابه انسان و کرنش در برابر او انجام میگرفت و نهایتاً مرحله فداکاری و پیشکش یک نفر بجای یک جامعه یا یک حیوان بجای انسان، مطرح میشود که در این مرحله هدف نهایی منفعت قربانی کننده را در بر دارد (Tylor, 2003: 13)

آنچه از هدف قربانی کردن برمیآید آن است که بطور عمده قربانی یا به عنوان درخواست یا تکریم و کرنش انجام میشود، به عبارتی دیگر آنچه که قربانی میشد خواه انسان و خواه حیوان، گیاه، خوراک و یا هر چیز دیگر نشان از اعتقاد فرد به قدرتی ورای قدرت خویش بود که میتوانست به او کمک کند یا به او آسیب برساند (لاجوردی ۱۳۸۹: ۱۶۲)؛ این اعتقاد سرچشمه انسان انگاری خدا بود که همواره برای عامه جذابیت بیشتری از تفکرات انتزاعی داشت و مردمان عادی دوست دارند نیاز خود را به خدا با دادن پیشکش و قربانی بیان کنند (عدلی ۱۳۸۷: ۱۳۳).

بطوری که در بندهای ۱۷-۳۷-۶۱-۴۹-۸۱-۶۲-۶۳-۷۶-۱۰۴-۱۱۲-۱۰۸-۱۱۶ در کنار آب (رود، رودخانه، دریا و...) پهلوانان و شاهان با اهدای قربانی آناهیتا را ستایش میکنند (محمود زهی، ۱۳۹۵: ۱۵۷) و در بند ۲۲ از کرده هوشنگ پیشدادی در مقابل قربانی برای آناهیتا از او درخواست میکند بر همه کشورها غلبه کند تا دیوان بزرگ (دیوان مازندران) و دروغ پرستان "دروندان" پرشهو و فرمانروایان ستمگر را بکشد ۲۱ (مولای، ۱۳۹۲: ۶۰؛ گویری، ۱۳۷۲: ۵۵).

ناگفته پیداست که در متون آبان یشت به صراحت عامل خشنودی آناهیتا را نثار قربانی حیوانی برای او معرفی میکند اما این سوال پیش می آید که در سایر ادیانی که در دوره ساسانی وجود داشتند نسبت به قربانی چه آیین و رسومی داشتند، آنچه که میدانیم در این دوره یهودیان در بابل، خوزستان، همدان و اصفهان پیروان زیادی داشتند و همچنین مانوی، مهرپرستی و زوانی نیز موجودیت داشتند (عبدالهی، ۱۳۶۹: ۱۸۹-۱۸۸).

در آیین یهودیت واژه *korban* مترادف قربانی است که به معنی تقرب به خدا است (Birnb 1995:550; Dan, 2007:649) و منشاء آن در یهودیت امر الهی و برای خشنودی خدا است (آقای، ۱۳۹۱: 55).

تاریخ قربانی در عهد عتیق در کتاب تورات چنین میخوانیم، اولین قربانی مربوط به هابیل و قابیل ۲۲ (پیدایش ۴: ۳-۴) دومین قربانی توسط نوح انجام گردید که طبق کتاب مقدس پس از طوفان نوح قربانگاهی ساخت و برای خدا قربانی کرد و بوی آن به مشام بهوه رسید (پیدایش ۸: ۲۰-۲۱) و سومین قربانی را ابراهیم انجام داد (پیدایش ۲۲: ۱-۱۳). جلال الدین آشتیانی معتقد است تنها قربانی که میتوان به مردم صحراگرد و کوچرو نسب داد، ذبح بره است و در ده فرمان که مهمترین دستورات پایه بهوه است سخنی از قربانی نیست (آشتیانی، ۱۳۶۸: ۲۸۴-۲۸۶) این درحالی است که در کتاب مقدس به صراحت بنی اسرائیل را از آمیزش با فرهنگهای بیگانه ۲۳ که به قربانی انسانی میپردازد نکوهش میکند (لاویان ۲۰: ۱-۳؛ لاویان ۱۸: ۲۱؛ لاویان ۲۰: ۵-۲؛ تثنیه ۱۲: ۳۱؛ مزامیر ۱۰۶: ۳۹-۳۸؛ اشعیا ۵۷: ۳-۷؛ ارمیا ۳۱) و در مزامیر، اشعیا و ارمیا گزارشهای متعددی از قربانی انسانی نقل شده که مورد نکوهش حضرت داوود قرار گرفته است (مزامیر ۱۰۶: ۳۸-۳۹ و اشعیا ۵۷: ۳-۷ و ارمیا ۳۱).

بنابر گزارشهای مزامیر، اشعیا و ارمیا، قربانی انسانی امری معمول بوده که در کتاب مقدس بارها از آن سخن به میان رفته است، در کتاب عهد عتیق (تثنیه، ۱۸: ۱۳-۹) موسی به قوم خود یادآوری میکند که وقتی وارد سرزمین موعود شدید مثل آنان بچه های خود را قربانی نکنید (اسلام، ۱۳۹۴: ۷۸) و در مزامیر (۱۰۶: ۳۴-۴۲) آمده است که اسرائیلی ها پسران و دختران خود را برای بت های کنعان ریختند و زمین موعود را با خون آنها ناپاک ساختند (اسلام، ۱۳۹۴: ۷۹). روایات های قربانی انسانی ۲۴ در تورات نشان میدهد که این نوع قربانی در میان اقوام سامی وجود داشته و برای آنان پذیرفته و قابل احترام بوده است بطوری که ابراهیم برای قربانی کردن پسرش هیچ تردیدی ندارد، در تورات (داوران، ۱۱: ۳۰-۳۹) داستان قربانی یفتاح مطرح میشود که به مناسبت پیروزی بر عمونیان دخترش را قربانی خدا میکنند (اسلام، ۱۳۹۴: ۷۶-۸۰). در ادیان زرتشتی، یهودیت به وضوح میتوانیم در کتاب آسمانی آنان و گفتار پیامبران این ادیان قربانی انسانی را امری مذموم و ممنوع مطرح میکنند ببینیم اما با توجه به سابقه تاریخی قربانی انسانی این نوع قربانی در لایه های ژرف تر دین جدید بازتولید شد و با انطباق خود با مسائل و مضامین تازه حیاتی نو از سر میگیرد.

ابتدا شاه انجام میداد بطوری که شاه برای حفظ کشور، خود را، برای خدایان قربانی میکرد اما بعدها شاه این قربانی شدن را به پسر ارشدش منتقل کرد (فریروز، ۱۳۸۶: ۳۲۶-۳۲۷)؛ از طرفی برهن های هند در مراسم یجنه، نوعی قربانی انجام میدهند که در این مراسم چهار نوع قربانی وجود داشت، از جمله انسان، قربانی میشد که قربانی انسانی را *nara-medha* / *purusa-medha* مینامیدند (لطیف پور، ۱۳۹۴: ۵۹-۶۱). در فرقه پشوپتی در هندوستان مراسم قربانی انسانی، افراط در مسائل جنسی و نوشیدن شراب در جمجمه انسان رواج داشت (شمس، ۱۳۹۶: ۱۷۸) همچنین در میان اقوام دراویدی هندوستان برای باروری و حاصلخیزی خاک در مقابل ایزدان، انسان را قربانی میکردند که نمونه بارز آن را در مراسم قربانی انسانی برای همسر شیوا (ایزد کالی) میتوان دید (ایونس، ۱۳۷۳: ۱۴-۴۳-۱۷۱) معمولاً در هند با هدف پیروزی بر دشمن در جنگ ها از اسرای جنگی برای قربانی استفاده میکردند و قربانی را در کوهستان یا مکان های مرتفع دورافتاده انجام می دادند بطوری که راجه ها قربانی ها را گردن میزدند و سر آنها را در مقابل مجسمه خدایان می آویختند (لطیف پور، ۱۳۹۴: ۶۶).

قربانی در ادیان خاورمیانه

آیین های کهن آریایی مربوط به قربانی در آیین یجنه یا یسنه ۱۵ ایرانی (یسنه به معنی نیایش و قربانی است که واژه های یزشن و جشن ایرانی از آن مشتق می شود) نمود دارد (عدلی، ۱۳۸۷: ۱۱۲). زرتشت در خلال اصلاحات خود توانست برای مدت کوتاهی رسم قربانی خونی را در ایران از بین ببرد؛ اما بار دیگر رسم قربانی در دوره هندوایرانی در دوره پسا زرتشت مرسوم شد (لطیف پور، ۱۳۹۴: ۶۸). زرتشت اگرچه به خدایانی چون میترا و آناهیتا سرستیز داشت و آنها را در مقابل اهورامزدا می دانست، شدیداً با آنها مخالفت ورزید لیکن دیربندی و اهمیت این خدایان نزد مردم عامه سبب شد که پس از زرتشت بارگرد این خدایان بازسازی و تعدد شوند (افخمی، ۱۳۹۵: ۲۲۹). در گاهان زرتشت با قربانی و نوشیدن هئومه مخالف است این در حالی است که در یسنه، این دو عمل مهمترین اجزای آیین یسنه است که زرتشتیان قرن هاست آنرا انجام میدهند (دوشن گیمن، ۱۳۸۳: ۲۳-۲۶).

یشت پنجم اوستا بنام آبان یشت است که دارای ۳۰ کرده یا پاره و ۱۳۲ بند است و پس از فروردین یشت و مهر یشت قرار دارد (محمود زهی، ۱۳۹۵: ۱۴۱-۱۴۲). چنگیز مولایی معتقد است که آبان یشت دارای عالی ترین قطعات غنایی در توصیف یکی از ایزدبانوان کیش کهن ایرانی است (مولایی، ۱۳۹۲: ۱). در این یشت که مختص آناهیتا است در بند ۱۳ آناهیتا را چیره شونده بر کینه های همه کینه ورزان، دیوان، مردمان، جاوان، پریان، فرمانروایان ستمگر، کوی ها و کرب ها معرفی می کند (محمود زهی، ۱۳۹۵: ۱۴۷) و همچنین در این یشت می خوانیم "آناهیتا کسانی را که به او پیشکش کنند کامران می سازد، پهلوانانی چون فریدون، گرشاسب و... حتی ضحاک و افراسیاب برای این ایزد بانو قربانی می کنند تا آناهیتا به آنها یاری برساند" (معینی سام، ۱۳۹۰: ۳۲۲؛ عبدالهی، ۱۳۶۹: ۱۶۳، گویری، ۱۳۷۲: ۴۷-۶۷).

از ۱۳۲ بند آبان یشت، بندهای ۱-۱۵ در توصیف و مدح ایزدبانوی آناهیتا و ۱۷-۱۹ ستایش آناهیتا توسط اهورامزدا و ۲۱-۸۳ در ستایش شاهان اساطیری و پهلووانی پیش از زرتشت از آناهیتا و برخورداری از لطف او، و ۸۴-۹۶ مدح و ثناء آناهید و ۹۷-۱۱۸ ستایش نامداران معاصر زرتشت از آناهیتا و نهایتاً بندهای ۱۱۹-۱۳۲ در تعریف، توصیف و درخواست یاری از آناهیتا مطرح می شود (محمود زهی، ۱۳۹۵: ۱۴۲؛ تفضلی، ۱۳۷۶: ۵۰؛ جلیلیان، ۱۳۹۷: ۴۳).

اهدای قربانی یکی از روش های خشنودی آناهیتا است که در آبان یشت، بند ۹۱ مورد اشاره میشود. اما در آن از شیوه ی قربانی ذکری به میان نیامده است و فقط از تعداد قربانی سخن رفته که شامل اسب نر، گاو و گوسفند است (گویری، ۱۳۷۲: ۵۵-۶۶).

نتیجه گیری

طبری روایت میکند که اردشیر سرهای جمعی از مردم مرو را بریده و سرهای آنان را به معبد آناهیتا فرستاد، سوال مهم این تحقیق آن است که تا چه میزان روایت طبری مبنی بر این که اردشیر این نوعی پیشکش را به عنوان قربانی انسانی انجام داده است، صحت دارد؟ در این پژوهش تلاش شد تا مدارک و مستندات مرتبط با جامعه شناسی دین، متون تاریخی و مدارک باستان شناسی در ارتباط با پدیده قربانی انسانی مورد بررسی قرار گیرد در نتیجه آنچه در این مقاله به آن رسیدیم آن است که با توجه به شواهد و مستندات جامعه شناسی دینی آنچه در ادیان مرتبط با این دوره زمانی میتوان مورد کنکاش قرار داد، در ادیان هندو و یهودیت مطرح میشود؛ چنانکه در ادیان هندو قربانی انسانی در فرقه های کهن شیوا از جمله کاپالیکا و کلاموکا برای ایزدانوی کالکی انجام میگرفت؛ و در کتاب مقدس، به صراحت بنی اسرائیل را از آمیزش با فرهنگهای بیگانه که به قربانی انسانی میپردازند نکوهش میکند؛ همانجا که در کتاب عهد عتیق موسی به قوم خود یادآوری می-کند، که وقتی وارد سرزمین موعود شدید... مثل آنان بچه های خود را قربانی نکنید. درویکرد متفاوت با ادیان یاد شده در متون مرتبط با دین زرتشت، به صراحت در گاهان که قدیمی ترین بخش اوستا است هرگونه قربانی خونی مذموم شمرده شده و در آبان یشت که مرتبط به ایزد آناهیتا است تنها از قربانی های حیوانی سخن به میان می آید؛ لذا بنابر موارد یاد شده، انجام قربانی انسانی از منظر جامعه شناسی دینی توسط اردشیر با توجه به متون زرتشتی عملی ناپسند و مذوم بوده، و انجام آن دور از ذهن است؛ اگرچه این پدیده در سرزمین های همسایه ساسانیان انجام میگرفت. با بررسی متون تاریخی مرتبط با این پدیده نمیتوان شواهدی از مدارک پهلوی میانه و صدر اسلام یافت که چنین قربانی را تایید نماید. بدین منظور در این پژوهش، متون پهلوی "خودای نامگ"، "تاج نامگ"، "آیین نامگ"، "مادیان هزار دادستان"، "کارنامه اردشیر بابکان"، "نامه تنسر" و متون صدر اسلام از جمله "سیر الملوک الفرس از ابن مقفع"، "تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیا از حمزه اصفهانی"، "التاج فی أخلاق الملوک از عمرو بن بحر" و "فارسنامه از ابن بلخی" در این مورد خاص مورد بررسی قرار گرفت که شواهدی از این پدیده مطرح نشده است. همچنین فقدان مدارک باستان شناسی در نجد ایران خود اثباتی در رد ادعای طبری مبنی بر قربانی انسانی توسط اردشیر برای الهه آناهیتا است و نمیتوان شواهد باستان شناسی بین النهرین مربوط به دوره آشور که از نظر زمانی با دوره مورد بحث فاصله زیادی دارد، را ملاکی بر وقوع این پدیده در این دوره دانست چراکه در ادوار بعد از آشور همچون هخامنشیان، سلوکیان و اشکانیان شواهد باستان شناسی از قربانی انسانی وجود ندارد.

پینوشت

بر سینه اسب اردشیر درکتیبه نقش رستم آمده است " این است پیکر بغ مزدپرست، خدایگان اردشیر شاهان شاه ایران که چهر از ایزدان دارد، فرزند خدایگان پاک شاه " (اکبرزاده، ۱۳۸۵: ۲۵)

در سال ۲۲۴م اردشیر در دشت هرمزدگان اردوان پنجم آخرین شاه اشکانی را مغلوب کرد(دربایی، ۱۳۹۰: ۱۱؛ محمدی فر، ۱۳۹۴: ۲۱).

زرین کوب؛ رسولی: ۱۳۹۳: ۹۴-۹۵؛ افخمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳۳؛ : مراجعه شود به Boyce, 1975:71؛ Saadi-nejad, 2013:259؛ kellenz, 2002-3: 322؛ Bartholomae,1905:126؛)

نخستین سند در ایران که از آناهیتا نام میبرد سنگ نوشته اردشیر دوم هخامنشی در همدان و شوش است(گویری، ۱۳۷۲: ۶۷؛ شارپ، ۱۳۴۶: ۱۳۸).

جواد نیستانی معتقد است رسم قربانی انسانی در زمان پادشاهی تیگلات پلاسر وجود داشته است که در زمان پادشاهی آحازبن یوتام به سرزمین های مقدس راه پیدا کرد(نیستانی، ۱۳۹۴: ۱۶۸).

شاید بتوان ارامگاه تپتی آهار در هفت تپه با ۲۱ اسکلت انسان را به عنوان قربانی مطرح کرد اما این موضوع خارج از مقاله است.

تصویر سکه وهبوز سومین شاه فترکه (حکومت مستقل فارس دردوره سلوکی و اشکانی)؛ او را درحال سربریدن سرباز هلنی نشان می دهد. این سکه در موزه مونیخ موجود است و در کتاب کلوژه و موزلر به چاپ رسیده است؛ این سکه دارای انتقادات فراوانی است و هنوز در مورد اصل بودن سکه ابهامات فراوانی وجود دارد اگرچه تا کنون به عنوان سکه اصل در منابع سکه شناسی غربی مورد استناد است. بنابراین به دلیل ثابت نشدن اصل بود این سکه از ذکر آن در این نوشتار امتناع می شود.(برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به Müsseler, W./Klose, D.O.A. Statthalter, Rebellen, Könige. Die Münzen aus Persepolis von Alexander dem Großen zu den Sasaniden, Staatliche Münzsammlung München 2008,.)

منظور از این ایزد هادس Hades فرمانروای مردگان و دنیای زیرزمین در اساطیر یونانی است(برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: گریمال، ۱۳۹۱).

در دوره خشایار شاه از کتیبه های او به صراحت مبارزه و ویران کردن عبادتگاه های دیوان بحث شده است(برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: شارپ، ۱۳۴۶).

واژه Yaj در سنسکریت (در ودایی) به عمل قربانی کردن اشاره دارد و این عملی است که از طریق آن عنصری از دنیای انسان ها به دنیای خدایان منتقل می شود(شمس، ۱۳۹۶: ۳۵).

: هنوته ایستی Henotheism

اعتقاد به یک خدای بزرگ بدون رد و انکار خدایان کوچکتر (بالدیک، ۱۳۷۷: ۷۹).

مضمون نامه اردوان به اردشیر: ای کرد تربیت شده در خیمه کردان، از حد خود برون رفته ای و مرگ خویش را پیش خوانده ای، کی به تو اجازه داد تاج برسر نهی و ولایت بگیری و پادشاهان و کسان باطاعت آری...؟ و هم نوشته بود که شاه اهواز را سوی او فرستاده که بند نهد و همراه برسد.(طبری، ۱۳۶۲: ج: ۵۸۳)

یسنه یا بسنا متنی است که از آیین یسنه گرفته شده است و به پهلوی یزشن بوده که به معنی ستایش، پرستش و قربانی است و شامل ۷۲ فصل است که فصل یا گات های ۲۸-۳۴-۵۱-۵۳ توسط خود زرتشت سروده شده است و امروزه بنام گاهان یا گاته ها بعنوان قدیمترین بخش اوستا خوانده می شود، مطالعات زبان شناسی اشاره به این دارد که گاهان از جمله متون کهن آریایی است که ساختار مشابه با سرودهای ریگ ودا دارد(عدلی، ۱۳۸۷: ۱۲۸).

یشت پنجم بنام "اردویسورا آناهیتا" معروف به آبان یشت است.

کرده ۲۵ بند ۷ جمشید، کرده ۸ بند ۲۹ ضحاک و کرده ۹ بند ۳۳ فریدون برای آناهیتا اسب و گاو و گوسفند قربانی میکنند(گویری، ۱۳۷۲: ۴۷-۶۷).

در یشت پنجم بندهای ۵۰-۴۶-۲۶-۲۳ برای پیروزی بر دیوان و دشمنان باید از آناهید یاری خواست(بهار، ۱۳۸۱: ۸۱).

اهورامزدا در ایرانویج به ستایش آناهیتا میپردازد(مراجعه شود به: فره وشی، ۱۳۷۹).

بند ۹۱: ... با این قربانی باید مرا بستایی از هنگام برآمدن آفتاب تا فرو رفتن آن ... (گویری، ۱۳۷۲: ۵۳).

بند ۲۱: هوشنگ برای آناهیتا در بالای کوه هوکرپه صد اسب نر، هزار گاو و ده هزار گوسفند قربانی کرد(همان، ۵۵).

در تعالیم ادیان ابراهیمی اولین قربانی هابیل بود(آزادی ده عباسانی، ۱۳۹۴: ۱۸)

پینوشت

- دوشن-گیمین، جی، دین ایران باستان، ترجمه رویا منجم، تهران، نشر علم، ۱۳۸۱.
- دوشن گیمین، ژ «آراء گوناگون درباره زرتشت»، ترجمه آرزو رسولی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نامه فرهنگستان، ضمیمه شماره ۱۶، ۲۳-۲۶، ۱۳۸۳.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، چاپ اول از دوره جدید، تهران، نشر موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- زرین کوب، روزبه؛ آرزو رسولی، «آناهیتا و آیین های ستایش آتش»، نامه فرهنگستان- تحقیقات ایرانشناسی، دوره چهاردهم، شماره اول، ۹۴-۱۱۹، ۱۳۹۳.
- سلطانی لرگانی، کبری؛ اشرفی، عباس، «قربانی در قران و اوستا»، سراج منیر، سال سوم، شماره یازدهم، ۷-۲۳، ۱۳۹۲.
- شارپ، رالف نورمن، فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی، شیراز، شورای مرکزی جشنهای شاهنشاهی، ۱۳۴۶.
- شایگان، داریوش، ادیان و مکاتب فلسفی هند، جلد اول، تهران، نشر امیرکبیر، ۲۵۳۶ (۱۳۴۶).
- شمس، محمد جواد و دیگران، ادیان هند، تهران، نشر سمت، ۱۳۹۶.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد دوم، تهران، نشر اساطیر، ۱۳۶۲.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه محمد روشن، جلد اول، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۸.
- طلایی، پرویز حسین؛ مصطفی جرفی، «واکوی شاخص های تاثیرگذاری بر سیاست های مرزی اردشیر بابکان در قبال امپراتوری روم»، تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال بیستم، شماره هفتم، ۶۷-۸۷، ۱۳۸۹.
- عبدالهی، فرشته، دین زرتشت و نقش آن در جامعه ساسانیان، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۶۹.
- عدلی، محمدرضا، «مفهوم قربانی (یجته/یسنه) در هند و ایران باستان»، پژوهشنامه ادیان، سال دوم، شماره چهارم، ۹-۴۳۱۰۹، ۱۳۸۷.
- عریان، سعید، راهنمای کتیبه های ایرانی میانه، تهران، نشر معونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی (پژوهشکده زبان و گویش)، ۱۳۸۲.
- فاطمی بوشهری، لیلا، «بررسی تطبیقی قربانی در ایران و بین النهرین»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، گلناز قلعه خانی، دانشگاه شیراز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه فرهنگ و زبانهای باستانی، ۱۳۸۸.
- فره وش، بهرام، ایرانویج، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- فریزر، جیمز جرج، شاخه زرین: پژوهشی در جادو و دین، ترجمه کاظم فیروزمند، چاپ سوم، تهران، نشر آگاه، ۱۳۸۶.
- گریمال، پیر، فرهنگ اساطیر یونان و رم، ترجمه احمد بهمنش، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.
- گوپری، سوزان، آناهیتا در اسطوره های ایرانی، تهران، نشر جمال الحق، ۱۳۷۲.
- لاجوردی، فاطمه؛ مینا بهاری، «مفهوم قربانی در دیدگاه سه تن از محققان سده های ۱۹ و ۲۰ میلادی (هربرت اسپنسر، ادوارد تایلور، جیمز جورج فریزر)»، پژوهشنامه ادیان، سال چهارم، شماره هفتم، ۱۴۵-۱۶۴، ۱۳۸۹.
- لطیف پور، صبا، «مراسم قربانی نزد هندی- اروپاییان، هندیان و ایرانیان»، نامه فرهنگستان، ویژه نامه شبه قاره، شماره پنجم، ۷۷-۵۳، ۱۳۹۴.
- سوم، تهران، نشر کمسیون معارف، ۱۳۴۲. یونان، چاپ و شرق ملل ماله، آلب، تاریخ مجیدزاده، یوسف، تاریخ و تمدن بین النهرین، جلد سوم هنر و معماری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰.
- محمدی فر، یعقوب؛ فرهاد امینی، باستان شناسی و هنر ساسانی، تهران، نشر شاپیکان، ۱۳۹۴.
- قربانی نخست زاده و سوزاندن آن مربوط به درهم آمیختگی نژادی دوره ای از تاریخ یهود و نفوذ آیین بعل پرستی کنعانیان در دوره های پیش از اسارات (اسارت او ۵۹۷ ق.م) است (نیستانی، ۱۳۹۴: ۱۶۷).
- برای مطالعه بیشتر در خصوص قربانگاه های انسانی در بیت المقدس (توفت) براساس روایات عهد عتیق و منابع اسلامی به مقاله جواد نیستانی مراجعه شود (نیستانی، ۱۳۹۴: ۱۶۵-۱۷۴).
- منابع:**
- استرابو، جغرافیای استرابو، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران، نشر بنیاد موقوفات دکتر افشار، ۱۳۸۲.
- اسلام، علیرضا، «تحول قربانی از انسان به حیوان: نقطه عطفی در روند عقلانی شدن»، پژوهشنامه های ادیانی، شماره ششم، سال سوم، ۸۷، ۱۳۹۴.
- افخمی، بهروز و همکاران، «بازنمایی الهه آناهیتا در شواهد باستان شناختی»، نشریه زن در فرهنگ و هنر، دوره هشتم، شماره دوم، ۲۲۵، ۱۳۹۵.
- اکبرزاده، داریوش؛ طاووسی، محمود، کتیبه های فارسی میانه (پهلوی ساسانی)، تهران، نشر نقش هستی، ۱۳۸۵.
- ایونس، ورونیکا، شناخت اساطیر هند، ترجمه باجلان فرخی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۳.
- آزادی ده عباسانی، نجیمه، «رمزگشایی آیین قربانی در اسطوره، عرفان و فرهنگ»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، سال یازدهم، شماره سی و هشتم، ۱۱-۴، ۱۳۹۴.
- آشتیانی، جلال الدین، تحقیقی در دین یهود، چاپ دوم، تهران، نشر نگارش، ۱۳۶۸.
- آقایی میبیدی، احمد، «فطری بودن قربانی و راز انحرافات آن در ادیان ابتدایی»، معرفت ادیان، سال دوم، شماره دوم، ۱۱۷-۴۲، ۱۳۹۰.
- آقایی، احمد، «قربانی در آیین یهود»، هفت آسمان، شماره پنجاه و سه، ۵۳-۷۸، ۱۳۹۱.
- آوزرمانی، فریدون، «آناهیتا، الگوی زن ایرانی با تکیه بر فرهنگ و هنر ساسانی»، هنر و تمدن شرق، شماره هشتم، ۲۵-۳۲، ۱۳۹۴.
- بالدیک، ژولیان، دین مزدایی (زرتشتی)، ادیان آسیا، ترجمه عبدالرحیم گواهی، چاپ دوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۴۹-۸۸، ۱۳۷۷.
- بریان، پیر، امپراتوری هخامنشی، جلد ۲، تهران، نشر قطره، ۱۳۸۱.
- بنونیست، امیل، دین ایرانی بر پایه متن های معتبر یونانی، ترجمه بهمن سرکاراتی، چاپ سوم، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۷.
- بویس، مری، تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی زاده، ج ۱، تهران، نشر توس، ۱۳۷۵.
- پلوتارک، ترجمه احمد کسروی، جلد ۲، چاپ ۲، تهران، ۱۳۳۹.
- پوردادوود، ابراهیم، یشت ها، به کوشش دکتر بهرام فره وش، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۲۵۳۶.
- پیرنیا، حسن، ایران باستان، تهران، نشر سازمان کتاب های جیبی، ۱۳۴۲.
- تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، نشر سخن، ۱۳۷۶.
- جلیلیان، شهرام، «اردشیر بابکان و خدایان آناهیتا»، تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، شماره ۳۷، پیاپی ۱۲۷، ۳۵-۵۶، ۱۳۹۷.
- دریایی، تورج، سرهای بریده شده در آتشکده آناهیتا، یشت فرزانی: جشن نامه دکتر محسن ابوالقاسمی به اهتمام سیروس نصرالله زاده و عسگر بهرامی، نشر هرمس، تهران، ۲۰۵-۲۰۷، ۱۳۸۴.
- دریایی، تورج، ناگفته های امپراتور ساسانیان، ترجمه آهنگ حقانی و محمود فاضلی بیرجندی، تهران، نشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، ۱۳۹۰.

- Luckenbill, D., Rogers, R., «Ancient Records of Assyria and Babylonia», *The American Historical Review*, 32(4), 584-585, 1927.
- Pinches, T. W., Gray B., *The bronze ornaments of the palace gates of Balawat*, London, the Offices of the Society of Biblical Archaeology, 1902.
- Plutarch's Lives, II&XI, Bernadotte Perrin, The Loeb Classical Library, London 1914&1975.
- Saadi-nejad, M., «Aredur sūrā anāhitā», *india European river goddess*, *Analytica iranica*, 5:253-274, 2013.
- Schachner, A., Wolff, C., *Bilder eines Weltreichs*. Turnhout: Brepols, 2007.
- Tylor, E.B., *Primitive Culture, Understanding Religious Sacrifice*, Jeffrey Carter (ed.), New York, 2003.
- Tylor, I., *Herodotus*, London, Hodsworth and Ball, 1829.
- Wikander, S., *Feuerpriester in Kleinasien und Iran*, Lund, C.W.K. Gleerup, 1946.
- Belibtreu Erika: *documents.com*, «Grisly Assyrian Record of Torture and Death», E. Bleibtreu [online] Available at: <https://documents.com/s-grisly-assyrian-record-of-torture-and-death.pdf> [Accessed 26 Dec. 1991], 2002.
- Staatliche Münzsammlung München: https://www.staatliche-muenzsammlung.de/bilder_03.html
- منابع:
 محمود زهی، موسی، «ستایش ایزدبانوی آناهید در ادبیات اوستایی (با تکیه بر متن آبان یشت)»، پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال چهاردهم، شماره بیست و ششم، ۱۴۱-۱۴۲، ۱۳۹۵.
- معینی سام، بهزاد؛ زینب خسروی، «پیوند اناهیتا و ایشتر بابلی»، مطالعات ایرانی، سال دهم، شماره بیستم، ۳۰-۳۱۹، ۱۳۹۰.
- مقدم، محمد، جستاری درباره مهر و ناهید، تهران، نشر مرکز ایرانی مطالعه فرهنگها، ۲۵۳۷.
- مکی، مریم، «بررسی تطبیقی ایزدان سه گانه در ایران و ارمنستان در دوران باستان»، ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، سال هفتم، شماره بیست و دوم، ۱۲۰-۱۴۱، ۱۳۹۰.
- مولایی، چنگیز، آبان یشت (سرود اوستایی در ستایش اردوی سور آناهیتا)، تهران، نشر مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۲.
- میران، ژاک، «شکندره از قدیمیترین پدیده های تاریخ بشر است»، ترجمه هادی خراسانی، نشریه وحید، تهران، شماره ۱۲۶، ۱۹۵-۲۰۱ و شماره ۱۲۹، ۵۰۰-۵۰۵، ۱۳۵۳.
- ناس، جان بی، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
- نیستانی، جواد، «قربانگاه های انسانی توفت در بیت المقدس؛ بر اساس روایات عهد عتیق و منابع دوره اسلامی»، مطالعات باستان شناسی، دوره هفتم، شماره دوم، ۱۶۵-۱۷۴، ۱۳۹۴.
- همیلتون، ادیت، سیری در اساطیر یونان و روم، ترجمه عبدالحسین شریفیان، تهران، نشر اساطیر، ۱۳۷۶.
- دوم، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۸۵. رجعی، چاپ پارسها، ترجمه پرویز و هینز، والتر، داریوش
- Bartholomae, C., *Die Gatha's des Awesta. Zara thushra's Verspredigten übersetzt von Christian Bartholomae*, Strassburg, 1905.
- Black, J., Rickards, T. and Green, A., *Gods, demons and symbols of ancient Mesopotamia*, London: British Museum Press, 1992.
- Boyce, M., *A History of Zoroastrianism*, vol. 1: The Early Period, Leiden/ Koln: Brill, 1975.
- Diodore, de Sicile, *The Library of History: Books IV-VIII*, C.H.Oldfather, vol.3. The Loeb Classical Library, London, 1952.
- Dumézil, G., *Les dieux des indo-européens*. Paris: Presses Universitaires de France, 1952.
- Eerzfeld, E., *Iran in the Ancient East*, New York: Oxford University Press, 1941.
- Hastings, J., *Encyclopedia of religion and ethics*, New York, Encyclopedia of Judaica, 1972, New York, Macmillan, 1979.
- Henninger, J., *sacrifice*, The Encyclopedia of religion, Mircea Eliade (ed.), New York: Magmillan, 1987
- Herodotus, *Historiae*, Alfred Denis Godley, 4 vol., The Loeb Classical Library, London 1942&1946.
- Kellens, J., «Le problem avec Anāhitā». *Orientalia Suecana*, vol. LI-LII, Uppsala university, 317-326, 2002-3
- Klose, D., Müseler, W., *Statthalter, Rebellen, Könige*. München, Selbstverl, der Staatl, Münzsammlung, 2008.

ارزیابی نشریات علمی پژوهشی داخلی ۱۴۰۲

Abbr: P-ISSN: 2345-5225 ✓ E-ISSN: 2345-5500 ✓ Indexing: ISC(Q1) Google Scholar:	نرم افزار: سیناوب زبان نشریه: فارسی صاحب امتیاز: دانشگاه بوعلی سینا ناشر: دانشگاه بوعلی سینا سازمان همکار: نشانی: همدان - میدان پژوهش - دانشگاه بوعلی سینا - سازمان مرکزی دانشگاه - دفتر نشریه ی پژوهش های باستان شناسی ایران موضوعات اختصاصی: تاریخ	وضعیت رتبه: علمی-پژوهشی دوره انتشار: فصلنامه مدیر مسئول: سردبیر: محمد ابراهیم زارعی تاریخ آغاز اعتبار: 1390/11/24 موضوع کلی: علوم انسانی	کد مصوب کمیسیون: ۳۴
38381192-081 journal.nbsh@bsu.ac.ir nbsh.bsui.ac.ir	مشاهده جزئیات ارزیابی نتیجه ارزیابی: [۱۳۹۶] (AV) A [۱۳۹۶] (AP) A		
صفحه اختصاصی ۳۴ نسخه ۳۳۱ مقاله ۱۰۷۶ نویسنده			

Abbr: P-ISSN: 2288-1026 ✓ E-ISSN: - Indexing: ISC Google Scholar:	نرم افزار: سیناوب زبان نشریه: فارسی صاحب امتیاز: دانشگاه تهران ناشر: دانشگاه تهران سازمان همکار: نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان قدس، کوچه آذین، ساختمان شماره ۲ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۴ دفتر نشریه مطالعات باستانشناسی موضوعات اختصاصی: تاریخ	وضعیت رتبه: علمی-پژوهشی دوره انتشار: دو فصلنامه مدیر مسئول: ابوالحسن امین مقدسی سردبیر: کمال الدین نیکنامی تاریخ آغاز اعتبار: 1380/03/20 موضوع کلی: علوم انسانی	کد مصوب کمیسیون: ۱۶۴
66978885-021 66973280-021 jarcs@ut.ac.ir jarcs.ut.ac.ir	مشاهده جزئیات ارزیابی نتیجه ارزیابی: [۱۳۹۶] (AA) A [۱۳۹۶] (VV) B		
صفحه اختصاصی ۶۷ نسخه ۳۷۳ مقاله ۸۷۷ نویسنده			

Abbr: P-ISSN: 2345-2390 ✓ E-ISSN: - Indexing: ISC(Q4) Google Scholar:	نرم افزار: سیناوب زبان نشریه: فارسی صاحب امتیاز: دانشگاه پیام نور ناشر: دانشگاه پیام نور سازمان همکار: نشانی: موضوعات اختصاصی: تاریخ	وضعیت رتبه: علمی-پژوهشی دوره انتشار: دو فصلنامه مدیر مسئول: دکتر علیرضا علی صوفی سردبیر: محمد رضا نصیری تاریخ آغاز اعتبار: 1391/07/05 موضوع کلی: علوم انسانی	کد مصوب کمیسیون: ۷۹۳
 localhistories@pnu.ac.ir localhistories.journals.pnu.ac.ir	مشاهده جزئیات ارزیابی نتیجه ارزیابی: [۱۳۹۶] (V) B [۱۳۹۶] (V) B		
صفحه اختصاصی ۲۱ نسخه ۲۴۴ مقاله ۴۵۲ نویسنده			

Abbr: P-ISSN: 2251-7766 ✓ E-ISSN: 0808-2383 ✓ Indexing: ISC Google Scholar:	نرم افزار: سیناوب زبان نشریه: فارسی صاحب امتیاز: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سازمان همکار: نشانی: تهران، بزرگراه کردستان، خیابان خیابان ۶۴ غربی، جنب مجتمع آس پ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، کدپستی ۱۴۳۷۷۴۶۸، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵ موضوعات اختصاصی: تاریخ	وضعیت رتبه: علمی-پژوهشی دوره انتشار: دو فصلنامه مدیر مسئول: علی رضا طالبی کوانی سردبیر: پروین ترکمنی آذر تاریخ آغاز اعتبار: 1383/12/30 موضوع کلی: علوم انسانی	کد مصوب کمیسیون: ۹۱۳
 itarikh@ihcs.ac.ir historicalstudy.ihcs.ac.ir	مشاهده جزئیات ارزیابی نتیجه ارزیابی: [۱۳۹۶] (V) B [۱۳۹۶] (V) B		
صفحه اختصاصی ۲۵ نسخه ۲۱۱ مقاله ۴۱۸ نویسنده			

ارزیابی نشریات علمی پژوهشی داخلی ۱۴۰۲

کد مصوب کمیسیون: ۶۵۱ 	وضعیت رتبه علمی-پژوهشی: دوره انتشار: فصلنامه مدیر مسئول: دکتر سوسن قهرمانی قاجار سردبیر: علی محمد وایی تاریخ آغاز اعتبار: 1380/04/01	ترم افزار: سیناوب زبان نشریه: فارسی صاحب امتیاز: دانشگاه الزهراء (س) ناشر: دانشگاه الزهراء (س) سازمان همکار: نشانی: موضوعات اختصاصی: تاریخ	Abbr: P-ISSN: 2008-885X E-ISSN: 2538-3493 Indexing: ISC(Q2) Google Scholar:
	موضوع کلی: علوم انسانی	09904837114 HistoryIslamIran@alzahra.ac.ir ht.alzahra.ac.ir	نتیجه ارزیابی: (۶۸) B (۵۶) C

کد مصوب کمیسیون: ۵۰۶ 	وضعیت رتبه علمی-پژوهشی: دوره انتشار: فصلنامه مدیر مسئول: دکتر امیر منظر الزنگنه سردبیر: مریم دهقان نژاد تاریخ آغاز اعتبار: 1393/10/27	ترم افزار: سیناوب زبان نشریه: فارسی صاحب امتیاز: دانشگاه اصفهان ناشر: دانشگاه اصفهان سازمان همکار: نشانی: اصفهان، خیابان هزار جریب، دانشکده اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دفتر مجله پژوهشهای تاریخی کدیستی - ۸۱۷۴۴ موضوعات اختصاصی: تاریخ	Abbr: پژوهش های تاریخی P-ISSN: 2008-6253 E-ISSN: 2476-3306 Indexing: EBSCO Academic Search Complete, EBSCO Academic Search Ultimate, ISC Google Scholar:
	موضوع کلی: علوم انسانی	03137933194 zhr@res.ui.ac.ir zhr.ui.ac.ir	نتیجه ارزیابی: (۶۸) B (۵۷) C

کد مصوب کمیسیون: ۱۸۱ 	وضعیت رتبه علمی-پژوهشی: دوره انتشار: فصلنامه مدیر مسئول: مریم خلیلی جهانیغ سردبیر: عباس کی منش تاریخ آغاز اعتبار: 1388/11/27	ترم افزار: سیناوب زبان نشریه: فارسی صاحب امتیاز: دانشگاه سیستان و بلوچستان ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان سازمان همکار: نشانی: زاهدان - دانشگاه سیستان و بلوچستان - مرکز مطالعات شبه قاره و آسیای جنوبی کد پستی: ۹۸۱۶۴۳۵۸۵ موضوعات اختصاصی: ادبیات و زبان ها	Abbr: فصلنامه مطالعات شبه قاره P-ISSN: 2008-5710 E-ISSN: - Indexing: ISC(Q2) Google Scholar:
	موضوع کلی: علوم انسانی	2433100-541 2430102-541 zsr_oue@yahoo.com zsr.usb.ac.ir	نتیجه ارزیابی: (۷۶) B (۷۳) B

کد مصوب کمیسیون: ۷۷۳ 	وضعیت رتبه علمی-پژوهشی: دوره انتشار: فصلنامه مدیر مسئول: دکتر فرهنگ مظهر سردبیر: احمد صالحی کاخکی تاریخ آغاز اعتبار: ۱۳۸۹/۰۷/۰۱	ترم افزار: یکتاوب زبان نشریه: فارسی صاحب امتیاز: دانشگاه هنر اصفهان ناشر: دانشگاه هنر اصفهان سازمان همکار: نشانی: اصفهان، خیابان چارباغ پایین، حدفاصل چهارراه تختی و میدان شهدا، کوچه پردیس (۳۱)، پلاک ۱۷، حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه هنر اصفهان، دفتر نشریه مرمت و معماری ایران کد پستی: ۳۳۶۶۱-۸۱۴۸۶ موضوعات اختصاصی: معماری	Abbr: P-ISSN: 2345-3850 E-ISSN: 2538-2624 Indexing: ISC(Q3) Google Scholar:
	موضوع کلی: هنر و معماری	031-34460909 031-34460328 mmi@eui.ac.ir mmi.eui.ac.ir	نتیجه ارزیابی: (۷۸) B (۶۰) C

